

فعالان سیاسی در گفت‌وگو با «ایران» به وزیر خارجه آمریکا یادآوری کردند

قاموس ایرانی؛ دفاع آری، جنگ افروزی نه

گزارش

گروه سیاسی

ادعاهای اخیر مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در آتن از سوی بسیاری از کارشناسان سیاسی، صاحبزنان حوزه سیاست خارجی و اساتید تاریخ به تلاش او برای توجیه تاریخی جنگ طلبی ایالات متحده تعبیرشد و اینکه دولت فعلی آمریکا می‌خواهد خود را نماینده جهان غرب در برابر شرق و مشخصاً ایران تعریف کند. فارغ از انگیزه‌های شخصی و برندسازی روبیو معطوف به برنامه‌ریزی‌های آینده و مشخصاً انتخابات ریاست جمهوری این کشور، او این هدف سیاسی را نیز دنبال می‌کند که دولت‌ها و افکار عمومی جهان غرب را در مقابله با ایران همراه کند. واکنش‌ها و پاسخ‌های ارائه شده به این سخنان البته معلوم کرد که ارجاع وزیر خارجه آمریکا به تاریخ کامل نبوده و او عاصداً اشاره‌ای به این نداشته که حمله خشایارشا به آتن واکنشی بوده به حمله یونانی‌ها به یکی از ایالات وقت ایران یعنی سارد. به‌مانند که تاریخ چند صد ساله آمریکا مملو است از تجربه‌های ممتد جنگ افروزی که تا حال حاضر هم ادامه یافته است.

ایران هیچ‌گاه جنگ‌افروز نبوده است

امیررضا واعظ آشتیانی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در همین ارتباط می‌گوید: «ایران و ایران‌ها هیچ‌گاه جنگ‌افروز نبوده‌اند و نخواهند بود. هرگاه به ایران حمله شده، حتی در زمان خشایارشا، دشمنان ایران پاسخ‌کوینده‌ای دریافت کرده‌اند. در موضوع جنگ‌های ایران و یونان نیز باید به تاریخ توجه کرد. در آن زمان، یونانی‌ها به بخشی از سرزمین‌های تحت‌حاکمیت ایران در منطقه‌آسیای صغیر، در محدوده ترکیه امروزی، حمله کردند و در ادامه، درگیری‌ها و لشکرکشی‌هایی میان دو طرف شکل گرفت. بنابراین، نمی‌توان تاریخ را تحریف کرد و ایران را بدوین توجه به وقایع آن دوران، آغازگر جنگ معرفی کرد.»این فعال سیاسی در گفت‌وگو با «ایران» ادامه می‌دهد: «به نظرمی‌رسد روبیو در حوزه تاریخ ایران اطلاعات دقیقی ندارد و با برداشت‌های نادرست سخن می‌گوید. جنگ‌افروزی کار آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی است؛ کسانی که برای جاه‌طلبی و منافع خود دست به اقداماتی می‌زنند که ملت‌های بسیاری را متضرر می‌کند. امروز رسوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی از افکار عمومی جهان آشکار شده است. وقتی مقام‌های رژیم صهیونیستی با اتهامات مربوط به جنایت‌های جنگی در مراجع بین‌المللی روبه‌رو می‌شوند و علیه آنها قرارداهای قضایی صادر می‌شود، این موضوع چه معنایی دارد؟ چه کسی جنگ‌افروز است؟»وی می‌افزاید: «متأسفانه روبیو تلاش می‌کند با تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهان و استفاده از رسانه‌های وابسته، تاریخ یک کشور را مطابق سلیقه خود تحریف کند و ایران را جنگ‌طلب نشان دهد؛ در حالی که ما از حقوق خود دفاع می‌کنیم و تاکنون نیز در برابر تهدیدها ایستاده‌ایم. ما در دفاع از حقوق خود مصمم هستیم و خون شهیدانمان از جمله رهبر شهیدمان، رافراموش نخواهیم کرد. تفکر تحریف تاریخ و معرفی یک ملت به عنوان جنگ‌طلب، نمی‌تواند واقعیت‌ها را تغییر دهد. امروز شاهدیم که عاملان جنایت‌تلاش می‌کنند جایگاه خود را با مطالبه‌گران عدالت عوض کنند؛ اما این اتفاق نخواهد افتاد، چراکه ملت‌های جهان به‌خوبی عملکرد آمریکا و رژیم صهیونیستی را مشاهده می‌کنند.»واعظ آشتیانی می‌گوید: «ایران، ملتی است که محکم ایستاده و در برابر فشارها و تجاوزها مقاومت کرده است. ایرانیان هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده‌اند، اما هرگاه مورد حمله قرار گرفته‌اند،

اطلاع‌رسانی

آغاز ساخت دارالفنون شهید کاظمی بیرجند به همت بانک پاسارگاد؛

گامی در جهت پرورش نسل آینده ایران

گزارش

عملیات اجرایی احداث محتمع آموزشی «دارالفنون شهید کاظمی بیرجند» روز پنج‌شنبه ۶ مهرماه ۱۴۰۵، با حضور دکترعلیرضا کاظمی، وزیرآموزش و پرورش، دکتر مجید قاسمی، مدیرعامل بانک پاسارگاد، سید محمد رضا هاشمی، استاندار خراسان جنوبی، دکتر سید حسن هاشمی، دکتر مصطفی نخعی و دکتر سلمان اسحاقی، نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مدیران بانک پاسارگاد و مسئولان استانی آغاز شد. احداث این مجتمع آموزشی در چارچوب برنامه‌های این بانک برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی و ایفای مسؤولیت‌سازی اجتماعی با هدف توانمندسازی نسل آینده کشور انجام می‌شود؛ رویکردی که آموزش را زیربنای توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری بر استعدادها و سرمایه‌های انسانی را از مهمترین زمینه‌های پیشرفت ایران می‌داند.

بیرجند؛ بستری برای شکوفایی استعدادهای خراسان جنوبی

انتخاب بیرجند برای احداث مجتمع آموزشی دارالفنون، گامی در جهت گسترش فرصت‌های آموزشی و فراهم‌سازی زمینه رشد استعدادهای دانش‌آموزان خراسان جنوبی است؛ استانی با پیشینه درخشان علمی و فرهنگی که همواره چهره‌های برجسته‌ای را در عرصه‌های مختلف به کشور معرفی کرده است.

این مجتمع در زمینی به مساحت ۱۶ هزار و ۴۸۰ مترمربع و با زیربنای ۱۲ هزار مترمربع احداث خواهد شد و شامل ۳۶ کلاس درس و ۲۴کلاس مکمل، در یک فضاهای آموزشی، آزمایشگاهی، فرهنگی، ورزشی و مهارتی خواهد بود، بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین، امکانات دیجیتال و ظرفیت‌های هوش مصنوعی نیز در طراحی این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است تا محیطی متناسب با نیازهای آموزشی نسل جدید فراهم شود. رویکرد دارالفنون، فراتر از آموزش متعارف و محدود به کلاس درس است؛ رویکردی که یادگیری علمی را با تجربه، مهارت‌آموزی، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی و پرورش خلاقیت پیوند می‌دهد و زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم می‌کند.

وزیر آموزش و پرورش؛

دارالفنون بیرجند، کانون علمی

و تحقیقاتی خراسان جنوبی

خواهد بود

دکتر علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، در این مراسم با اشاره به پیشینه فرهنگی و تمدنی بیرجند، سابقه ۱۲۰ ساله مدرسه شوکتیه و جایگاه علمی مردم خراسان جنوبی، احداث دارالفنون بیرجند را اقدامی ماندگار و نقطه عطفی در توسعه آموزش استان دانست، وی با قدرتی از مدیرعامل و مجموعه بانک پاسارگاد برای مشارکت در احداث مدارس دارالفنون اظهار داشت: ایده جناب‌آقای دکتر قاسمی در ایجاد این مدارس اقدامی ارزشمند و قابل تحسین است و این

مجموعه‌ها می‌توانند به پایگاه‌های علمی و تحقیقاتی در سطح کشور تبدیل شوند. وزیرآموزش و پرورش با اشاره به تقاهم‌نامه منعقدشده میان این وزارتخانه و بانک پاسارگاد افزود: براساس این تقاهم‌نامه، احداث ۶۴ مدرسه در نقاط مختلف کشور پیش‌بینی شده است و هزینه ساخت هر یک از این مدارس با قیمت‌های فعلی حدود ۲۰۰میلیارد تومان برآورد می‌شود. کاظمی همچنین با اشاره به سایر اقدام‌های بانک پاسارگاد در حوزه مسؤولیت‌های اجتماعی، از ساخت مدارس در مناطق محروم، احداث کتابخانه‌ها و اجرای طرح‌های درمانی به عنوان بخشی از فعالیت‌های این بانک در مسیر توسعه اجتماعی نام برد.

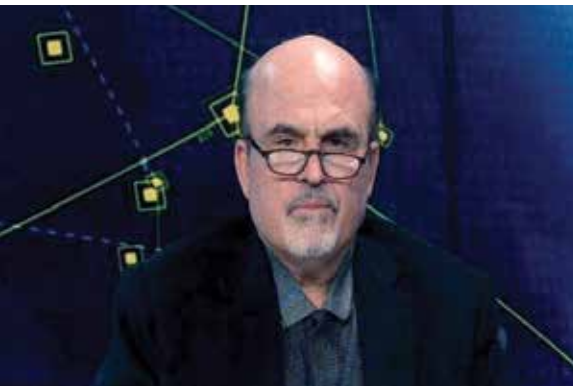
وی با تأکید بر ضرورت بهره‌مندی دانش‌آموزان مستعد از شهرستان‌های مختلف استان، به‌ویژه مناطق کمتر برخوردار، خاطرنشان کرد: دارالفنون بیرجند باید به پایگاهی علمی و تحقیقاتی تبدیل شود که استعدادهای برتر خراسان جنوبی بتوانند از ظرفیت‌های آن بهره‌مند شوند. وزیرآموزش و پرورش در پایان، احداث این مجموعه را اقدامی ماندگار در مسیر توسعه آموزشی استان و زمینه‌ساز پرورش نسل آینده دانست.

مدیرعامل بانک پاسارگاد؛

بستری برای پرورش

نخبگان و احیای مهارت‌آموزی است

دکتر مجید قاسمی، مدیرعامل بانک پاسارگاد، در این مراسم ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره شهدا و



حمیدرضا جلالی‌پور: دروغ تمدنی و تاریخی روبیو نشان می‌دهد دولت‌استعمارگر ترامپ نتوانسته است چنگی را که علیه مردم ایران به راه انداخته است، برای آمریکایی‌ها توجیه کند



امیررضا واعظ آشتیانی: ایرانیان هیچ‌گاه آغازگر جنگ نبوده‌اند، اما هرگاه مورد حمله قرار گرفته‌اند، مقتدرانه از سرزمین و حقوق خود دفاع کرده‌اند و به دشمنان خود پاسخ داده‌اند

با توسل به این دروغ تمدنی می‌خواهد پز یاسودی بدهد. این رویوی فاشیست که نمی‌تواند از انسانیت، اخلاقی جهانشمول، آزادی، حقوق برابر انسان‌ها و از ارزش‌های دوره روشنگری دفاع کند، با ذکر این حادثه دروغ تاریخی می‌خواهد به غربی‌ها بگوید «زورگویی» ما غربی‌ها خصیصه خوبی است؛ «وی تأکید کرد: «توسل به دروغ تاریخی نشان می‌دهد فعلاً دولت فاشیست ترامپ قصد توقف جنگ را ندارد و همچنان به تسلیم ایران فکرمی‌کند. ایران هم مثل گذشته راهی جز دفاع جانانه، خنثی کردن محاصره اقتصادی و پیگیری دیپلماسی عزتمندانه ندارد تا دولت فاشیستی ترامپ دست از تهاجم بردارد. روشن است ایران هم تسلیم این دولت استعمارگر نخواهد شد، ایران ونزئلا نیست.» جلالی‌پور خاطرنشان کرد: «مسئولان آمریکایی نمی‌توانند با این حرف‌ها افکار عمومی ایرانیان را توجیه کنند. چون اسرائیل و آمریکا آشکارا به ایران حمله کردند و رهبر و مقامات نظامی و پنج هزار نفر از مردم ایران را به شهادت رساندند و به حداقل ۲۳ هزار نقطه ایران حمله هوایی کردند. لذا ایرانی‌ها به دروغ‌های وزیر خارجه آمریکا توجه نمی‌کنند.»وی با بیان اینکه جنگ علیه ایران از ابتدا و همزمان یک جنگ اطلاعاتی، نظامی، شناختی، تبلیغاتی و اقتصادی بوده است، گفت: «هدف آمریکا غلبه بر ذخائر نفتی و حکمرانی بر ایران است. دروغ تمدنی و تاریخی روبیو هم نشان می‌دهد این جنگ شناختی و تبلیغاتی همچنان ادامه دارد. در عین حال نشان می‌دهد دولت استعمارگر ترامپ نتوانسته است چنگی را که علیه مردم ایران به راه انداخته است، برای آمریکایی‌ها توجیه کند بنابراین به روایت دروغ تاریخی متوسل شده است.»این تحلیلگر سیاسی در پاسخ به پرسشی درباره استراتژی ایران در مواجهه با موج جدید ایران‌هراسی که توسط تندروهای آمریکایی هدایت می‌شود، گفت: «شایسته است که راهبر ایران «دفاع چهار بعدی» باشد؛ بعد اول این است که برای دفاع از تجاوزات آتی ترامپ و نتانیاهو همچنان از نیروهای دفاعی کشور باید دفاع همه‌جانبه کرد و وحدت فرماندهی را تقویت کرد.»وی ادامه داد: «بعد دوم دفاع، جلب حمایت «اکثریت» مردم در این جنگ نابرابر است. بعد سوم دیپلماسی متوازن، چندجانبه و مصمم است که دیپلمات‌ها ما نگران تهدیدات افراد رادیکال نباشند. ناسرا به مقامات سیاسی کشور یک عمل ضد ملی است. بعد چهارم این است که ماشین اداری حکومت با کمک نیروهای اقتصادی باید بتواند کالاهای اساسی را تأمین و محاصره اقتصادی را خنثی کند.»

ایرانی‌ها توجیهات روبیو را نمی‌پذیرند

حمیدرضا جلالی‌پور، استاد دانشگاه هم در گفت‌وگو با ایرنا، درباره اظهارات ایران‌هراسانه اخیر وزیر خارجه آمریکا اظهار کرد: «تبلیغات دولت‌های آمریکایی علیه ایران تاکنون دوگانه‌های مختلفی را تجربه کرده است: در گذشته از دوگانه «دموکراسی» و «ثروتریسم» (بنیادگرایی اسلامی) استفاده می‌کردند. از دو دهه پیش تلاش کردند تقابل «عرب و اسرائیل» را به تقابل «ایران و اسرائیل» تبدیل کنند.» وی ادامه داد: «دولت استعمارگر ترامپ با به راه انداختن دو جنگ ظالمانه علیه ایران، اقتصاد جهان و زندگی روزمره مردم آمریکا را با گرانی همراه کرده است به طوری که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد این دولت در آستانه انتخابات کنگره زیر فشار افکار عمومی است و حتی ممکن است جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان را از دست بدهند.»این تحلیلگر سیاسی با انتقاد به تحریف تاریخ از سوی وزیر خارجه آمریکا اظهار کرد: «در چنین شرایطی وزیر خارجه بیسواد ترامپ با خوانش گزینشی از تاریخ باستان برای افکار عمومی آمریکایی‌ها روایتی توجیهی درست می‌کند تا برای جنایتی که این دولت در جنگ با ایران انجام داده است جوابی بسازد. وی ذیل این روایت دروغ می‌خواهد که بگوید اگر ما با ایرانی‌ها ن جنگیم، آنها تمدن امروز ما را مثل تمدن یونان، ویران می‌کنند و این یک دروغ محض است.» جلالی‌پور افزود: «به قول «تورج دریایی» استاد تاریخ ایران باستان در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، خشایارشا آتن را به عنوان مجازات آتش زدن سارد- مرکز ساتراپی هخامنشی- به‌دست آیونی‌ها به آتش کشید. ضمن اینکه در ۲۰۰ سال گذشته این «غرب»- بریتانیا، روسیه و آمریکا- بوده‌است که به «شرق» حمله کرده، آن را غارت کرده و در آن حضور دارد.»وی در ارزیابی هدف روبیو از اظهارات اخیرش و اینکه آیا هدف وی صرفاً بسیج افکار عمومی برای افزایش بودجه‌های دفاعی است، با قصد دارد با تکیه بر همین روایت‌ها، راه را برای اعمال فشارهای حداکثری علیه ایران و حتی آغاز یک جنگ جدید هموار کند، تصریح کرد: «وزیر دروغگو و بیسواد ترامپ می‌خواهد در نزد افکار عمومی غربی‌ها (اعم از آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها) برای جنایاتی که در این جنگ انجام دادند و قصد تداوم این جنایات را دارند یک توجیه به اصطلاح روشنفکرانه درست کند، کاری که ترامپ متوهم بلد نیست.»این تحلیلگر سیاسی افزود: «روبیو یک نومحافظه‌کار صهیونیست است که مورد تنفر نخبگان فکری آمریکایی است. در عین حال می‌خواهد رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا بشود، بنابراین



بیرجند، نهمین مدرسه از مجموعه مدارس با این الگو است. آغاز عملیات اجرایی این مجتمع، ادامه مسیر سرمایه‌گذاری بانک پاسارگاد بر آموزش و سرمایه انسانی و گامی در جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و انسانی خراسان جنوبی است؛ پروژه‌ای که اهمیت آن فراتر از احداث یک فضای آموزشی، در فرصت‌هایی است خود قرار داده است. در همین چارچوب، ۶۱ مدرسه در نقاط مختلف کشور احداث گردید و ۱۱مدرسه هم در جریان طراحی یا ساخت قرار دارد و توسعه مدارس با الگوی دارالفنون نیز با هدف ایجاد محیط‌های آموزشی پیشرفته و فراهم‌سازی زمینه شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان دنبال می‌شود. دارالفنون شهید کاظمی می‌تواند بخش مهمی از نیازهای آموزشی مرکز استان را پاسخ دهد. **بانک پاسارگاد؛ همراه توسعه آموزش و پرورش استعدادهای ایران** بانک پاسارگاد طی سال‌های گذشته، توسعه زیرساخت‌های آموزشی و حمایت از گسترش فرصت‌های یادگیری را در شمار محورهای مهم مسؤولیت اجتماعی خود قرار داده است. در همین چارچوب، ۶۱ مدرسه در نقاط مختلف کشور احداث گردید و ۱۱مدرسه هم در جریان طراحی یا ساخت قرار دارد و توسعه مدارس با الگوی دارالفنون نیز با هدف ایجاد محیط‌های آموزشی پیشرفته و فراهم‌سازی زمینه شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان دنبال می‌شود. دارالفنون شهید کاظمی

علمی و تربیتی خراسان جنوبی و گامی مؤثر در مسیر توسعه و اعتلای تمدن ایرانی-اسلامی تبدیل شود. **استاندار خراسان جنوبی؛ دارالفنون، گامی ارزشمند در توسعه زیرساخت‌های آموزشی استان است** سید محمدرضا هاشمی، استاندار خراسان جنوبی، با اشاره به رویکرد دولت چهاردهم در توسعه عدالت آموزشی و اختصاص اعتبارات به حوزه آموزش و پرورش استان، آغاز عملیات اجرایی دارالفنون بیرجند را اقدامی مهم در مسیر ارتقای زیرساخت‌های آموزشی دانست. وی با قدرتی از مشارکت بانک پاسارگاد در اجرای این طرح اظهار داشت: احداث این مجتمع آموزشی، گامی ارزشمند در توسعه فضاهای آموزشی استان است و

دارالفنون نیز به دنبال پرورش استعدادهای برجسته علمی و تربیت نسل آینده نخبگان کشور

دکتر قاسمی همچنین با تأکید بر ضرورت تحول در شیوه‌های آموزش اظهار داشت: آموزش نباید صرفاً به انتقال دانش نظری و دریافت مدرک محدود بماند؛ بلکه دانش‌آموزان باید در کنار یادگیری علمی، با مفاهیم حقوق و اقتصاد و مهارت‌های کاربردی و کسب‌وکار آشنا شوند تا بتوانند در آینده با اتکا به دانش و توانمندی‌های خود، در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی نقش‌آفرینی کنند.

مدیرعامل بانک پاسارگاد در پایان ابرار امیدواری کرد که مجتمع آموزشی دارالفنون شهید کاظمی بیرجند به نمادی از توانمندی

در گفت‌وگو با شبکه پرس تی‌وی مطرح شد

گزارش رضایی از آخرین تحولات میدان ودیپلماسی

گزارش

سرلشکر محسن رضایی، نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی در مصاحبه با شبکه پرس تی‌وی با بیان اینکه پایان جنگ در دستان ملت ایران است و جز اینکه دشمن را نسبت به حقوق خودش تسلیم کند، دست از مقاومت و ایستادگی و دفاع برنمی‌دارد، تأکید کرد: «تاریخ ما داستان‌های خیلی خوبی برای دشمنان دارد؛ یک بار دیگر ناچار می‌شوند در مقابل ملت ایران زانو بزنند.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان گفت: «فرمانده سستکام کارهای قاچاق را رهبری می‌کند و او همچنین از ارتش امارات استفاده می‌کند.»

وی افزود: «آنها از ۵ یا ۶ شناور کوچک برای انتقال نفت به نفتکش‌های بزرگ‌تر استفاده می‌کنند، ولی ما نیز هر شب ۵ یا ۶ فروند از آنها را هدف قرار می‌دهیم.»

رضایی در ادامه گفت: «ترامپ با استخدام تعدادی از اشرار که در آب‌های ساحلی عمان فعالیت می‌کنند، به قاچاق روی آورده است.» دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: «ترامپ هر روز ادعا می‌کند که تنگه هرمز باز است اما در پاسخ می‌گویم: شما درحال قاچاق هستید، اما تنگه تحت کنترل ایران است و ما آن را مدیریت می‌کنیم.»

وی در پاسخ به این سؤال که ایران

مدیریت جنگ را چگونه پیش برد و آمادگی دفاعی امروز در چه سطحی است، تصریح کرد: «ما از همان ابتدا برای جنگ محاسبات دقیق داشتیم و مدیریت جنگ را درست پیش گرفتیم.

متناسب با روند جنگ، آرایش جنگی خود را سروسامان دادیم. مثلاً در جنگ ۱۲روزه، مقدار بسیار کمی از توانایی‌هایمان را بروز دادیم و بسیاری از امکاناتمان را در همان ۱۲ روز اول وارد عمل نکردیم. سعی کردیم متناسب با شدت گرفتن جنگ از سوی آمریکا، شدت بیشتری از آن را وارد کنیم. در جنگ ۴۰ روزه متفاوت بود؛ امکانات بیشتری را به صحنه آوردیم و استفاده کردیم. امروز هم کاملاً آماده‌ایم که اگر جنگ دوباره شروع شود، امکانات جدیدی را وارد صحنه کنیم.»

نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به این سؤال که پاسخ ایران در جنگ احتمالی بعدی چگونه خواهد بود، گفت: «نیز اقتصاد آمریکا در منطقه غرب آسیاست. آمریکا امکانات بسیار گران‌قیمتی در منطقه دارد. ما اینها را جزو اهدافمان قرار نداده بودیم، ولی اگر جنگ شود، بسیاری از کابل‌ها و دیپلمات‌ها و مراکز هوش مصنوعی که از نظر ارزش مالی بسیار گران هستند، جزو اهدافمان قرار خواهند گرفت. ارزش این کابل‌ها و دیپلمات‌ها و مراکز هوش مصنوعی بیش از دوهزار میلیارد دلار است.»

سرلشکر رضایی در پاسخ به سؤالی درباره گرافه‌گویی‌های وزیر خارنه‌داری آمریکا گفت: «وزیر خارنه‌داری آمریکا در آمریکا به عنوان وزیر دروغگو

معروف شده است. با اینکه اقتصاد آمریکا در اختیارش بوده و سیاست‌های مالی را در اختیار دارد، مجموعه در اختیار خود را نتوانسته مدیریت کند و اکنون چون با کمبود بودجه برای پرداخت حقوق کارمندان و سربازان آمریکایی مواجه شده، مرتب اوراق قرضه چاپ می‌کند و می‌فروشد تا پول را از بازار جمع کند و حقوق کارمندان را بدهد. بعد حالا آمده می‌خواهد با ملت ایران و سفره‌های ملت ایران مقابله کند.»

وی افزود: «به احتمال قوی یک شورای جنگ اقتصادی نیز در حال بحث و بررسی است و ممکن است تشکیل شود. به ترامپ و وزیر خارنه‌داری نشان می‌دهیم جنگ اقتصادی چیست و آنها در کجای این جنگ قرار دارند.» سرلشکر رضایی در پاسخ به سؤالی درباره آخرین تحولات در حوزه دیپلماسی و مذاکرات، تأکید کرد: «دیپلماسی ما تغییر کرده و دیگر به دیپلماسی گذشته برنمی‌گرددیم. چون سه دور مذاکره داشتیم و در هر مذاکره‌ای آمریکایی‌ها مذاکره را نیمه‌تمام گذاشتند و به ایران حمله کردند. بنابراین ما دیگر به آن الگوهای دیپلماسی گذشته برنمی‌گردیم.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: «آمریکایی‌ها طی دو ماه اخیر از سه کانال یعنی پاکستان، قطر و حتی عراق، به ما پیشنهاد دادند و از ما خواستند پیشنهادهای خودمان را به آنها بدهیم. ما هفت شرط را به آمریکایی‌ها اعلام کردیم که اگر این شروط را عمل نکنید، نه تنگه هرمز به روی شما باز می‌شود و نه مذاکره‌ای

در کار است. آمریکایی‌ها الان پاسخی داده‌اند. در پاسخ آنها، بعضی از شروط ما را پذیرفته‌اند و بعضی ابهامات وجود دارد. بنابراین آمریکایی‌ها به ما پاسخ داده‌اند، ما در حال پاسخ دادن به آمریکایی‌ها نیستیم؛ آمریکایی‌ها به ما پاسخ داده‌اند و ما پاسخ آنها را ناکافی می‌دانیم. قاعدتاً باید ابهامات ما را برطرف کنند. باید ببینیم آیا می‌توانند ابهامات ما را برطرف کنند تا مراحل بعدی شروع شود یا نه.»

وی درباره آخرین وضعیت تنگه هرمز نیز گفت: «تجربه به ما ثابت کرد که اگر مدیریت ایران در تنگه هرمز نباشد، خلیج فارس امنیت ندارد. این حادثه‌ای که الان اتفاق افتاده و تنگه هرمز مدیریت می‌شود، به دلیل جنگ، حضور آمریکایی‌ها و ناامنی است؛ وگرنه تنگه هرمز قبل از جنگ باز بود و مشکلی نداشت. بنابراین ما مدیریت تنگه هرمز را از این به بعد خواهیم داشت و این تنگه در مدیریت ما خواهد بود تا صلح و امنیت در منطقه برقرار باشد. از این مسأله کوتاه نمی‌آییم.»

سرلشکر رضایی در پاسخ به سؤال آخر که سرنوشت جنگ چه خواهد شد، اظهار کرد: «پایان جنگ یک مسأله جدی در تمام نظریات نظامی‌ها و اندیشمندان



نظامی دنیااست. بعضی می‌گویند ما به شروع جنگ‌ها نپردازیم؛ بالاخره جنگ می‌شود، مهم، پایان جنگ است. لذا نظریه جنگ را از بُعد پایان جنگ بررسی می‌کنند.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی اضافه کرد: «آمریکایی‌ها آمده‌اند تمام نظریات پایان جنگ را برای خروج از این جنگ به کار گرفته‌اند و ناموفق بوده‌اند. دلایلش این است که نمی‌دانند آن نیروی قدرتمندی که در ایران هست و می‌تواند جنگ را پایان بدهد، چیست و از کجا سر درمی‌آورد. مثلاً اخیراً ترامپ گفته من نمی‌دانم در ایران باید با کی صحبت کنم. معلوم است؛ باید با ملت ایران صحبت کنید. شما می‌گویید می‌خواهید ملت ایران را محو کنید و تمدن ایران را از بین ببرید. شما مردم ایران را بیشتر علیه خودتان بسیج می‌کنید. شما با بی‌ادبی با مردم ایران صحبت می‌کنید و مردم ایران مصمم‌تر می‌شوند که شما را در باتلاق بیشتر فروبرند. بنابراین پایان جنگ دست ملت ایران است و جز اینکه شما را نسبت به حقوق خودش تسلیم کند، دست از مقاومت و ایستادگی و دفاع برنمی‌دارد. ملت ایران تا گرفتن تمام حقوق خود پای این جنگ ایستاده است و از خودش دفاع می‌کند.»

اخبار

عراقچی: متجاوزان باید پاسخگوی تخریب محیط زیست باشند

وزیر امور خارجه صبح روز یکشنبه در نشست «اگوساید: جنایت جنگی خاموش» که در سازمان حفاظت محیط زیست برگزار شد، اظهار کرد: «در سال‌های اخیر در غزه، لبنان و ایران شاهد بوده‌ایم که چگونه حملات نظامی، علاوه بر تلفات انسانی و تخریب زیرساخت‌های حیاتی، آثار عمیق و گاه ماندگاری بر محیط‌زیست بر جای گذاشته‌اند.» سید عباس عراقچی افزود: «در غزه، ابعاد فاجعه محیط‌زیستی به اندازه‌ای گسترده است که برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، یونپ، از خسارات بی‌سابقه زیست‌محیطی سخن گفته است. فروپاشی شبکه‌های آب و فاضلاب، آسیب به سامانه‌های مدیریت پسماند، آلودگی منابع آب و خاک، آلودگی سواحل و ایجاد حجم عظیمی از آوار و مواد بالقوه خطرناک، میراثی است که آثار آن می‌تواند برای دهها سال بر زندگی مردم فلسطین باقی بماند. در لبنان نیز استفاده از تسلیحات و آتش‌سوزی‌های ناشی از حملات، بخش‌هایی از جنگل‌ها و اراضی کشاورزی را نابود کرده است. گزارش‌ها و اسناد ارائه شده به سازمان ملل از سوختن میلیون‌ها متر مربع زمین و آسیب به ده‌ها هزار درخت زیتون حکایت دارد.»

وزیرامور خارجه گفت: «جامعه بین‌المللی همچنین تجربه تلخ آلودگی گسترده سواحل لبنان در پی حمله به مخازن نفتی را در حافظه دارد. در عین حال کشور عزیزمان ایران نیز از پی‌دیده مصون نمانده است. در جریان تجاوزات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، حمله به تأسیسات نفتی، پایلایشگاهی و انرژی، خطرات جدی زیست‌محیطی ایجاد کرده است.»

عراقچی در پایان تصریح کرد: «ما نباید اجازه دهیم متجاوزان از زیر بار مسئولیت اقدامات جنایتکارانه خود فرار کنند. ما باید با همکاری و مشارکت جمعی آنها را پاسخگو کنیم.»

معاون اقتصادی وزیر خارجه: رایزنی‌ها برای برقراری و تثبیت پروازها ادامه دارد

معاون دیپلماسی اقتصادی وزیرامورخارجه از تشکیل کارگروهی برای رصد و رفع مشکلات صنعت هواپیمایی کشور در پی تحریم‌های اخیر خبر داد و گفت: «رایزنی‌ها برای حفظ پروازهای موجود و رفع موانع پروازهای متوقف‌شده ادامه خواهد داشت.» حمید قنبری، معاون وزیر امور خارجه با اشاره به اینکه بر اثر رایزنی‌های پاک خودرویی می‌شود می‌توانست صادر شود یا به صنایع پایین‌دستی برود، بنابراین هزینه آن را نمی‌توان فقط با هزینه تولید مجتمع پتروشیمی سنجید. بنزینی که کنار گذاشته می‌شود هم ارزش ثابتی ندارد. جلوگیری از واردات، ایجاد امکان صادرات یا صرفاً کاهش فشار بر تراز دولتی، سه وضعیت اقتصادی متفاوت‌اند.

برای مقایسه سربوه‌ای می‌توان از رابطه‌ای در این چارچوب استفاده کرد:

ارزش اقتصادی بنزین خالص کنارگذاشته‌شده در ستاریونی مورد بررسی

+ ارزش امنیت عرقه

+ ارزش احتمالی اکتان در پالایشگاه

- هزینه فرصت متانول

- هزینه اختلاط و توزیع

- هزینه‌سازگراسازی ناوگان

- هزینه کنترل ریسک‌های فنی

- وابستگی

- اثر افزایش مصرف حجمی بر مصرف کننده

بر جزء اول باید مبنای محاسبه روشن باشد. اگر معیار حجم سوخت تحولی باشد، M10 ده درصد بنزین را از ترکیب کنار می‌زند. اگر معیار بنزین مصرف‌شده برای پیمایش معادل باشد، مصرف‌شده برای پیمایش معادل باشد، یک مسافت ثابت نیست. تفاوت میان این دو عدد، بخش مهمی از اقتصاد واقعی استفاده از متانول در بنزین است.

M10 مثال خوبی است. در هر صد M10، نمود لیتر بنزین و ده لیتر متانول وجود دارد. بنابراین برای تحول صد لیتر سوخت، ده لیتر بنزین کمتر لازم است. این محاسبه درست است؛ اما فقط در تراز حجمی. وقتی سوخت وارد موتور می‌شود، انرژی موجود در هر لیتر هم اهمیت پیدا می‌کند. متانول تقریباً نصف بنزین انرژی جهمی دارد. بنابراین ده درصد جایگزینی جهمی بنزین الزاماً به معنای ده درصد کاهش مصرف بنزین برای طی یک مسافت ثابت نیست. تفاوت میان این دو عدد، بخش مهمی از اقتصاد واقعی استفاده از متانول در بنزین است.

وقتی سوخت وارد موتور می‌شود، انرژی موجود در هر لیتر هم اهمیت پیدا می‌کند. متانول تقریباً نصف بنزین انرژی جهمی دارد. بنابراین ده درصد جایگزینی جهمی بنزین الزاماً به معنای ده درصد کاهش مصرف بنزین برای طی یک مسافت ثابت نیست. تفاوت میان این دو عدد، بخش مهمی از اقتصاد واقعی استفاده از متانول در بنزین است.

M10 مثال خوبی است. در هر صد M10، نمود لیتر بنزین و ده لیتر متانول وجود دارد. بنابراین برای تحول صد لیتر سوخت، ده لیتر بنزین کمتر لازم است. این محاسبه درست است؛ اما فقط در تراز حجمی. وقتی سوخت وارد موتور می‌شود، انرژی موجود در هر لیتر هم اهمیت پیدا می‌کند. متانول تقریباً نصف بنزین انرژی جهمی دارد. بنابراین ده درصد جایگزینی جهمی بنزین الزاماً به معنای ده درصد کاهش مصرف بنزین برای طی یک مسافت ثابت نیست. تفاوت میان این دو عدد، بخش مهمی از اقتصاد واقعی استفاده از متانول در بنزین است.

کاهش بنزین در پیمایش معادل *	افزایش مصرف جهمی *	افت انرژی جهمی	جایگزینی جهمی بنزین	سهم متانول سوخت
حدود ۲۲.۵٪	۲۲.۴٪	۲۲.۵٪	۲۵٪	M5
حدود ۵.۲٪	۵.۳٪	۵.۱٪	۱۰٪	M10
حدود ۸.۰٪	۸.۲٪	۷.۶٪	۱۵٪	M15

● با فرض ثابت بودن رانندمان موتور

و زیرساخت اجازه نمی‌دهد درصد‌های مورد استفاده در چین مستقیماً برای کشور ما نسخه‌برداری شود.

الفاظی اخیر در ایران هم از همین جهت اهمیت دارد. شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس استفاده از حدود ۰.۵ درصد جهمی متانول را به صورت مقدماً آزمایش کرده است؛ مقداری که تقریباً یک‌ششم سقف سه‌درصدی استاندارد ملی است. شرکت ملی پالایش و پخش نیز گفته برای قضاوت دقیق درباره اثر سوخت بر خودرو، کفلیت سوخت، عملکرد موتور و سازگاری اجزای سیستم سوخت‌رسانی باید در یک دوره معتبر بررسی شود.

معان «جهاز بودن یک ترکیب در استاندارد و اثبات سازگاری آن با ناوگان در استفاده بلندمدت» فاصله وجود دارد.

مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۶ Fuel منتشر شده، بنزین خالص را با M15 و M20 در یک موتور جرقه‌ای PFI مقایسه کرده است. در مخلوط‌های متانولی، تعداد، جرم و سطح ذرات کاهش یافت و ذرات دوده نیز کوچک‌تر و کمتر تجمع‌یافته بودند. کاهش CO و NO نیز گزارش شد، در حالی که HC اندکی افزایش یافت. این مطالعه گونه‌های کنترل‌نشده را نیز بررسی کرده و برای بسیاری از آنها کاهش گزارش شده است. با این حال، نتیجه یک موتور آزمایشگاهی را نمی‌توان مستقیماً به کل ناوگان تعمیم داد. با موتور، کالیبراسیون، شرایط احتراق و عملکرد سامانه پس‌پالایش در نتیجه نهایی مؤثرند.

هزینه‌ای که راننده می‌پردازد

اگر رانندمان موتور ثابت بماند، محاسبه انرژی M10 نشان می‌دهد برای پیمایش یکسان حدود ۵.۳ درصد حجم بیشتری از سوخت لازم است. اگر هر لیتر M10 با همان قیمت بنزین فروخته شود، هزینه سوخت برای طی مسافت ثابت افزایش پیدا می‌کند و برود خودرو به یک پاک نیز کمتر می‌شود. در همان محاسبه ساده، برای اینکه هزینه انرژی خریداری‌شده تغییر نکند،

(جدول شماره ۱)

کاهش بنزین در پیمایش معادل *	افزایش مصرف جهمی *	افت انرژی جهمی	جایگزینی جهمی بنزین	سهم متانول سوخت
حدود ۲۲.۵٪	۲۲.۴٪	۲۲.۵٪	۲۵٪	M5
حدود ۵.۲٪	۵.۳٪	۵.۱٪	۱۰٪	M10
حدود ۸.۰٪	۸.۲٪	۷.۶٪	۱۵٪	M15

اطلاع رسانی

۱۰درصد متانول، ۱۰درصد صرفه جویی در بنزین نیست



آمارترین و فعال حوزه نفت و انرژی

بحث استفاده از متانول در بنزین در ایران دیگر فقط موضوعی دانشگاهی نیست؛ ما ظرفیت بالایی برای تولید متانول داریم و هم‌زمان، تراز بنزین کشور تحت فشار قرار گرفته است، طبیعی است که در چنین شرایطی، بخشی از متانول تولیدی به‌عنوان یکی از گزینه‌های جایگزینی بنزین مطرح شود.

موضوع در داخل کشور نیز از مرحله بحث فراتر رفته است. طبق اعلام شرکت ملی پالایش و پخش، استاندارد ملی ایران شماره ۲۲۹۲۰ حضور متانول در بنزین را تا سقف ۳ درصد جهمی مجاز می‌داند. شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس نیز استفاده از حدود ۵.۵ درصد جهمی متانول را به‌صورت مقدماتی آزمایش کرده است. اما اگر قرار باشد روزی از این محدوده فراتر برویم، سؤال اصلی این نیست که آیا می‌توان متانول را با بنزین مخلوط کرد یا نه. مسئله این است که این کار واقعاً چه مقدار از مصرف بنزین کم می‌کند و در مقابل، چه هزینه‌ای برای پالایشگاه، خودرو و مصرف‌کننده دارد.

M10 مثال خوبی است. در هر صد M10، نمود لیتر بنزین و ده لیتر متانول وجود دارد. بنابراین برای تحول صد لیتر سوخت، ده لیتر بنزین کمتر لازم است. این محاسبه درست است؛ اما فقط در تراز حجمی. وقتی سوخت وارد موتور می‌شود، انرژی موجود در هر لیتر هم اهمیت پیدا می‌کند. متانول تقریباً نصف بنزین انرژی جهمی دارد. بنابراین ده درصد جایگزینی جهمی بنزین الزاماً به معنای ده درصد کاهش مصرف بنزین برای طی یک مسافت ثابت نیست. تفاوت میان این دو عدد، بخش مهمی از اقتصاد واقعی استفاده از متانول در بنزین است.

۱۰درصد در حجم، حدود ۵درصد تر محاسبه انرژی

ارزش حرارتی پایین متانول حدود ۲۰ مگاژول بر کیلوگرم است. برای بنزین معسولاً محدوده ۴۲ تا ۴۴ مگاژول بر کیلوگرم در نظر گرفته می‌شود.

اگر چگالی متانول را حدود ۰.۷۹ و بنزین نمونه را از حدود ۰.۷۲ - کیلوگرم بر لیتر فرض کنیم، انرژی جهمی متانول نزدیک ۱۵.۸ و بنزین حدود ۳۲ مگاژول بر لیتر خواهد بود.

پس انرژی تقریبی یک لیتر M10 می‌شود: ۰.۹۴ × ۰.۹ × ۱۰۵۳ = ۳۰.۴ مگاژول یعنی هر لیتر M10 تقریباً پنج درصد انرژی کمتری از بنزین پایه دارد. اگر فعلاً فرض کنیم رانندمان موتور تغییر نکند، برای دریافت انرژی معادل یک لیتر بنزین حدود ۱.۵۳ لیتر M10 لازم است. ۹۰ درصد این مقدار بنزین است؛

بنزین برای پیمایش معادل حدود ۵.۲ درصد می‌شود، نه ۱۰ درصد. این عدد البته پیش‌بینی مصرف واقعی ناوگان کشور نیست. یک محاسبه انرژی با فرض ثابت ماندن رانندمان موتور است. اگر موتور بتواند از اکتان بالاتر و انرژی‌های احتراقی متانول استفاده کند و رانندمان افزایش نسبت تراکم بیشتر، زمان بندی متفاوت جرقه‌ها در موتورهای توربو شارپ‌ای مناسب‌تر بویست و فراهم می‌کند.

اگر موتور برای چنین سوختی طراحی یا متناسب با آن کالیبره شده باشد، اکتان بالاتر امکان استفاده از نسبت تراکم بیشتر، زمان بندی متفاوت جرقه‌ها در موتورهای توربو شارپ‌ای مناسب‌تر بویست و فراهم می‌کند. در چنین موتوری ممکن است بخشی از افت انرژی جهمی متانول از طریق افزایش رانندمان جبران شود. اما ناوگان کشور یکدست نیست، خودروهای قدیمی و جدید، موتورهای تنفس طبیعی و توربو، محصولات نمان شغلی و جلوگیری از برداشت یا مصرف غیرمجاز به دستورالعمل مناسب نیاز دارد. این موضوع مانع رسیدن به آن است.

سمیت متانول هم قابل چشم‌پوشی نیست. حمل ذخیره‌سازی، لشت، تماس شغلی و جلوگیری از برداشت یا مصرف غیرمجاز به دستورالعمل مناسب نیاز دارد. این موضوع مانع

استفاده سوختی از متانول نیست، بخشی از الزامات HSE آن است. شرکت ملی پالایش و پخش نیز در توضیحات خود درباره استفاده از متانول تأکید کرده است که وجود متانول به‌تنهایی به این اثبات آسیب به خودرو کافی است و نه برای تأیید کیفیت بنزین، عدد اکتان، فشار بخار، دانه قطعی، آب، پایداری اکسیداسیونی، خوردگی و سایر مشخصات محصول نهایی باید در کنار هم بررسی شوند.

اثر متانول برسد بنزین پالایشگاه

از نگاه پالایشگاه، موضوع فقط اضافه کردن چند لیتر متانول به بنزین نهایی نیست.

ورود متانول رفتار تجربی مخلوط را از سوخت ترم است. ECU و سنسور اکسیژن در خودروهای دارای کنترل حلقه‌بسته می‌توانند تا حدی این تغییر را با اصلاح پاشش جبران کنند، با این حال ظرفیت پمپ، دی‌انژکتور و محدوده FUEL TRIM نامحدود نیست. در استارت سرد هم وضعیت متفاوت است. همان گرمای تبخیر بالایی که در بعضی شرایط کاری یک مزیت محسوب می‌شود، در دمای پایین می‌تواند تبخیر و تشکیل مخلوط مناسب را دشوارتر کند.

مسئله آب و شبکه توزیع

متانول قطنی و آب‌دوست است، در حالی که بنزین عمدتاً ماهیت غیرقطبی دارد. اگر مقدار آب از حد تحمل مخلوط عبور کند، احتمال جاذبش فازی وجود دارد؛ یعنی ممکن است یک فاز غنی از هیدروکربن و فاز دیگری حاوی متانول و آب تشکیل شود. کنترل این موضوع در آزمایشگاه ساده‌تر از شبکه واقعی توزیع است. سوخت از مخازن پالایشگاه، انبار نفت، نفتکش‌های جاده‌ای و مخازن جایگاه عبور می‌کند و کنترل آب در تمام این مسیر اهمیت پیدا می‌کند.

بنابراین استاندارد چنین سوختی نمی‌تواند فقط درصد متانول را تعیین کند. تحمل آب، پایداری فزاری و رفتار مخلوط در دماهای مختلف نیز باید مشخص باشد.

سمیت متانول هم قابل چشم‌پوشی نیست. حمل ذخیره‌سازی، لشت،

تماس شغلی و جلوگیری از برداشت یا مصرف غیرمجاز به دستورالعمل مناسب نیاز دارد. این موضوع مانع



چگونه جنگ اوکراین و تهدیدهای هیبریدی، سیاست امنیتی برلین را دگرگون کرده‌اند

جنگ آلمان و روسیه در منطقه خاکستری؟



یادداشت

بهزاداحمدی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، اول اکتبر در شهر مونستر هشدار داد که کشورش باید خود را برای حملات هیبریدی بیشتر و حتی شدیدتری از سوی روسیه آماده کند. او در همان سخنرانی، تزلزل آلمان را مقدمه تزلزل اروپا و سپس اوکراین دانست و تأکید کرد فشارهای متناسب به مسکو نباید به هیبریدی بیشتر و حتی شدیدتری از او در سفر اعلام‌نشده‌اش به کی‌یف بینجامد. ۴ اکتبر نیز همین مواضع را تکرار کرد با این تفاوت که با اعلام کمک نظامی تازه به اوکراین و تخصیص منابعی برای ترمیم زیرساخت انرژی این کشور، در کنار برنامه توسعۀ همکاری در صنعت دفاعی، این پیام را به مسکو منتقل کرد که فشارهای نظامی و هیبریدی رتبه‌آفر نیست‌اراده برلین را در حمایت از کی‌یف فرسو ده کند، بلکه می‌تواند آلمان را بیشتر به یک پشتیبان صنعتی و امنیتی پایدار برای اوکراین تبدیل نماید. این سخنان بیش از آنکه اعلام ورود دو کشور به جنگی رسمی باشد، توصیف وضعیتی است که در آن مناسبات آلمان

و روسیه دیگر در چارچوب صلح متعارف، رقابت اقتصادی یا اختلاف دیپلماتیک قابل توضیح نیست، اما هنوز به رویارویی مستقیم نظامی نرسیده است. میدان اصلی تقابل دو طرف، منطقه خاکستری میان صلح و جنگ است که فشار امنیتی، اطلاعاتی، سایبری و سیاسی با هدف تحمیل هزینه و تغییر محاسبات طرف مقابل اعمال می‌شود. از این منظر، منطقه خاکستری حاشیه جنگ اوکراین نیست، بلکه یکی از عرصه‌های اصلی سرایت آن به درون اروپا است. حادثه فرودگاه لایپزیک -هاله در اوت ۲۰۲۴ این وضعیت را برای افکار عمومی آلمان از سطح یک بحث انتزاعی به مسأله‌ای ملموس تبدیل کرد. کشف پیهاد مجهز به مواد منفجره در محدوده فرودگاه، بررسی موضوع در نهادها، امنیتی و سپس انتساب سیاسی آن به روسیه از سوی دولت آلمان، نشان داد که برلین تهدید هیبریدی را دیگر صرفاً مجموعه‌ای از حملات پراکنده سایبری یا عملیات نفوذ نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از فشار راهبردی علیه زیرساخت‌ها و اراده سیاسی کشور تلقی می‌کند. هرچند مسکوا این اتهام را رد کرد اما اهمیت حادثه فقط در خسارتی نبود که می‌توانست ایجاد کند، بلکه در تغییر رویکرد که در گفتار و رفتار دولت آلمان پدیدآورد؛ حرکت از هشدار درباره تهدیدی عمومی

به شدت تضعیف کرد و حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ بنیان سیاسی آن را فروریخت. از آن پس، سیاست «تغییر از طریق تجارت» جای خود را به تحریم، کاهش وابستگی انرژی، افزایش هزینه‌های دفاعی و تقویت جناح شرقی ناتو داد که فقط مناسبات برلین و مسکورا دگرگون نکرد، بلکه منطق معماری امنیتی اروپا را از همکاری و مدیریت اختلاف به سوی مهار و بازآزندگی سوق داد. کاهش نقش سازوکارهای کنترل تسلیحات و ناتوانی نهادهایی مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا در جلوگیری از جنگ یا بازسازی اعتماد، این چرخش را تشدید کرده است. در مقابل، ناتو بار دیگر به نهاد مرکزی امنیت اروپا تبدیل و اتحادیه اروپا نیز از نقش عمدتاً اقتصادی و تنظیم‌گر خود فراتر رفته و در حوزه تحریم، صنایع دفاعی، امنیت انرژی و تأمین مالی اوکراین فعال ترشده است. برای آلمان، این تحول به معنای عبور دشوار از هویتی است که قدرت آن را عمدتاً اقتصادی، نهادهای و غیرنظامی در راهبردا اروپا در قبال جنگ اوکراین توجیه کرد. آلمان بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه نیرووتجهیزات ناتو و بازیگری تعیین‌کننده تعریف می‌کرد. برلین اکنون ناگزیراست میان محدودیت‌های تاریخی و اجتماعی خود از یک سو و انتظار شرکای اروپایی برای پذیرش سهم بیشتری از هزینه و مسئولیت دفاعی و ظهور تدریجی به عنوان یک قدرت متعارف نظامی از سوی دیگر، توان نازدهای ایجاد کند. از همین رو، مناقشه با روسیه به آزمونی برای جایگاه آینده آلمان در نظم امنیتی اروپا تبدیل شده است.

پاسخ عملی برلین به روسیه را باید در پیوند میان دو سطح خارجی و داخلی دید. در سطح خارجی، استقرار تیپ دائمی آلمان در لیتوانی، افزایش بودجه دفاعی، توسعه صنایع تسلیحاتی و تداوم پشتیبانی از اوکراین، بازگشت قدرت سخت به سیاست امنیتی این کشور را نشان می‌دهد. در سطح داخلی، اجرای قانون حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، تعیین استانداردهای مشترک برای بخش‌هایی چون انرژی، حمل‌ونقل، آب، ارتباطات و سلامت، ایجاد سازوکارهای هماهنگی میان پلیس، ارتش و نهادهای

اطلاعاتی و توسعه توان کشف و مقابله با پهپادها، مفهوم دفاع از راز حفاظت از مرزها به صیانت از کارکردهای حیاتی دولت و جامعه گسترش داده است. هدف این مجموعه اقدامات، انتخاب پاسخ نظامی مستقیم نیست بلکه هدف آن است که عملیات زیرآستانه‌ای دشوارتر، پرهزینه‌تر و کم‌اثرتر شود و هم‌زمان توان آلمان برای ادامه سیاست خود در قبال اوکراین حفظ گردد. با این حال، فاصله میان اعلام سیاست و ایجاد توان واقعی توسط دولت مرتس همچنان قابل توجه است. این دشواری در فضای سیاسی چندپارۀ آلمان آشکارتر می‌شود. دولت ائتلافی، احزاب اتحاد دموکرات مسیحی و اتحاد سوسیال مسیحی، سبزه‌ها و بخش مهمی از حزب سوسیال دموکرات درباره خطر بلندمدت روسیه و ضرورت حمایت از اوکراین اشتراک نظر دارند، اما درباره دامنه کمک نظامی، نقش تأمین هزینه‌های دفاعی، نقش دیپلماسی و حدود اختیارات نهادهای امنیتی اختلاف دارند. محافظه‌کاران عموماً بر بازآزندگی و آمادگی نظامی تأکید بیشتری می‌گذارند؛ سوسیال دموکرات‌ها حمایت از اوکراین را به ضرورت حفظ مسیرهای دیپلماتیک و کنترل تسلیحات همراه می‌کنند و سبزه معمولاً خواهران حمایت‌گسترده‌تر وسیع‌تر از کی‌یف‌اند. این تفاوت‌ها هنوز درون چارچوب کلی سیاست روسیه قرار می‌گیرند، اما بر سرعت و شکل اجرای آن اثر می‌گذارند. در سوی دیگر، حزب در حال خیزش «آلترناتیو برای آلمان»، مهم‌ترین مخالف سیاست جاری است و کاهش کمک مالی و نظامی به اوکراین، مخالفت با عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و مخالفت با تضمین‌های نظامی را دنبال می‌کند و رفع مرحله‌ای تحریم‌های روسیه را مشوقی برای مذاکره می‌داند. بخش‌هایی از حزب چپ و جریان واگن کشتن نیز، با مبانی انگیزه‌هایی متفاوت، بر هزینه‌های اجتماعی، خطر گسترش جنگ و ضرورت مذاکره تأکید می‌کنند. هم‌پوشانی این نیروها در مخالفت با ارسال سلاح یا تحریم به معنای یکسان بودن آنها یا اثبات

ارتباط سازمانی‌شان با روسیه نیست با این حال، وجود چنین شکافی نشان می‌دهد سیاست روسیه و اوکراین به یکی از خطوط اصلی رقابت حزبی و انتخاباتی آلمان تبدیل شده است. در جمع‌بندی می‌توان گفت تقابل آلمان و روسیه در منطقه خاکستری، نشانه ورود اروپا به نظامی است که در آن صلح و جنگ دیگر دو وضعیت کاملاً جدا از یکدیگر نیستند. آلمان در برابر انتخابی ساده میان گفت‌وگو و بازآزندگی قرار ندارد. مسأله اصلی آن است که چگونه بدون افتادن در چرخه تشدید کنترل ناپذیر، هزینه عملیات زیرآستانه‌ای (اقدامی که از حد آغاز یک جنگ آشکار عبور نمی‌کند، اما می‌تواند به کشور مقابل آسیب بزند یا امنیت آن را مختل کند) را افزایش دهد، حمایت از اوکراین و امنیت متحدان شرقی را تداوم بخشد و در داخل نیز مشروعیت دموکراتیک سیاست خود را حفظ نماید. با این همه، پیامد این روند به مدیریت تهدیدهای هیبریدی محدود نخواهد ماند. اگر برلین نتواند فاصله میان اعلام سیاست و ایجاد توان واقعی را کاهش دهد، افزایش هزینه‌های دفاعی، احیای صنایع تسلیحاتی، استقرار پایدار در لیتوانی و پیوند روزافزون حمایت از اوکراین با توان صنعتی و دفاعی آلمان، این کشور را به یکی از ستون‌های اصلی قدرت نظامی متعارف در اروپا تبدیل خواهد کرد و سهم بیشتری از بار عملیاتی بازآزندگی در اروپای مرکزی و شرقی را نیز بر عهده آن خواهد گذاشت. این تحول برای روسیه تکران‌کننده است، زیرا آزادی عمل راهبردی آن را در پیرامون خود محدودتر می‌کند و موازنه قدرت اروپا را، در کنار نقش فرانسه، لهستان، بریتانیا و آمریکا، به زیان مسکو تغییر می‌دهد. از این منظر، می‌توان انتظار داشت که فشارهای اطلاعاتی، سایبری، خرابکارانه و سیاسی علیه آلمان ادامه یابد با شدت گیرد. البته باید در نظر داشت که خود روسیه، با جنگ علیه اوکراین یا آنچه خود عملیات ویژه نظامی می‌نامد، مهم‌ترین عامل شتاب گرفتن همین دگرگونی در سیاست امنیتی آلمان بوده است.

A History of the Modern Middle East



اصول کمالیسم در ترکیه

پوپولیسم در دوران آتاترک در قالب تأسیس «خانه‌های مردم» در سراسر کشور تجلی یافت. این مراکز ترکیبی از آموزشگاه‌های بزرگسالان، باشگاه‌های ورزشی و واحدهای تبلیغ سیاسی بودند و نمادی از تلاش دولت برای رساندن انقلاب به نوده‌های مردم محسوب می‌شدند. خانه‌های مردم، علاوه بر ارائه امکانات تفریحی، محافلی برای توضیح قوانین جدید توسط نمایندگان دولت و ترویج همبستگی ملی فراهم می‌کردند. این مراکز کارکرد سیاسی نیز داشتند؛ انداخته‌های مردم برعهده حزب جمهوری خواه خلق به رهبری آتاترک بود و هدف آن جلب حمایت مردم از رئیس‌جمهوری و برنامه‌های اصلاح‌طلبانه‌اش بود. هرچند در این سازماندهی نوعی کنترل کامل دولتی نهفته بود، خانه‌های مردم نقشی کلیدی در نهادهایسازی اصل مشارکت مردمی در حکومت ایفا کردند. پوپولیسم و ملی‌گرایی در برنامه‌های گسترده برای توسعه آموزش با یکدیگر ترکیب شدند. آتاترک عمیقاً بر این باور بود که باید نسلی از ترک‌های آموزش دیده و وفادار را به اصلاح‌ناش پرورش یابد تا پس از او بتوانند این اصلاحات را به درستی اجرا کنند. از آنجا که حاکمیت اکنون در دست مردم قرار داشت، تربیت یک جامعه باسواد و آگاه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود. هرچند مبارزه با بی‌سوادی به ویژه در مناطق روستایی، دشوار و زمانبر بود، آتاترک از سنت نخه‌گرایانه آموزشی دوران عثمانی فاصله گرفت و اصل آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را بنیان نهاد. بین سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۰، شمار مدارس در کشور دو برابر شد، تعداد معلمان ۱۳۳ درصد افزایش یافت و تعداد دانش‌آموزان نزدیک به ۳۰۰ درصد رشد کرد. مجموعه اصلاحات قانونی آتاترک، وضعیت زنان را نیز دگرگون ساخت. جهت‌گیری اصلاح‌طلبانه دولت فضایی ایجاد کرد که به سوی برابری بیشتر میان زن و مرد گرایش داشت. پیشرفت‌هایی مهم در عرصه آموزش همگانی حاصل شد؛ اصلاحاتی که به زنان امکان می‌داد مهارت‌های لازم برای ورود به حیات عمومی را کسب کنند. تا سال ۱۹۳۳، ترکیه دارای ۱۳ قاضی زن بود. در سال ۱۹۳۴، به زنان حق رأی دادن و نامزدی در انتخابات مجلس ملی اعطا شد و در انتخابات سال ۱۹۳۵، ۱۷ نماینده زن به مجلس راه یافتند. آخرین اصل کمالیسم، دولت‌گرایی، در دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت. در سال‌های آغازین انقلاب آتاترک، سیاست اقتصادی در اولویت قرار نداشت؛ اما با بروز رکود بزرگ جهانی در همان دهه، زنامه‌ریزان ترک به این نتیجه رسیدند که کشور باید وابستگی خود به واردات را کاهش دهد و این هدف تنها با ایجاد یک صنعت داخلی قابل تحقق بود. از آنجا که سرمایه خصوصی داخلی برای چنین تحولی کافی نبود، دولت تصمیم گرفت مستقیماً در اقتصاد مداخله کند و منابع مالی خود را به اجرای پروژه‌های بزرگ اختصاص دهد. دولت‌گرایی، که غالباً به عنوان «سرمایه‌داری دولتی» تعریف می‌شود، در سال ۱۹۳۳ با اعلام نخستین برنامه پنج‌ساله آغاز شد.

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

شرکت سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه (سهامی خاص)

شماره ۱۴۰۵/۰۱

مجموعه بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به فروش ۱۰۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه (سهامی خاص) به تعداد ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم به ارزش ۲,۴۵۷,۳۲۷,۸۹۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ یا در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) (اشخاص حقیقی) و کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند(شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به شرح جدول ذیل به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه
سرمایه ثبت شده	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۲,۴۵۷,۳۲۷,۸۹۳,۰۰۰,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۲۴,۵۷۳,۲۷۸,۹۳۰,۰۰۰
شرایط واگذاری ^(۱)	تماماً نقد و یکجا

^(۱) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری با خریدارانی است که قیمتی بالاتر را برای کل بلوک سهام قابل واگذاری پیشنهاد نمایند.

- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱ درصد ارزش کل سهام قابل واگذاری می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد و اریزی به حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشندۀ چیت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.
- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۵** به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیاب غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.
- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت ثمن معامله اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.
- پاکت‌های مزایده در **ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹** در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان وک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاددهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.
- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وقف بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل ثمن معامله توسط برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.
- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

دعوت به شرکت در مناقسه
تامین، حمل، ترخیص و گارانتی دودستگاه بلوک
سیلندر و میل لنگ ژنراتور TBG620 V16K
تجدید مناقسه نوبت دوم

شرکت نفت پارس در نظر دارد تامین، حمل، ترخیص و گارانتی دودستگاه بلوک سیلندر و میل لنگ ژنراتور خود را از طریق مناقسه عمومی به پیمانکار خارج شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ نسبت به دریافت، تکمیل اسناد مناقسه و تحویل پاکت‌های مربوطه به دبیرخانه این شرکت به نشانی کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص تهران-کرج، به‌آلیشگاه نفت پارس اقدام نمایند.
دریافت اسناد مناقسه از طریق وب‌سایت شرکت نفت پارس به آدرس: <http://www.parsoil.co/fa/tender.html> امکان‌پذیر می‌باشد.
• واگذاری، مشروط به حصول شرایط قانونی و برهمینای مفاد اسناد انجام خواهد شد.
• پیشنهادهای فاقد امضاء/ مهر، مشروط / مهیم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقسه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقسه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
• این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقسه می‌باشد و بدیهی است شرکت نفت پارس در رد یا قبول هر یک یا کلیه پیشنهاده‌ها مختار است.

آگهی مزایده عمومی فروش یک واحد ویلایی دوبلکس (در مرحله پایان اسکلت) در شهرستان رودهن، شهرک انا
موضوع مزایده: فروش یک واحد ویلایی دوبلکس (در مرحله پایان اسکلت) در شهرستان رودهن، شهرک انا، به شرح ذیل:

متراژ عرصه (مترمربع)	متراژ اعیان (مترمربع)	کاربری	اسکلتات و مشخصات فنی	آدرس
۶۰۰,۳۶	۴۰,۸۵	مسکونی	دارای سه طبقه با اسکلت از نوع بتنی، سقف تیرچه و بولولیت، دیوار حالت بتنی پیرامونی و سلف شیبدار	پلاک ثبتی ۱۸ اصلی قطعه ۱۰ واقع در نشانی رودهن، کرجنود، ضلع شرقی شهرک انا

تا ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹

• بازگشایی پاکت: در ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ در اتاق جلسات مدیریت شرکت تجعیز محبض برگزار می‌گردد.

• پیشنهاد قیمت حتماً باید در پاکت در بسته (مهر و امضا شده) تحویل دبیرخانه محرمناه حراست شود (به آدرس فوق‌الذکر) و رسید دریافت گردد.

• قیمت پایه کل ملک (مزایده) برابر با ۶۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. (به حروف دوست و هشتاد میلیارد ریال) برابر شرایط پرداخت مندرج در اسناد مزایده

• میزان سپرده ضمانت شرکت در مزایده مبلغ ۱۴ میلیارد ریال (سیزده میلیارد ریال) طی یک قهره چک تضمین شده بانکی یا ضمانت‌نامه بانکی می‌باشد.

• به پیشنهادهایی فاقد امضاء، مخدوش، مشروط و پیشنهاداتی که پس از انقضاء مدت مقرر ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

• سایر شرایط و توضیحات تکمیلی در اسناد و شرایط مزایده درج گردیده است.

• شرکت تجعیز محیط در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.

آگهی مزایده عمومی فروش یک واحد ویلا در پروژه لرسانور (شهرستان رامسر)
موضوع مزایده: پیش فروش یک واحد ویلایی تریبلکس در حال ساخت (با پیشرفت فیزیکی فعلی ۵۰ درصد) واقع در شهرک ویلایی پروژه لرسانور (شهرستان رامسر) به‌شرح ذیل:

متراژ عرصه (مترمربع)	متراژ اعیان (مترمربع)	کاربری	اسکلتات و مشخصات فنی	آدرس
۳۳۱,۰۵	۳۸,۵	مسکونی	دارای استخر، گچیزی، سقف گارتن پارکینگ، پنجره ترمال بریک و کترین وال، دربهای فریم آل، سیستم هوشمند سازه	استان مازندران، رامسر، کتالام، ابتدای روستای لرسانور، پروژه لرسانور - قطعه شماره ۵

تا ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹

• بازگشایی پاکت: در ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ در اتاق جلسات مدیریت شرکت تجعیز محبض برگزار می‌گردد.

• پیشنهاد قیمت حتماً باید در پاکت در بسته (مهر و امضا شده) تحویل دبیرخانه محرمناه حراست شود (به آدرس فوق‌الذکر) و رسید دریافت گردد.

• قیمت پایه کل ملک (مزایده) برابر با ۶۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد. (به حروف ششصد و نود میلیارد ریال) برابر شرایط پرداخت مندرج در اسناد مزایده

• میزان سپرده ضمانت شرکت در مزایده مبلغ ۳۵ میلیارد ریال (سی و پنج میلیارد ریال) طی یک قهره چک تضمین شده بانکی یا ضمانت‌نامه بانکی می‌باشد.

• به پیشنهادهایی فاقد امضاء، مخدوش، مشروط و پیشنهاداتی که پس از انقضاء مدت مقرر ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

• سایر شرایط و توضیحات تکمیلی در اسناد و شرایط مزایده درج گردیده است.

• شرکت تجعیز محیط در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.

آگهی استخدام

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی منطقه ویژه اقتصادی سهران

مورد نیاز خود در نظر دارد از بین افراد دارای صلاحیت و با شرایط ذیل از طریق پیمانکار تامین نیرو جذب نماید. لذا از واجدین شرایط دعوت می گردد حداکثر تا پایان روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ به مراجعه حضوری به آدرس کیلومتر ۱۵ جاده تبریز به مرند، روبروی پایانه بار، واحد اداری منطقه ویژه اقتصادی سهران نسبت به تکمیل فرم های مربوطه و ارائه مدارک خود اقدام نمایند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۳۲۴۶۳۴۰۴ تماس حاصل نمایید.

ردیف	عنوان شغلی	مدارک تحصیلی	مدارک مرتبط مورد نیاز	تعداد نفر
۱	راننده جرثقیل ۵۵ تن	حداقل دیپلم	دارای گواهینامه پایه یکم و ویژه جرثقیل و حداقل ۵ سال سابقه کار	۱



معاون وزیر راه و شهرسازی تشریح کرد

محدودیت بارگذاری جمعیتی در تهران

افزایش تقاضای ساخت و ساز، هدایت توسعه در استان های شمالی را ضروری کرده است

گزارش

جلوگیری از افزایش بارگذاری جمعیتی و فعالیتی تهران و هدایت تقاضای ساخت‌وساز در استان‌های شمالی، دو محور سیاست‌هایی است که معاون وزیر راه و شهرسازی تشریح کرده است. غلامرضا کاظمیان می‌گوید توسعه باید با ظرفیت زیرساخت‌ها و شبکه حمل‌ونقل عمومی هماهنگ باشد؛ رویکردی که در بررسی طرح‌های تهران، کنترل الحاق اراضی روستایی و تدوین ضوابط ساخت‌وساز در شمال دنبال می‌شود. بخشی از این سیاست‌ها ابلاغ شده و بخشی دیگر همچنان در مرحله بررسی و تدوین قرار دارد. غلامرضا کاظمیان، معاون وزیر راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری، با تبیین این سیاست‌ها به «ایران» گفت: «تمرکز بیش از حد بر چند شهر و افزایش حساسیت و توجه نسبت به آنها، گاهی موجب شده است شهرهای دیگری که مشکلات آنها کمتر نیست و حتی ممکن است مسائل بیشتری داشته باشند، کمتر مورد توجه قرار گیرند. اکنون سیاست‌های شهرسازی، علاوه بر تلاش برای حل مشکلات کلانشهرها، به‌ویژه تهران، مسائل مناطق مختلف کشور را نیز مورد نظر قرار داده است.»

جلوگیری از افزایش بارگذاری جمعیتی و فعالیتی تهران

جلوگیری از افزایش بارگذاری جمعیتی و فعالیتی تهران از سیاست‌هایی است که دولت با توجه به ناترازی‌های انرژی برآن تأکید دارد. دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری با اشاره به این تأکید دولت گفت: «جلوگیری از جمعیت‌پذیری و بارگذاری فعالیتی تهران به این معنا نیست که تهران نباید توسعه پیدا کند یا گسترش یابد. مسأله این است که بخشی از مشاغل و فعالیت‌هایی که اساساً جای آنها در تهران نیست و بهره‌وری زمین و اقتصادی آنها در این شهر بسیار پایین است، باید جابه‌جا شوند و در مقابل، فعالیت‌هایی در تهران مستقر شوند که بتوانند

این شهر را به یک کلانشهر واقعی تبدیل کنند.» وی افزود: «تهران از نظر تعداد جمعیت، در مقایسه با بسیاری از شهرهای بزرگ جهان وضعیت قابل توجهی دارد، اما آنچه موجب می‌شود یک کلانشهر جایگاه واقعی خود را پیدا کند، صرفاً جمعیت نیست؛ بلکه وجود فعالیت‌های برتر کلانشهری، اقتصاد شهری و خدمات پشتیبان تولید است.» کاظمیان ادامه داد: «یکی از دلایلی که تهران تا این اندازه به ساخت‌وساز وابسته شده، نبود یا ضعف برخی فعالیت‌های اقتصادی برتر است. باید مشخص شود فضا و زیرساخت لازم برای استقرار فعالیت‌های برتر کلانشهری و خدمات پشتیبان تولید در کجا پیش‌بینی شود.» بر این اساس، موضوع مورد تأکید در توسعه تهران، تنها میزان ساخت‌وساز نیست؛ نوع فعالیت‌های مستقر در شهر و تناسب آنها با ظرفیت زمین و زیرساخت‌ها نیز اهمیت دارد. تقویت فعالیت‌های اقتصادی پرپایزه باید در چارچوب سیاست کنترل بارگذاری و ظرفیت‌پذیری مناطق مختلف بررسی شود.

توسعه تهران مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی
یکی از راهبردهای مطرح‌شده برای آینده تهران، توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی است؛ رویکردی که طرح‌های توسعه پایتخت باید با آن سازگار باشند. طرح مربوط به این موضوع از سوی شهرداری تهران ارائه شده و در کمیته‌های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری در دست بررسی است.

در این رویکرد، استقرار و توسعه فعالیت‌ها باید در مناطقی اتفاق بیفتد که ظرفیت و امکانات لازم برای پذیرش آنها را دارند. کاظمیان با اشاره به ضرورت انطباق طرح‌های توسعه‌ای با سازمان فضایی شهر گفت: «هر طرحی باید معیارهای تعیین‌شده را رعایت کند و اگر این معیارها رعایت نشوند، تا زمانی که اصلاحات لازم انجام نشود، طرح تصویب نخواهد شد.»

وی با اشاره به ظرفیت‌های مرکز تهران افزود: «مرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تهران باید تقویت شود. هدف از توسعه چنین مناطقی صرفاً ساخت‌وساز نیست، بلکه باید

امکان شکل‌گیری فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم شود؛ به گونه‌ای که مردم از نقاط مختلف شهر بتوانند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند.» دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری درباره نگرانی‌ها از ظرفیت برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی شهر گفت: «این نگرانی وجود دارد که یک تصمیم درست گرفته شود، اما در مرحله اجرا به شکل نادرست اجرا شود. با این حال، صرف تریس از اجرای نادرست نباید مانع تصویب یک تصمیم درست شود.» کاظمیان درباره ضرورت کنترل تراز جمعیتی تهران نیز گفت: «نمی‌توان صرفاً با انتقال ساختمان و بارگذاری از یک نقطه به نقطه دیگر، مسأله را حل کرد. سازمان فضایی تهران باید مشخص کند که هر منطقه چه میزان جمعیت و فعالیت را می‌تواند بپذیرد.» وی همچنین بر ضرورت انطباق بارگذاری‌ها با شبکه حمل‌ونقل عمومی تأکید کرد و گفت: «برخی موضوعات در حالی مورد توجه قرار می‌گیرند که پشتوانه لازم را در نظام حکمرانی، بخش خصوصی یا افکار عمومی ندارند و همین مسأله می‌تواند اجرای آنها را دشوار کند.»

توسعه روستاها و کنترل الحاق اراضی

به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی، سیاست‌های مربوط به ساماندهی منظومه‌های روستایی و چارچوب الحاق اراضی به روستاها، با هدف جلوگیری از گسترش بی‌ضابطه ساخت‌وساز، تدوین و ابلاغ شده است. بر اساس این ضوابط، نمی‌توان بدون توجه به جمعیت، زیرساخت‌ها و توان نظارتی، مساحت یک روستا را چندبرابر کرد و میزان توسعه باید با ظرفیت منطقه متناسب باشد. کاظمیان با اشاره به این موضوع گفت: «برای نمونه، در استان گیلان ضوابطی برای میزان مشخص باید در مراجع مربوطه تصویب شود. این سیاست‌ها اگرچه فرآیند تصمیم‌گیری را دشوارتر می‌کنند، اما موجب می‌شوند تبعات بعدی تصمیمات کاهش یابد. نمی‌توان به روستایی که جمعیت و ظرفیت زیرساختی محدودی دارد، بدون توجه به پیامدهای آن، ده‌ها هکتار زمین الحاق کرد.» الحاق اراضی،



جلوگیری از جمعیت‌پذیری و بارگذاری فعالیتی تهران
به این معنا نیست که تهران نباید توسعه پیدا کند یا گسترش یابد. مسأله این است که بخشی از مشاغل و فعالیت‌هایی که اساساً جای آنها در تهران نیست و بهره‌وری زمین و اقتصادی آنها کمتر نیست و حتی ممکن است مسائل بیشتری داشته باشند، کمتر مورد توجه قرار گیرند.

توسعه تهران مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی
یکی از راهبردهای مطرح‌شده برای آینده تهران، توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی است؛ رویکردی که طرح‌های توسعه پایتخت باید با آن سازگار باشند. طرح مربوط به این موضوع از سوی شهرداری تهران ارائه شده و در کمیته‌های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری در دست بررسی است.

در این رویکرد، مساحت یک روستا را چندبرابر کرد و میزان توسعه باید با ظرفیت منطقه متناسب باشد. کاظمیان با اشاره به این موضوع گفت: «برای نمونه، در استان گیلان ضوابطی برای میزان مشخص باید در مراجع مربوطه تصویب شود. این سیاست‌ها اگرچه فرآیند تصمیم‌گیری را دشوارتر می‌کنند، اما موجب می‌شوند تبعات بعدی تصمیمات کاهش یابد. نمی‌توان به روستایی که جمعیت و ظرفیت زیرساختی محدودی دارد، ده‌ها هکتار زمین الحاق کرد.» الحاق اراضی،

علاوه بر گسترش محدوده روستا می‌تواند بر ارزش زمین و نیاز به تأمین خدمات عمومی اثر بگذارد. از این‌رو، توجه به ظرفیت زیرساختی و امکان نظارت بر ساخت‌وساز، بخشی از ارزیابی پیامدهای توسعه روستاهاست.

ساماندهی ساخت‌وساز در استان‌های شمالی

افزایش تقاضا برای زمین و ساخت‌وساز در استان‌های شمالی، هدایت توسعه در این مناطق را ضروری کرده است؛ به‌ویژه آنکه ساخت‌وساز پراکنده و تغییر کاربری اراضی کشاورزی می‌تواند فشار بر زیرساخت‌ها و عرصه‌های طبیعی را افزایش دهد. کاظمیان درباره وضعیت ساخت‌وساز در استان‌های شمالی کشور گفت: «در این مناطق تقاضای شدیدی برای ساخت‌وساز وجود دارد و نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت. مسأله اصلی، هدایت این تقاضاست تا به ساخت‌وساز پراکنده در مناطق جنگلی و طبیعی منجر نشود.» وی افزود: «یکی از راهکارها، به‌ویژه برای گردشگری و خانه‌های دوم، تعیین محدوده‌های مشخص برای ساخت‌وساز و بلندمرتبه‌سازی است؛ به این معنا که برای مردم و سازندگان به‌صورت شفاف مشخص شود در چه محدوده‌هایی و تحت چه شرایطی امکان ساخت‌وساز وجود دارد.» به گفته کاظمیان، این کاظمیان توضیح داد: «جبران خسارت می‌تواند از طریق مشوق‌های کالبدی انجام شود؛ یا در همان پلاک مشوق‌هایی در نظر گرفته شود، یا



در استان‌های شمالی نیز بر همین مبنا در حال تدوین است. به جای آنکه کل استان روی ساخت‌وساز باز یا بسته شود، باید مناطق مناسب شناسایی و ضوابط دقیق ساخت‌وساز، مساحت، همجواری‌ها، ترافیک، زیرساخت و سایر الزامات تعیین شود. بنابراین، تعیین محدوده برای بلندمرتبه‌سازی در این اظهارات، راهکاری برای هدایت تقاضا در چارچوب سیاست در حال تدوین است و به معنای صدور مجوز عمومی برای ساخت‌وساز در استان‌های شمالی نیست. محدوده‌های مجاز و شرایط ساخت باید در ضوابط نهایی مشخص شود.

بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده از جنگ
بازسازی و تعمیر واحدهای مسکونی آسیب‌دیده از جنگ از دیگر موضوعات مورد بررسی در حوزه شهرسازی است. معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به برنامه بازسازی این ساختمان‌ها گفت: «با توجه به تجربیات و دغدغه‌هایی که از شهرهای مختلف، از جمله تهران، مطرح شده، بررسی‌های مفصلی انجام و مشوق‌هایی برای بازسازی در نظر گرفته شده است.» وی افزود: «این مشوق‌ها شامل همه ساختمان‌ها نمی‌شود و ساختمان‌های مسکونی را دربرمی‌گیرد که در جریان جنگ به‌طور کامل تخریب شده‌اند یا آسیب‌سازهای جدی دیده و نیازمند مداخله اساسی هستند.» کاظمیان توضیح داد: «جبران خسارت می‌تواند از طریق مشوق‌های کالبدی انجام شود؛ یا در همان پلاک مشوق‌هایی در نظر گرفته شود، یا

اگر پلاک ظرفیت لازم را نداشته باشد، با تعیین رابطه دقیق میان مبدأ و مقصد، امکان استفاده از ظرفیت ساخت‌وساز در محل دیگری فراهم شود. در این سازوکار، ظرفیت ساخت می‌تواند ابزاری برای کمک به تأمین هزینه بازسازی باشد. میزان اثرگذاری آن نیز به ارزش اقتصادی ظرفیت پیش‌بینی شده و امکان استفاده از آن در پلاک آسیب‌دیده یا محل دیگر بستگی دارد.» کاظمیان با اشاره به مسائل انتقال ظرفیت ساخت در تهران افزود: «همچنین می‌توان از ظرفیت‌های دولتی و شهرداری برای ارزش‌افزایی و جبران خسارت استفاده کرد.»

وی تأکید کرد: «چارچوب کلی این ضوابط مشخص شده، اما جزئیات فنی هنوز در مرحله بررسی است و ممکن است در فرآیند تصویب اصلاحاتی در آن انجام شود.» کاظمیان افزود: «برای شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر و شهرهای با جمعیت کمتر از این میزان، چارچوب‌های مشخصی در نظر گرفته شده و ضوابط مربوط به مشوق‌های ساخت‌وساز متناسب با شرایط هر شهر تعیین می‌شود. مشوق‌های مورد نظر، چارچوب کلی هستند و کمیسیون ماده ۵ هر استان باید برنامه مشخص و اختصاصی متناسب با شرایط همان شهر را تهیه و بررسی کند.»

حرکت به سمت شفافیت

معاون وزیر راه و شهرسازی از طراحی و استقرار سامانه‌های جدید شهرسازی خبر داد و گفت: «سامانه‌هایی برای کارگروه‌های زیربنایی استان‌ها و کمیسیون‌های ماده ۵ در سراسر کشور طراحی شده است تا تصمیمات اتخاذشده در این مراجع به‌صورت سامانه‌ای ثبت و روی نقشه قابل مشاهده باشد.» وی افزود: «هدف این است که تصمیمات شهرسازی قابلیت کنترل بیشتری پیدا کنند و فرآیندها تا حد امکان شفاف و قابل نظارت باشند.» کاظمیان گفت: «تلاش شده طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها و همچنین طرح‌های هادی در این سامانه‌ها گره‌افزای شود تا مردم بتوانند با مراجعه به سامانه، وضعیت زمین و تصمیمات شهرسازی مربوط به آن را مشاهده کنند. دسترسی به این اطلاعات می‌تواند بررسی وضعیت زمین پیش از خرید یا ساخت‌وساز را تسهیل کند و ابهام درباره محدوده، کاربری و تصمیمات مرتبط با هر پلاک را کاهش دهد. تحقق این هدف، به تکمیل اطلاعات و فراهم شدن دسترسی عمومی به سامانه‌ها وابسته است.» وی اضافه کرد: «سامانه مربوط به محدوده‌های برون‌شهری و درون‌شهری نیز در یک استان به‌صورت پایلوت در حال اجراست و قرار است تا پایان سال اجرایی شود.»

STPC

اگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) مناقصه شماره ۱۴۰۵/۱۱۳

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) به فروشنده واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: خرید 360MT HBR

۲-مدت اجرای موضوع مناقصه: ۶ ماه

۳-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴,۴۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.

۴-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵-مهلت توزیع اسناد مناقصه تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶

• مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس <https://tender.stpc.ir> مراجعه نمایند.

۶- ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۶-۱) پروانه بهره‌برداری

۶-۲) کارت بازرگانی

۶-۳) گواهی‌نامه‌های استاندارد ایزو IMS

۷- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت ۴، مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان،

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

STPC

اگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره ۱۴۰۵/۱۱۲

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان به آدرس بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت اداری پشتیبانی، امورحقوقی و پیمان‌ها، تلفن ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۸۲ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: اجرای عملیات پیونینگ و کانال اطراف مخازن TK-9001 و TK-9004 واحد PET1

۲-مدت اجرای موضوع مناقصه: ۴ ماه

۳-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۵,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.

۴- تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی، واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵-مهلت توزیع اسناد مناقصه: از مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

۶- ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۱-۶) ارائه اگهی تأسیس شرکت یا اگهی تغییرات جهت کنترل موضوع شرکت با موضوع مناقصه

۲-۶) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری

۳-۶) گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از سوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی (به استناد دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری، اخذ تأییدیه اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

STPC

اگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) مناقصه شماره ۱۴۰۵/۱۱۱

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) به فروشنده واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: خرید 10MT Cobalt Acetate

۲-مدت اجرای موضوع مناقصه: ۴ ماه

۳-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۱,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.

۴-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵-مهلت توزیع اسناد مناقصه تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

• مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس <https://tender.stpc.ir> مراجعه نمایند.

۶- ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۶-۱) پروانه بهره برداری

۶-۲) کارت بازرگانی

۶-۳) گواهی‌نامه‌های استاندارد ایزو IMS

۷- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت ۴، مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان،

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

STPC

اگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) مناقصه شماره ۱۴۰۵/۱۱۰

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) به فروشنده واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: خرید 10MT Cobalt Acetate

۲-مدت اجرای موضوع مناقصه: ۴ ماه

۳-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۱,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.

۴-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۴-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵-مهلت توزیع اسناد مناقصه تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

• مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس <https://tender.stpc.ir> مراجعه نمایند.

۶- ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۶-۱) پروانه بهره برداری

۶-۲) کارت بازرگانی

۶-۳) گواهی‌نامه‌های استاندارد ایزو IMS

۷- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت ۴، مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان،

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

جعبه شیرینی راز مهمان جنایتکار را فاش کرد

براساس خاطره‌ای از سپیدنامه، قاضی سابق دادسرای امور جنایی تهران

گروه حوادث: مرصیه همایونی/ چندسال قبل در دوران خدمت در دادسرای جنایی تهران پرونده‌ای به من ارجاع شد که هنوز هم وقتی به روند کشف این پرونده فکرمی‌کنم حل این معمای جنایی برایم شگفت‌انگیز است. یک روز پرونده ناپدید شدن یک خانواده ۳ نفره شامل پدر، مادر و پسر ۱۱ ساله به من سپرده شد. بستگان‌شان از غیبت چند روزه آنها نگران شده و برای یافتن آنها به کلانتری و دادسرا مراجعه کرده بودند. گزارش اولیه پرونده، موضوع خاصی را نشان نمی‌داد و سرزنی در دست نبود. فردای آن روز وقتی از محل کار به خانه برمی‌گشتم مشغول راندگی بودم که انگار ناخودآگاه سراز خیابانی درآوردم که خانه همان زوج در آنجا بود. با اینکه خانواده آنها شکایت آدم‌ربایی را مطرح کرده بودند اما هیچ مدرکی دال بر آدم‌ربایی نبود. نه تماسی از طرف اشخاص آدم‌ربا برای درخواست پول مطرح شده بود و نه خانواده آنها وضع مالی خوبی داشتند. حدسم می‌گفت آدم‌ربایی در کار نیست.

با خودم گفتم بهتر است حالا که اینجا هستم سری به خانه آنها بزنم، موضوع را به رئیس کلانتری منطقه گفتم و باهم به خانه مرد گمشده به نام هرمز رسیدیم. یادم می‌آید اولین نفری که وارد خانه شد، من بودم. چیزی که در همان دقایق اول نظر مرا به خود جلب کرد، کش‌های اعضای خانواده پشت در بود. با این حساب احتمال دادم هرچه هست داخل خانه باشد. وارد که شدم سمت چپ اتاق خواب بود و کنار اتاق خواب راهرویی که رو به حیاط قرار داشت. آن سمت راهرو هم یک اتاق خواب دیگر بود. در خانه اثری از غیرعادی بودن به چشم نمی‌خورد که بشود از آن به سرزنی رسید. همه جا مرتب و تمیز بود.

در راه‌آه باز کردم، ناگهان بوی نامطوبی به مشام خورده. فکرم دیگر به سمت پو رفته بود که ناخودآگاه به سمت کمد دیواری رفتم در را که باز کردم فقط لباس بود. شروع کردم به کنار زدن لباس‌ها اما در همین موقع یکدفعه از بین لباس‌ها دست یک انسان بیرون افتاد. وحشت زده عقب رفتم. کمی به خودم مسلط شدم و دوباره شروع به واریس کردم. این بار پای یک مرد دیدم که دچار فساد نعشی شده بود، بدین ترتیب علت بوی نامطوبع مشخص شد. مأموران کلانتری جسد مرد جوان را از داخل کمد دیواری بیرون آورده و با توجه به عکسی که از هرمز دیده بودم، فهمیدم جسد متعلق به اوست. حالا باید زن و بچه‌اش را پیدا می‌کردیم. با جست و جوی اتاق‌ها در لابه‌لای رختخواب‌ها، جسد مادر و پسر ۱۱ ساله‌اش هم که خیلی ماهرانه داخل پتو پیچیده شده بود، کشف شد.

سرزنی که دختر همسایه داد

راز ناپدید شدن هرمز و خانواده‌اش دیگر بر ملا شده بود اما معمایی که پیش روی ما قرار داشت این بود که چه کسی این قتل عام خانوادگی را رقم زده است. همان‌طور که از پنجره به خیابان نگاه می‌کردم، متوجه جمعیتی شدم که با شنیدن خبر کشف اجساد مقابل ساختمان جمع شده بودند. هیاهوی زیادی برپا شده بود و هر کسی حرفی می‌زد. به مأموران کلانتری سفارش کردم بین مردم بروند و اطلاعاتی که همسایه‌ها دارند را بگیرند و اجازه دهند که آنها به راحتی صحبت کنند.

هرسه نفر با ضربات ناشی از چاقو به قتل رسیده بودند. معمولاً در جنایت‌هایی که در خانه رخ می‌دهد از آشپزخانه می‌توان به اطلاعات خوبی رسید به همین خاطر وارد آشپزخانه شدم تا آنجا را به دقت بررسی کنم. در همان موقع متوجه یک جعبه شیرینی و وسایل پذیرایی شدم. این موضوع نشان می‌داد که آنها شب حادثه میهمان داشته‌اند و سالم بودن در ورودی احتمال ما را تأیید می‌کرد. حالا دیگر باید به دنبال آن میهمان آشنا می‌گشتم و او را شناسایی می‌کردیم،

بی‌شک او می‌توانست سرزنش‌های زیادی در اختیار ما برای رازگشایی این قتل‌ها قرار دهد. در حال تحقیق بودیم که مأمور جوانی به سراغم آمد و گفت: «جناب بازپرس یکی از همسایه‌ها اطلاعاتی دارد.» به او گفتم اجازه دهید مرد همسایه وارد شود و او در توضیحات گفت: «چند شب قبل خیلی اتفاقی دیدم که مردی قوی‌هیکل و چهار شانه در حالی که بلوز چهارخانه قهوه‌ای و شلوار قهوه‌ای به تن داشت و موهای جلوی سرش ریخته بود از خانه هرمز بیرون آمد. من از طبقه بالا می‌آدمم و نتوانستم صورت مرد جوان را به خوبی ببینم و چون خیلی سریع راه می‌رفتم، به او نرسیدم.»

بدین ترتیب با توجه به صحبت‌های مرد همسایه، ما شکل و شمایل جزئی از قاتل احتمالی به دست آوردیم. به مأموران گفتم تحقیق کنند تا مشخص شود که فردی با این مشخصات ساکن ساختمان است یا خیر. در حین تحقیق از همسایه‌ها بودیم که دختری ۱۶ ساله با شک و تردید و کمی ترس پیش من آمد و گفت: «این مشخصاتی که می‌گویید شبیه مشخصات پدرخوانده من است. اما آن شبی که می‌گویید او را دیده‌اند او با نیسانش بار به چالوس برده بود و اصلاً تهران نبود.»

اعتراف تلخ

با اینکه بین حرف‌های دختر نوجوان و مرد همسایه مغایرت وجود داشت و یک نفر نمی‌توانست در یک زمان دو جا باشد اما از دختر خواستم پدرخوانده‌اش را به ما نشان دهد و دختر نوجوان جواب داد: «همین جاست. بیایید به شما نشان می‌دهم.» به‌دنبال دخترک به راه افتادیم و با پدرخوانده او در میان جمعیت مواجه شدیم. مردی بلند قامت و چهارشانه با موهای کم پشت و انگشت دشتش که روی آن زخم شده بود و با باند آن را بسته بود. اولین سؤالی که از او پرسیدم این بود که دستت چه شده؟ او پاسخ داد: «در راه بازگشت از جاده چالوس که بار برده بودم،



زن و مردی جوان را به عنوان مسافر سوار خودروام کردم و در بین راه آنها می‌خواستند خودرو و وسایل با ارزشم را به سرعت ببرند که با آنها درگیر شدم و با چاقویشان دستم زخمی شد.» صحبت‌های مرد جوان پر از تناقض بود، معلوم بود که واقعیت را نمی‌گوید. مردی بررسی‌های میدانی ما نشان می‌داد خسرو واقعیت را نمی‌گوید و اصلاً در چند روز گذشته مسافرتی به چالوس نداشته است. روبه‌روی او نشستیم و به خسرو گفتم: «نه مسافرت رفتی، نه گرفتار خفگیران شدی. پس بهتره که واقعیت را بگویی.»

مرد جوان سکوت کرد، معلوم بود که در حال جدال با خودش است. می‌دانست که کتمان حقیقت بی‌فایده است. اما طرف دیگر ماجرا اتهام قتل بود. خسرو در نهایت سکوتش را شکست و گفت: «مدتی بود که به همسر هرمز علاقه‌مند شده بودم. به بهانه‌های مختلف سر راهش سبزی می‌شدم تا اینکه توانستم اعتمادش را جلب کنم. شب حادثه دور از چشم همسرم و همسایه‌ها به بهانه‌ای با یک جعبه شیرینی به مقابل خانه‌اش رفتم، می‌دانستم آن ساعت شوهرش خانه نیست. وقتی در را باز کرد و مرا دید تعجب کرد، گفتم می‌خواهم موضوعی را به او بگویم. پسرش خوابیده بود و زن جوان که چاره‌ای جز دعوت من به خانه نداشت، قبول کرد. وارد خانه شدم و چند لحظه بعد هنوز وسایل پذیرایی را فروشش نیابوده بود که در خانه باز شد و شوهرش هرمز وارد شد. او از دیدن من تعجب کرد و فروشش سعی کرد با کلماتی که به سختی از زبانش بیرون می‌آمد، برایش ماجرا را توضیح دهد. اما گوش هرمز چیزی نمی‌شنید. در این میان بچه آنها از خواب بیدار شد و به وسط دعوا آمد. با چاقویی که در دست داشتم ضربه‌ای پرتاب کردم که به بچه اصابت کرد و او خونین روی زمین افتاد. هرمز و فروش به سمتم آمدند و در این میان ابتدا فروش را با چاقو زد و بعد هم هرمز را. چون وقت کافی داشتم، اجساد را به اتاق بردم، جسد هرمز را داخل کمد دیواری قرار دادم. اجساد مادر و پسر را هم داخل رختخواب‌ها قرار دادم.»

او ادامه داد: «آثار خون را با دقت پاک کردم و پس از تمیز کردن خانه، از آنجا بیرون آمدم. زمانی هم که بیرون آمدم، حواسم بود که کسی مرا نبیند و با خودم گفتم که هیچ رد و نشانی از خود به جا نگذاشته‌ام که راز این قتل‌ها فاش شود. غافل از اینکه خدا نمی‌گذارد خون بی‌گناهی پایمال شود.» همان شب، منتهم به سه جنایت اعتراف کرد و بازسازی صحنه قتل‌ها را هم انجام داد. در راه بازگشت به خانه، به مسیری که از صبح طی شده بودم فکر می‌کردم، اینکه چطور خدا مسیر کشف این حقیقت را برای ما باز کرد. صحبت‌های همسایه‌ها، اظهارات دختر نوجوان، جعبه شیرینی دست نخورده در آشپزخانه و... انگار پازل‌ها یک به یک کنار هم قرار گرفته بود تا راز این قتل عام فاش شود و خونی پایمال نشود.

هشدار

مراقب خالی‌فروشی طلا باشید



خالی‌فروشی طلا یکی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر توجه فعالان بازار، خریداران و نهادهای نظارتی را به خود جلب کرده است؛ معاملاتی که در آن، طلا پیش از آنکه واقعاً در اختیار فروشنده باشد، به خریدار فروخته می‌شود و همین مسأله می‌تواند در حوزه‌های مختلفی بروز اختلافات مالی، تضییع حقوق خریداران و حتی ایجاد تبعات حقوقی و کیفری شود. مانند خودرو، فرش و کالاهای خانگی نیز اتفاق بیفتد، اما با توجه به گسترش پلتفرم‌ها و برنامه‌های خرید و فروش آنلاین طلا، این موضوع در بازار طلا اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

سید محمدحسین آقابابایی ارچی، قاضی شعبه ۱۰۴ کیفری ۲ گرگان با تأکید بر ضرورت افزایش آگاهی شهروندان نسبت به شیوه‌های جدید معاملات طلا به خبرگزاری میزان گفت: «با توجه به افزایش معاملات آنلاین و روش‌های مختلف سرمایه‌گذاری، شهروندان باید نسبت به خطرات معاملات فاقد پشتوانه واقعی و وعده‌های غیرمتعارف سود حساس باشند و پیش از پرداخت وجه یا تحویل طلای خود، از اعتبار و شرایط معامله اطمینان حاصل کنند.» وی خاطرنشان کرد: «در بررسی پرونده‌های مرتبط با خالی‌فروشی، عنوانی که در عرف با این نام شناخته می‌شود ملاک نهایی رسیدگی قضایی نیست، بلکه باید رفتار دقیق مرتکب، نحوه دریافت مال یا وجه، وجود یا عدم وجود رابطه امانی، قصد مرتکب و گستره فعالیت وی مورد بررسی قرار گیرد تا عنوان مجرمانه متناسب با رفتار ارتكابی تعیین شود.» آقابابایی ارچی یادآور شد: «خالی‌فروشی به خودی خود عنوان مجرمانه مستقلی نیست و حسب مورد، رفتار مرتکب می‌تواند در قالب کلاهبرداری، خیانت در امانت یا در صورت تحقق شرایط قانونی، اخلاق در نظام اقتصادی کشور مورد تعقیب قرار گیرد.»

جدول روزنامه **ایران** دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح

۹۱۴۶

ابتدایی از شرح‌ها را با مدام حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

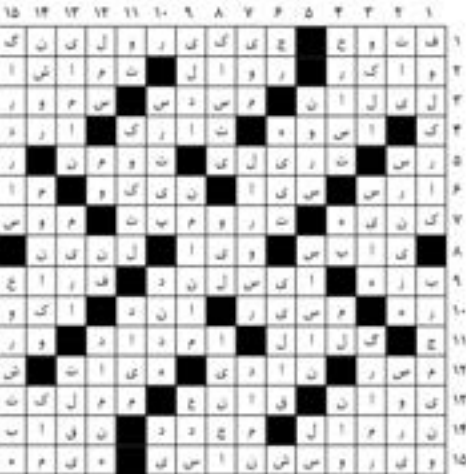
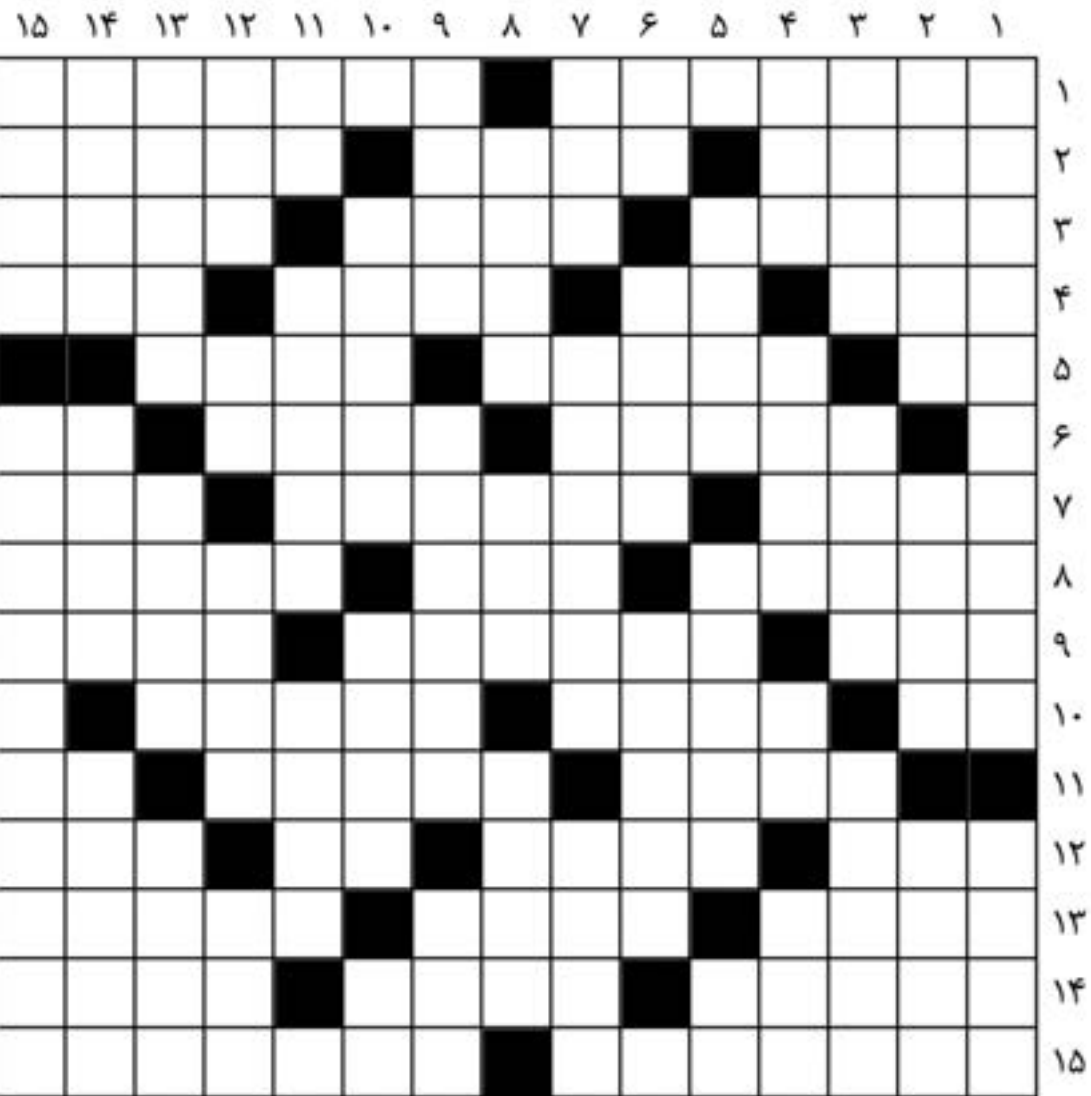
عمودی

- از بزرگ‌ترین شاعران قصیده‌گو و مثنوی‌سرای زبان پارسی - حیوانات
- نام پسرانه - دست راست - قطعه‌ای در خودرو
- نشانی خانه - اقبال - طناب زندانی
- پرنده سعادت - عرض - صدای گوسفند - مسیر مبدأ تا مقصد
- اعمال زور - وسیله آتش‌زنه - عود
- شگرد - گوش دهنده - طمع‌کار
- چین و شکن - محصل دانشگاه - حیف
- ورزش ذهنی - ضمیر اشاره - نگاه کردن
- نخ پیچیده شده - از میوه‌ها - کلمه شرط
- کشور «ریگا» - زیرانداز گرانبها - اشاره به ذات حق
- مکمل «شلوار» - کاندیدا و داوطلب - استاندار قدیم
- کار و کردار - دوازده کیلوگرم - زمین لم‌یزرع - پای‌افزار
- فرومایگان - هنگام - خلافت‌کار و محکوم در دادگاه
- پول خودمان - نانوا - ضربه و شوک
- حنا - فیلم اصغر نعیمی (۱۴۰۴)

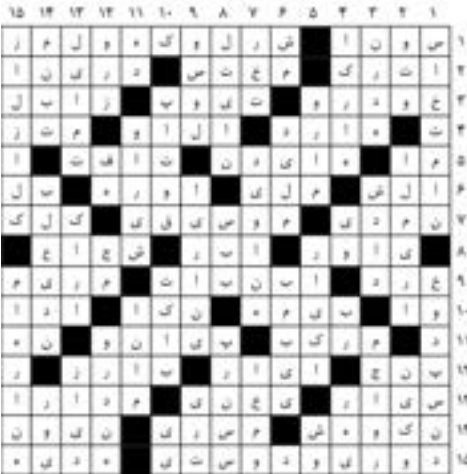
جدول ویژه

عمودی

- شاخه‌ای از فلسفه - تقاله چغندر
- سراسر و از ابتدا تا انتها - وارد شدن - وگرنه
- بی‌جنبش - رنگی برای چشم - با «حال» آید
- زمستان - ظرف آبگوشت - ماه کارگری - بدجنس در کفش دارد!
- چین و شکن و خطوط پارچه - مجبور شده - بدی
- همسر «اسکارت» - دشنام‌گو - سبزه‌همین زبان پرکاربرد
- محتوای وب
- سنگ گرانبها - قشر خارجی پوست - تل و پشته
- خدمتکار مرد - همان «مو» - به صورت جمعی
- جلوه‌گر شدن - سریالی با بازی حمید لولایی - پایتخت هرام‌گور
- پاله‌چای خوری - سفید مات - حرف انتخاب
- خاک عهد عتیق - مشترک المنافع - سرایت
- اقبال - مسأوی عامی - آهسته - آرزوی پر شور
- پای ثابت بستی - شاه شاهان مغولی - پذیرش سخن کسی
- جست‌وجوگر - پول «روسپه» - چسب تجاری
- همان «تاتار» است - تاج خروس



حل جدول ویژه شماره ۹۱۴۳



حل جدول عادی شماره ۹۱۴۳



مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت:

بیش از ۳ میلیون نفر از خدمات سراج بهره‌مند شده‌اند

گزارش

سمیه افشین‌فر

گروه اجتماعی

خدمات سلامت روان در کشور از سوی دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی ارائه می‌شود، اما نبود هماهنگی مؤثر میان این بخش‌ها می‌تواند به تکرار خدمات برای برخی افراد و محروم ماندن گروهی دیگر از دریافت حمایت‌های مورد نیاز منجر شود. مدیرکل دفتر سلامت روان، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تأیید وجود اقدامات جزیره‌ای در این حوزه، بر ضرورت هم‌فراپی دستگاه‌ها و ایجاد مسیر مشخص برای ارجاع افراد نیازمند خدمات تخصصی تأکید می‌کند، رویکردی که وزارت بهداشت آن را در قالب برنامه «سراج» دنبال می‌کند.

محمدرضا شالیاغان، مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت در نشست خبری به مناسبت هفته سلامت روان در وزارت بهداشت با اشاره به غریابگری سلامت روان ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در جریان جنگ ۴۰ روزه، درباره سازوکار ارائه خدمات رایگان در قالب مراکز جامع سلامت و مراکز سراج، توضیح داد و بر ضرورت تأمین داروهای روان‌پزشکی و حمایت از بیماران آسیب‌پذیر تأکید کرد. در یکی از جلسات شورای اجتماعی کشور، موضوع مراجعات متعدد به خانواده‌ها در پی حادثه میناب و سردرگمی آنان برای دریافت خدمات حمایتی مطرح شد، وضعیتی که بار دیگر ضرورت ساماندهی خدمات سلامت روان و ایجاد ارتباط مؤثر میان نهادهای مسئول را برجسته کرد. مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت در پاسخ به سؤالات «ایران» در مورد فقدان نظام ارجاع منسجم در حوزه سلامت روان که باعث می‌شود افراد



در میان مسیرهای مختلف دریافت خدمت سرگردان به‌مانند یا روند درمان خود را نیمه‌کاره رها کنند، با اشاره به مسئولیت وزارت بهداشت در تولید سلامت روان گفت: «بر اساس اسناد بالادستی، تولیدیت سلامت روان در بخش‌های مختلف بر عهده وزارت بهداشت است و دانشگاه‌های علوم پزشکی و شبکه‌های بهداشتی و درمانی نیز در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها این مسئولیت را دنبال می‌کنند.» او با تأکید بر ضرورت حضور نهادهای مختلف در این حوزه گفت: «مشارکت بخش‌های مختلف برای ارتقای سلامت روان لازم و حیاتی است. دستگاه‌هایی که در این زمینه مسئولیت و امکانات دارند، باید در کنار یکدیگر و به شکل هم‌افزا اقدام کنند تا خدمات با بیشترین اثربخشی و کمترین هزینه ارائه شود.»

تکرار خدمات برای برخی محرومیت برای دیگران

به گفته شالیاغان، تجربه‌های داخلی و جهانی نشان می‌دهد که مداخلات مشخص می‌توانند به بهبود وضعیت سلامت روان کمک کنند، البته این مداخلات باید متناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه

ایرانی، بومی‌سازی شوند. او هشدار داد، نبود هماهنگی میان دستگاه‌ها ممکن است به دریافت چندباره یک خدمت از سوی برخی افراد و خارج ماندن گروهی دیگر از پوشش خدمات منجر شود. برای همین یکی از اهداف اصلی برنامه سراج، استفاده هماهنگ از ظرفیت دستگاه‌های مختلف و ایجاد شبکه‌ای منسجم برای ارائه خدمات سلامت روان است. شالیاغان گفت: «برنامه سراج در سطح ملی در شورای اجتماعی کشور به ریاست رئیس‌جمهوری مصوب شده و دستگاه‌های ذینفع در آن حضور دارند. در سطح شهرستان‌ها نیز فرماندارها با ابفای نقش هماهنگ‌کننده می‌توانند زمینه همکاری نهادهای مختلف را فراهم کنند تا افراد نیازمند حمایت، مسیر روشن‌تری برای دسترسی به خدمات داشته باشند.»

سراج: مسیری برای ارجاع مؤثر

یکی از محورهای اصلی برنامه سراج، ساماندهی فرآیند ارجاع میان نهادهای ارائه‌دهنده خدمات است. به گفته شالیاغان، در مناطقی که این برنامه به‌درستی اجرا می‌شود، بخش‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش در

روان، کاهش اقدام به خودکشی و افزایش شناسایی به‌موقع افراد نیازمند مداخله گزارش شده است.» به گفته شالیاغان، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد معمولاً باید دو تا سه سال از آغاز اقدامات بین‌بخشی بگذرد تا بتوان کاهش موارد مورد انتظار را مشاهده کرد.

گسترش مراکز سراج به ۳۰۰ مرکز

بر اساس اعلام شالیاغان، وزارت بهداشت امیدوار است الگوی اجرای این برنامه به همه ۱۴۸ مرکز سراج تسری پیدا کند. همچنین هدفگذاری شده است که تعداد مراکز سراج تا پایان دو سال آینده به ۳۰۰ مرکز برسد. چرخه درمان می‌شوند، در میانه راه بدون حمایت نمانند. عبور از اقدامات جزیره‌ای زمانی محقق می‌شود که همکاری میان دستگاه‌ها در عمل به دسترسی عادلانه‌تر، پیگیری مستمر و دریافت خدمات مؤثر برای مردم منجر شود.»

لزوم تأمین پایدار داروهای روان‌پزشکی

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت با بیان اینکه تأمین پایدار داروهای روان‌پزشکی و حمایت از بیماران مبتلا به اختلالات مزمن روانی، از جمله موضوعات مهم حوزه سلامت است، گفت: «نیازمند توجه ویژه دستگاه‌های مسئول و برنامه‌ریزی مؤثر برای رفع کمبودهای دارویی هستیم، البته در همین زمینه مشکلات مربوط به تأمین داروهای مورد نیاز بیماران روان‌پزشکی بارها از سوی بخش‌های مختلف حوزه سلامت و انجمن‌های مرتبط مطرح شده و پیشنهادهایی برای مدیریت این وضعیت و کاهش پیامدهای آن ارائه شده است.» به گفته شالیاغان، در برخی موارد امکان استفاده از داروهای جایگزین، دست‌کم به‌شکل موقت، وجود دارد، اما تغییر دارو برای همه بیماران امکان‌پذیر نیست و در برخی بیماری‌های روان‌پزشکی، جایگزینی دارو باید با بررسی تخصصی و نظارت پزشک معالج انجام شود البته از این رو، دسترسی مستمر و به‌موقع بیماران به داروهای ضروری اهمیت ویژه‌ای دارد. او گفت: «حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، بویژه بیماران مبتلا به اختلالات روان‌پزشکی مزمن و افرادی که از حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردارند، باید در اولویت برنامه‌های حمایتی قرار گیرد. همکاری دستگاه‌های متولی سلامت، سازمان بهزیستی و انجمن‌های تخصصی می‌تواند به شناسایی نیازها و ارائه راهکارهای مؤثر برای بهبود وضعیت این بیماران کمک کند.» شالیاغان گفت: «برگزاری جلسات با انجمن‌های مرتبط، بررسی دغدغه‌های مطرح‌شده و جمع‌آوری پیشنهادهای کارشناسی از جمله اقداماتی است که برای پیگیری این موضوع انجام شده است. با توجه به چندی‌بعدی بودن مشکلات تأمین دارو، رفع این چالش‌ها مستلزم هماهنگی میان نهادهای مسئول، تقویت برنامه‌ریزی در زنجیره تأمین دارو و اتخاذ تدابیر حمایتی برای تضمین دسترسی بیماران به درمان مورد نیاز است.»

اخبار

تکذیب الزام دانش‌آموزان

به استفاده از پلاک نام

وزیر آموزش و پرورش ادعای الزام دانش‌آموزان به حضور در کلاس‌های درس با پلاک مشخصات را کذب محض و فسادسازی رسانه‌ای خواند و بر پیگیری آموزش حضوری بر اساس اقتضائات منطقه‌ای تأکید کرد. به گزارش «ایران»، علیرضا کاظمی در نشست برنامه ملی نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان (نماد)، با اشاره به انتشار شایعات درباره وضعیت فعالیت مدارس، از مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها و مسئولان روابط عمومی خواست در برابر اخبار جعلی و فسادسازی‌های رسانه‌ای واکنش به‌موقع و روشنگرانه داشته باشند. وزیر آموزش و پرورش با اشاره به ادعای مطرح‌شده درباره الزام دانش‌آموزان به حضور در کلاس با پلاک حاوی نام، این موضوع را نمونه‌ای از شایعه‌سازی در فضای رسانه‌ای توصیف کرد و گفت: «وزارت آموزش و پرورش با اتخاذ تصمیم‌های متناسب با شرایط هر منطقه، اجازه نخواهد داد ارتباط دانش‌آموزان با مدرسه و جریان یادگیری قطع شود.» او با اشاره به تجربه استان هرمزگان، از تلاش مسئولان این استان برای استمرار آموزش قدرانی کرد و خواستار تداوم برنامه‌ریزی‌ها به‌گونه‌ای شد که حتی در شرایط دشوار هم امکان دسترسی دانش‌آموزان به آموزش فراهم بماند.

تعیین تکلیف ۲۲ پرونده انضباطی

در دانشگاه تهران

رئیس دانشگاه تهران با بیان اینکه دانشگاه تهران در رسیدگی به ۲۲ پرونده انضباطی با رویکردی رأفت‌آمیز عمل کرده است، اعلام کرد: «به‌جز دو دانشجویی که به ماجرای آتش‌زدن پرچم نقش داشتند، هیچ‌کدام از دانشجویان این دانشگاه با حکم اخراج مواجه نشده‌اند.» به گزارش ایسنا، دکتر محمدحسین امید درباره وضعیت پرونده‌های انضباطی دانشجویان دانشگاه تهران پس از اعتراضات سال گذشته و تغییر احتمالی آمار دانشجویان اخراجی و ممنوع‌الورود توضیح داد: «دانشگاه تهران با نهایت رأفت و پدرا نه با دانشجویان برخورد کرده است، چون معتقدیم دانشجویان فرزندان ما هستند. در رسیدگی به پرونده‌های آنان نیز تا حد امکان از صدور احکام سستین خودداری شده است.» او گفت: «در سایر پرونده‌ها، اغلب قریب به اتفاق احکام در حد تذکر یا توبیخ بوده است. در مواردی نیز احکام یک نیمسال صادر شده و در بسیاری از موارد، خود دانشجویان نسبت به اتفاقات رخ داده ابراز ناراحتی کرده‌اند.»

آگهی مزایده
(شماره ۰۵۰۱۰م)

فروش اقلام مازاد سینی، نردبان کابل
و متعلقات (انواع ساپورت، براکت،
زانویی، دریوش، بست و ...)

یک شرکت خصوصی معتبر در نظر دارد حدود ۷۶۰۰۰۰ عدد اقلام سینی و نردبان کابل و متعلقات مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند.

۱ محل انبار: کیلومتر ۴۰ آزادراه کاشان - نطنز

۲ محل دریافت اسناد: تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی (پایین‌تر از حکیم)، انتهای خیابان ۲۴، مجتمع آفتاب، ورودی پارکینگ طبقاتی (همانگی دریافت اسناد ۸۲۰۶۴۵۳۸ و ۸۲۰۶۴۵۹۶)

۳ مهلت دریافت اسناد: دو هفته از تاریخ درج آگهی مزایده‌گزار در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.

۴ هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

۵ میزان تضمین شرکت در مزایده و سایر شرایط و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.

۶ هزینه خرید اسناد: مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت نقدی در محل دریافت اسناد یا تحویل اصل فیش واریز به کارت شماره: ۵۰۱۳۳۳۱۸۱۲۲ شناسه پرداخت: ۳۹۶۶۰۳۳۷۹۰۶۱۰۴ تماش حاصل نمایید.

آگهی مزایده
(شماره ۰۵۰۰۹م)

فروش اقلام مازاد برقی شامل
لوله کاندوئیت، متعلقات فلزی و پلاستیکی
(شامل انواع گنند، کابلشو، بست و ...)

یک شرکت خصوصی معتبر در نظر دارد حدود ۱۲۲۰۰۰ اقلام برقی مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند.

۱ محل انبار: کیلومتر ۴۰ آزادراه کاشان - نطنز

۲ محل دریافت اسناد: تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی (پایین‌تر از حکیم)، انتهای خیابان ۲۴، مجتمع آفتاب، ورودی پارکینگ طبقاتی (همانگی دریافت اسناد ۸۲۰۶۴۵۳۸ و ۸۲۰۶۴۵۹۶)

۳ مهلت دریافت اسناد: دو هفته از تاریخ درج آگهی مزایده‌گزار در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.

۴ هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

۵ میزان تضمین شرکت در مزایده و سایر شرایط و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.

۶ هزینه خرید اسناد: مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت نقدی در محل دریافت اسناد یا تحویل اصل فیش واریز به کارت شماره: ۵۰۱۳۳۳۱۸۱۲۲ شناسه پرداخت: ۳۹۶۶۰۳۳۷۹۰۶۱۰۴ تماش حاصل نمایید.

گروه توسعه ساختمان
گسترش
سایت تهران

آگهی مناقصه خرید پروفیل آلومینیوم کرتین وال

شرکت توسعه و عمران امید (سهامی عام) در نظر دارد مقدار ۱۴۶۵۱ کیلوگرم پروفیل آلومینیوم کرتین وال (تولید کارخانه آلومینیوم مازندران) جهت نمای پروژه تجاری چمران کرخ خریداری نماید. لذا از فروشندگان دعوت می‌نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ لغایت ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ (به غیر از پنج شنبه‌ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰ از طریق مراجعه به دفتر مرکزی شرکت به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قاصیر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۱۰، واحد ۴، شماره تلفن: ۸۸۵۴۸۳۶۹ (داخلی ۲۳۶) و یا وب سایت شرکت به نشانی www.todgroup.ir نسبت به خرید اسناد مناقصه اقدام نمایند.

گروه توسعه ساختمان
گسترش
سایت تهران

آگهی مناقصه خرید پروفیل آلومینیوم کرتین وال

شرکت توسعه و عمران امید (سهامی عام) در نظر دارد مقدار ۸۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده که به صورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب این شرکت میسر می‌باشد.

سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج گردیده است.

آخرین مهلت تحویل پاکت پیشنهادی، ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ می‌باشد.

این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

گروه توسعه ساختمان
گسترش
سایت تهران

آگهی مناقصه خرید پروفیل آلومینیوم کرتین وال

شرکت توسعه و عمران امید (سهامی عام) در نظر دارد مقدار ۸۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده که به صورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب این شرکت میسر می‌باشد.

سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج گردیده است.

آخرین مهلت تحویل پاکت پیشنهادی، ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ می‌باشد.

این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

نقض تهران با برقی می‌زند

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید ۴ دستگاه مجموعه مسیریاب کابل فشار متوسط به‌صورت برقی دارو یا امکان عیب یابی اتصال کابل دارای امپدانس بالا و پایین مورد نیاز خود از تولیدکننده داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرح مختصری از (تایم): کمیت و کیفیت (کابل):

شماره مناقصه سامانه ستاد

شماره مرجع مناقصه

موضوع مناقصه

محدوده

مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)

مهلت فروش اسناد

تاریخ انتشار در سامانه

تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار

تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه

ارزیابی کیفی

صلاحیت و گواهی نامه لازم

۱- مناقصه‌گر می‌بایست تولیدکننده یا تأمین‌کننده داخلی باشد.

۲- داشتن نمایندگی یا عاملیت فروش از شرکت سازنده کالای موضوع مناقصه و ارائه تصویر آن به‌همراه اسناد ارزیابی کیفی الزامی است.

تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات جهت شرکت در مناقصه حلقه سائز.

به پیشنهادهای فاقد امضا، مشخص، مشروط، محدود و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط مناقصین جهت شرکت در مناقصه:

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی های کسب اطلاعات بیشتر:

سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت تانیر: www.tavanir.org.ir

سایت پایگاه ملی مناقصات: <http://jst.mpc.org.ir>

سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: <http://www.tbtf.ir>

کابل اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام‌رسان بله به نشانی: <https://t.me/join/EUHVUvVuzZc>

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

نقض تهران با برقی می‌زند

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید ۴ دستگاه مجموعه تعیین و شناسایی کابل‌های روغنی و خشک فشار متوسط مورد نیاز خود از تولیدکننده داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرح مختصری از (تایم): کمیت و کیفیت (کابل):

شماره مناقصه سامانه ستاد

شماره مرجع مناقصه

موضوع مناقصه

محدوده

مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)

مهلت فروش اسناد

تاریخ انتشار در سامانه

تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار

تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه

ارزیابی کیفی

صلاحیت و گواهی نامه لازم

۱- مناقصه‌گر می‌بایست تولیدکننده یا تأمین‌کننده داخلی باشد.

۲- داشتن نمایندگی یا عاملیت فروش از شرکت سازنده کالای موضوع مناقصه و ارائه تصویر آن به‌همراه اسناد ارزیابی کیفی الزامی است.

تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات جهت شرکت در مناقصه حلقه سائز.

به پیشنهادهای فاقد امضا، مشخص، مشروط، محدود و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط مناقصین جهت شرکت در مناقصه:

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی های کسب اطلاعات بیشتر:

سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت تانیر: www.tavanir.org.ir

سایت پایگاه ملی مناقصات: <http://jst.mpc.org.ir>

سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: <http://www.tbtf.ir>

کابل اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام‌رسان بله به نشانی: <https://t.me/join/EUHVUvVuzZc>

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

نقض تهران با برقی می‌زند

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید ۴ دستگاه مجموعه تعیین و شناسایی کابل‌های روغنی و خشک فشار متوسط مورد نیاز خود از تولیدکننده داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرح مختصری از (تایم): کمیت و کیفیت (کابل):

شماره مناقصه سامانه ستاد

شماره مرجع مناقصه

موضوع مناقصه

محدوده

مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)

مهلت فروش اسناد

تاریخ انتشار در سامانه

تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار

تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه

ارزیابی کیفی

صلاحیت و گواهی نامه لازم

۱- مناقصه‌گر می‌بایست تولیدکننده یا تأمین‌کننده داخلی باشد.

۲- داشتن نمایندگی یا عاملیت فروش از شرکت سازنده کالای موضوع مناقصه و ارائه تصویر آن به‌همراه اسناد ارزیابی کیفی الزامی است.

تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات جهت شرکت در مناقصه حلقه سائز.

به پیشنهادهای فاقد امضا، مشخص، مشروط، محدود و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط مناقصین جهت شرکت در مناقصه:

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی های کسب اطلاعات بیشتر:

سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت تانیر: www.tavanir.org.ir

سایت پایگاه ملی مناقصات: <http://jst.mpc.org.ir>

سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: <http://www.tbtf.ir>

کابل اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام‌رسان بله به نشانی: <https://t.me/join/EUHVUvVuzZc>

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توسعه و عمران امید (سهامی عام) در نظر دارد مقدار ۱۴۶۵۱ کیلوگرم پروفیل آلومینیوم کرتین وال (تولید کارخانه آلومینیوم مازندران) جهت نمای پروژه تجاری چمران کرخ خریداری نماید. لذا از فروشندگان دعوت می‌نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ لغایت ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ (به غیر از پنج شنبه‌ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰ از طریق مراجعه به دفتر مرکزی شرکت به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قاصیر (بخارست)، خیابان هشتم، پلاک ۱۰، واحد ۴، شماره تلفن: ۸۸۵۴۸۳۶۹ (داخلی ۲۳۶) و یا وب سایت شرکت به نشانی www.todgroup.ir نسبت به خرید اسناد مناقصه اقدام نمایند.

تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۸۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده که به صورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب این شرکت میسر می‌باشد.

سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج گردیده است.

آخرین مهلت تحویل پاکت پیشنهادی، ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ می‌باشد.

این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

www.omidcdco.ir



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

امام علی(ع):

آرزوها، چشم‌های بصیرت را کور می‌کنند.

نهج البلاغه، الحکمة ۲۷۵

سخن‌روز

افشین مقدم، بابک زرین و مصطفی راغب از گذشته، امروز و آینده موسیقی پاپ گفتند

از میراث ماندگار تا گسست نسل‌ها



دهه‌های اخیر، این زنجیره تا حد زیادی گسسته شده و ارتباط و همزیستی میان نسل‌های مختلف موسیقی کاهش یافته است. به گفته او، نسل جوانی که پس از انقلاب فعالیت خود را آغاز کرد، در ابتدا از صداها و ترانه‌های ماندگار دهه ۵۰ تأثیر می‌گرفت و برای رسیدن به هویت مستقل خود به زمان نیاز داشت. این خواننده و آهنگساز برای توضیح روند شکل‌گیری موسیقی پاپ در سال‌های پس از انقلاب، به تجربه خوانندگان نسل‌های مختلف اشاره کرد و گفت: «در نسل اول، خوانندگانی مانند خسایار اعتمادی حضور داشتند که صدایش یادآور دایرئوش بود. زنده‌یاد حسین زمان که مخاطب را به یاد ستار می‌انداخت و قاسم افشار که صدایش ابی را تداعی می‌کرد. در آن دوره، مخاطبان با نوعی شوک و تغییر مواجه بودند. بدتر، خوانندگانی مانند محسن چاوشی و محسن یگانه هنرمندان بزرگ باعث شد این آثار مطرح شدند و شادمهر عقیلی نیز که از خوانندگان دیگر درگیر سیاست‌های مقطعی شدند؛ سیاست‌هایی که به جای فراهم کردن زمینه شدی و استقلال هنری، بر استفاده از صداها و آشنا و نزدیک به خوانندگان نسل‌های گذشته تکیه داشتند.»

دانست و گفت: «راغب از آن دسته خوانندگانی است که گوشه‌های آواز و دستگاه‌ها را می‌شناسد و همکاری با او بسیار راحت‌تر است. در نسل جدید، خوانندگانی مانند راغب که هم دانش موسیقایی دارند و هم زیبا می‌خوانند، کم هستند. در نسل‌های گذشته نیز هنرمندانی مانند آقای شجریان را داشته‌ایم که سال‌ها در این زمینه فعالیت کرده‌اند.»

ماندگاری آثار دهه ۵۰ حاصل یک روند تاریخی و فرهنگی است
افشین مقدم، شاعر و ترانه‌سرا نیز در پاسخ به «ایران» درباره ماندگاری آثار موسیقی دهه ۵۰ و تفاوت آنها با تولیدات دهه‌های بعد گفت: «این پرسش همیشه مطرح بوده است که آیا آثار ماندگار دهه ۵۰ به‌خودی خود قابلیت ماندگاری داشتند یا شرایط، محدودیت‌های موسیقی و مهاجرت هنرمندان بزرگ باعث شد این آثار مطرح شوند و به‌تدریج خوانندگانی از نسل اول بود، توانست مسیر مستقل خود را با قدرت ادامه دهد. اما بخشی از خوانندگان دیگر درگیر سیاست‌های مقطعی شدند؛ سیاست‌هایی که به جای فراهم کردن زمینه شدی و استقلال هنری، بر استفاده از صداها و آشنا و نزدیک به خوانندگان نسل‌های گذشته تکیه داشتند.»

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

مدیرعامل: علی منتقبان

تلفن: ۸۸۶۱۲۳۰ • **نمابر:** ۸۸۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

پایمک: ۰۲۱۲۳۴۵۱۳۳۰۰۰ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۲۸۸

نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه ایران و مؤسسه جام‌جم

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه انزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

بذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷۰ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۳۳

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

نشست خبری چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با تمرکز بر روایت جنگ برگزار شد

ایران در قاب فیلم کوتاه

و شوخی‌های بد استفاده کند، لزوماً به نمایش نمی‌رسد.»

هوش مصنوعی؛ ابزار، نه هدف
یکی از محورهای مطرح شده در این نشست هوش مصنوعی بود و پاسخ شعبی به آن صریح بود: «امسال حضور هوش مصنوعی در سینما برای خود من هم ترسناک شده پس اگر به سرعت با آن همراه نشویم ممکن است هزینه فرهنگی برای ما به بار آورد.» او تأکید کرد باید آن را به مثابه یک ابزار دید نه هدف. شعبی این دیدگاه را هم گفت که هیأت انتخاب هم در بخش هوش مصنوعی بر محتوا و دارم تکیه کرده است: «برای ما تیزرها و ویدیوهای زیادی با استفاده از هوش ن را داشتند.»

شهرستان‌ها؛ بدون نگاه حمایتی
سهم شهرستان‌ها از آثار ۴۷ درصد است و سهم تهران ۴۶ درصد. شعبی میان دو مسئولیت مرز کشید: عدالت فرهنگی وظیفه انجمن سینمای جوان است و جشنواره‌ای بین‌المللی با معیارهای خودش انتخاب می‌کند. او گفت امسال فیلم‌های خوبی از استان‌ها بدون هیچ حمایتی وارد جشنواره شده‌اند و نتیجه گرفت: «اگر نگاه حمایتی را برداریم، به نظرم بهترین کمک را کرده‌ایم.» روایت این نشست، پیش از هر چیز تلاش می‌کند میان بقا و صحنه بین‌الملل، همسویی با اقتضائات رسمی و ادعای کشف استعدادها ی زیست‌بوم ایران تعادل برقرار کند. تعادلی که پاسخ به آن رانه در پشت این تریبون‌ها، بلکه در ۲۵ تا ۳۰ مهر ۱۴۰۵، در تارکی سالن‌های نمایش خواهیم گرفت.



شعبی گفت: «آثار ارسالی زیاد بود اما مشخصاً سختگیری ما نیز کم نشد؛ امسال تولیداتی داریم که صرفاً ارگانی نیستند و حتی فیلمسازان مستقل درباره جنگ فیلم ساخته‌اند.»

نکته به بیرون از مرز
اعتبار جشنواره در سال‌های اخیر بخشی از ارزشش را از همین مجوز می‌گیرد: اسکارکوالیفای (جشنواره‌ای که شرایط لازم برای ورود به مسیر رقابت اسکار را فراهم می‌کند). جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران یکی از معدود درگاه‌های دارای تأییدیه آکادمی اسکار در منطقه است. امسال سال آخر دوره ۴ ساله اسکارکوالیفای است، شعبی گفت فرم‌ها پر و ایمیل‌ها زده شده. او ادامه داد: «با توجه به مراقبت‌هایی که از این بخش در سال‌های گذشته شده فکر می‌کنم مسأله‌ای نخواهیم داشت مگر اینکه مسائل غیرسیمنایی و سیاسی روی آن تأثیر بگذارد. منتظر

گزارش

ترگس عاشوری
گروه فرهنگی
شاید جشنواره فیلم فجر برای مخاطب عام جذاب‌تر باشد، اما بسیاری از مخاطبان جدی و منتقدان، جشنواره‌های فیلم کوتاه و مستند را جریان سازتر می‌دانند و معتقدند در میان جشنواره‌های ایران، این دو بیش از بقیه به رسالت خود عمل کرده‌اند. امسال آنچه در این آینه بیشتر دیده می‌شود، ایران و تجربه جنگ تحمیلی است. برگزارکنندگان، بخش تازه‌ای با عنوان «وطن به روایت من» اضافه کرده‌اند و پرسش‌های نشست خبری چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران هم بیشتر حول همین محور می‌چرخید. صبح روز یکشنبه ۱۹ مهرماه در پردیس ملت، پهلوز شعبی روه‌روی خبرنگاران نشست و پرسش‌ها، همان‌طور که انتظار می‌رفت، از جنگ شروع شد.

جنگ، این بار از نگاه فیلمسازان
پرداختن به رویدادهای تلخی مثل واقع مدرسه میناب و تبعات جنگی ضرورتی ملی و انسانی است. نگرانی منتقدان اما از جای دیگری می‌آید: اینکه مضامین عمیق، زیر دست‌های شتاب‌زده به اثری خنثی یا تکرار الگوهای تلوئیزیونی بدل شود. پرسش نشست همین بود: از میان بیش از ۵۰۰ اثر، چه ملامک و مراقبتی در کار بوده است؟
بخش «وطن به روایت من» ۱۸ آثار دارد و پهلوز شعبی، دبیر جشنواره، بیشتر از شمار و تنوع آثار گفت.

چرا حافظ یک روز در تقویم می‌خواهد؟
باشد. این نکته در سیاست‌گذاری فرهنگی اهمیت دارد. مناسبت‌های ادبی زمانی کارکرد واقعی پیدا می‌کنند که میان میراث ادبی و جامعه امروز ارتباط برقرار کنند. اگر در روز حافظ تنها به چند سخنرانی، پیام تبریک و قرائت تعدادی غزل اکتفا کنیم، بخش مهمی از ظرفیت این مناسبت را از دست داده‌ایم. روز حافظ باید زمینه‌ای برای طرح پرسش‌های تازه باشد: حافظ برای انسان امروز چه دارد؟ چرا شعرواپس از قرن‌ها همچنان خوانده می‌شود؟ نسبت او با سبک زندگی، شرایط روز، قدرت و اخلاق چیست؟ و چگونه می‌توان حافظ را به شاعری برای نسل جوان تبدیل کرد؟
بنابراین، مسأله اصلی تعداد روزهای ادبی در تقویم نیست، سبک، کیفیت استفاده از آنهاست. اگر هر مناسبت به فرصتی برای پژوهش، آموزش، گفت‌وگو و تولید فرهنگی تبدیل شود، تعداد آنها یک امتیاز است؛ اما اگر همه مناسبت‌ها به مراسمی تکراری برای سخنرانی و پیام تبریک محدود شوند، حتی یک روز ادبی هم می‌تواند زیاد باشد.
حافظ در تقویم نمادنه است، حافظ در زبان و حافظه مردم مانده است. تقویم‌ها روز حافظ را تعیین می‌کنند، اما این مردم هستند که قرن‌هاست حافظ را زنده نگه داشته‌اند.

به مناسبت روز حافظ شاعر ماندگار فرهنگ ایرانی
حافظ شیرازی
حافظ تنها شاعری بزرگ در حافظه تاریخی ایرانیان نیست، او صدای ماندگار اندیشه، عشق و آزادی در فرهنگ ماست. قرن‌ها از روزگار او گذشته، اما غزل‌هایش همچنان با زندگی امروز ما پیوند دارند. گاه مرهمی برانده‌اند، گاه چراغی در تاریکی و گاه پرسشی جسورانه درباره حقیقت، اخلاق و معنای زیستن. راز ماندگاری حافظ را باید در همین توانایی شگفت‌انگیز جست‌وجو کرد. در سخن گفتن با انسان در همه زمان‌ها و موقعیت‌ها. در روز بزرگداشت او، سه یادداشت پیش رو می‌کشوند از سه منظر به جهان حافظ بنگرد. شاعری که هنوز با ما سخن می‌گوید و همچنان بخشی از هویت فرهنگی ماست.

انسانیت، یکرنگی، مدارا، بخشش و پرهیز از را. راز ماندگاری حافظ نیز همین جاست. او با حجم اندکی از شعر، سخی به وسعت انسان گفته است. قرن‌ها از روزگار او گذشته، شاعران بسیاری آمده‌اند و رفته‌اند، اما حافظ همچنان در زندگی مردم حضور دارد، نه فقط در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها، بلکه در خانه‌ها، آپن‌ها، نورو، شب پیدا، لحظه‌های شادی و اندوه و در زبان روزمره مردم. چرا؟ چون حافظ بیش از آنکه سخنگوی یک عصر باشد، سخنگوی دل انسان است. اما این بیت چه می‌گوید؟
درختی را تصور کنیم که سنگ می‌خورد، اما میوه می‌دهد، سایه‌اش را از کسی دریغ نمی‌کند و در برابر سنگی که به سوسن پرتاب شده، نمر می‌بخشد. این تصویر، به گمان من، یکی از زیباترین تعریف‌های اخلاق است: بزرگواری یعنی اجازه ندهیم بدی دیگری، ما را از خوبی خودمان نهی کند. این نگاه در ادامه همان سخنی است که در قطعه‌ای منسوب به حافظ می‌خوانیم: «بر تو خوانم ز دفتر اخلاق / آیتی در وفا و در بخشش» و سپس از درخت و صدف برای توضیح وفا، حلم و بخشش بهره می‌گیرد. امروز جامعه ما بیش از هر زمان دیگری به چنین نگاهی نیازمند است. نه به این معنا که در برابر ظلم و بی‌عدالتی سکوت کنیم، بلکه به این معنا که پاسخ ما به رنج، لزوماً بازتولید رنج نباشد. می‌توان ایستاد، می‌توان مطالبه کرد، می‌توان نقد کرد، اما در عین حال اخلاق را از دست نداد. این همان نقطه‌ای است که حافظ را از یک همه‌گمشده است. گمان می‌کنم پاسخ او بازگشت به همان جوهر دیوانش بود: اخلاق،

باریک‌بین است که آرزو دارد حتی ذره‌ای غبار بر خاطر کسی ننوازد؛ چنان بیزی که اگر خاک ره شوی / کس را غبار خاطری از رهگذار ما نرسد اندکری و راستی دیگر ارکان حیات طویه در اندیشه او مسندند: جویبار ملک را آب روان شمشیر نوست / تو درخت عدل بنشان بیخ بدخواهان بکن و درباره ارزش گوهرین راستی می‌سراید: به صدق کوش که خورشید زاید از نقت / که از دروغ سه‌روی گشت صبح نخست در منظومه فکری لسان‌الغیب بزرگ‌ترین آفت زیست اخلاقی تزیرو زهد ریاکارانه است: تا بدان جا که گناهکاری بی‌فریب را بر طاعت ربانی مرجع می‌شمارد: می‌خور که صد گناه ز اغیار در حجاب / بهتر طاعتی که به روی و ریا کنند و سرانجام این صفا و صدف اخلاقی در نگاه حافظ، بی‌ولایت و تمسک به حقیقت خاندان نبوت سامان نمی‌پذیرد: آنجا که شرط وصول به همراهی و فیض ولی حق را گام‌زدن در ملاقه در این مسیر می‌داند: حافظ اگر قدم زد در ره خاندان به صدق بدرقه رعت شود همت شحنه نجف

امیال فردی و جمعی را در سوق دادن اراده دخیل می‌شمارد. زیبایی کلامی و هنری قادر است با تطبیف و جهت‌دهی به عواطف، نقشی محوری در اخلاق‌ورزی بازی کند. افزون بر این، شعر از راه تطبیف نفوس، جان آدمی را مهابی زیست اخلاقی می‌سازد: روحی که با زیبایی و هنر مانوس باشد، گذشت و فتوت را روان‌تر از ظلم و کینه‌توزی پذیر می‌شود. پیوند میان زیبایی شعر و لطافت اخلاق، وصول به سعادت را دلپذیرتر و ممکن‌تر می‌گرداند. شاید حدیث نبوی «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِجَّةً» (همانا برخی از شعرها سراسر حکمت‌اند) ناظر به همین ظرفیت قدسی در پیوند صورت هنری با حکمت عملی باشد و شعر حافظ را تزیید‌د والا‌ترین مصداق این معناست.

در ساحت تفکر حافظ، بنیادی‌ترین شالوده امر اخلاقی، عشق ازل انسان به پروردگار است. سعادت و رستگاری که حافظ غالباً از آن به دولت تعبیر می‌کند، پیوندی ناگسستگی با این فیض الهی دارد: گنج عشق خود نهادی در دل ویران ما / سایه دولت بر این گنج خراب انداختی / این ادراک از سعادت، افقی فراخ‌تر از محاسبات خشک فلسفه اخلاق عملی و می‌گشاید؛ چنانکه خود می‌فرماید: مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست / حل این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد و در جایی دیگر درمان رنج وجودی انسان را، نه در خوردزی صرف که در پایدیری بر این درد عاشقانه می‌داند:

یادداشت
محسن جوادی
معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
روز بیستم مهرماه در تقویم فرهنگی ایران به نام «خواجہ شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی» نامگذاری شده است. این یادداشت کوتاه مجالی است برای پاسداشت لسان‌الغیب و تأملی در وجوه اخلاقی شعر او.
شعر هنری است کلامی که پر بنیاد بهره‌گیری از قوه خیال برای آفرینش صورتی زیبا و تابلویی بدیع پدید می‌آید. برخلاف هنرهای تجسمی، جوهره زیبایی در شعر متکی بر کارکردهای زبانی، یعنی آهنگ و معناست. اگر مطابق دسته‌بندی ارسطویی، قوه ناطقه آدمی را به دو شاخه اصلی نظری (با ابعاد سوفیا، اپیستمه و نوس) و عملی (با ابعاد تخنه و فرونسز) تقسیم کنیم، شعر در مرتبه صنعت و ابداع هنری جای می‌گیرد. شعر حتی آن‌گاه که روایتی از واقعیت به دست می‌دهد، ارزش ذاتی‌اش به صدق و کذب دعای نیست، بلکه در گرو زیبایی کلمات و همنشینی معانی است؛ شعر در وهله اول، معرفت‌انتراعی یا شهود محض حقیقت نیست، بلکه شمعاعتی برای آفرینش زیبایی است.
در نقطه مقابل، اخلاق دانشی عملی به شمار می‌رود که غایتش شناخت راه سعادت و هدایت اراده برای پیمودن آن است. از آنجا که سعادت و زیست اخلاقی امری عینی و انضمامی است و مسیر رسیدن به آن نیز با فرصت‌ها و آسیب‌های واقعی درامیخته، همواره این پرسش بنیادین مطرح بوده است که شعر با ماهیت خیال‌انگیز خود، چه نقشی در راهیابی به سرمززل سعادت می‌تواند ایفا کند؟
پاسخ به این پرسش وابسته به بازشناسی جایگاه خیال و زیبایی در ساخت انگیزش اخلاقی است. اگر همانند افلاطون، اخلاق را مبتنی بر ادراک حقایق مثالی و عقلانی صرف بدانیم که آدمی با شناخت آنها به سوی عمل بردانگیز می‌شود، سهم چندانی برای شعر باقی نمی‌ماند؛ گویی در نگاه افلاطونی انگیزشی که یکسره در پرتو عقل برنیاوده باشد، اصالت اخلاقی ندارد. اما هرچه به سمت پذیرش اثر عواطف و تخیل در انگیزش اخلاقی گام برداریم، نقش شعر برجسته‌تر می‌شود. ارسطو جایگاه موسع‌تری برای هنر و شعر در ساخت اخلاق قائل است؛ چه آنکه انگیزش و کنش آدمی را منحصراً در عقل نمی‌داند، بلکه احساسات و

راهی به رموز لسان الغیب

تأملی بر نوآوری‌های بهاء‌الدین خرمشاهی

در کتاب **ذهن و زبان حافظ** به مناسبت روز حافظ



شعر

رویا Moghaddasi

قرن‌هاست که از عصر حافظ گذشته اما هنوز هم در میان هیاهوی دود گرفته و اضطراب جاری در چهارراه‌های این سرزمین، کودکانی با دستانی کوچک و چشمانی زلال پل‌ی شده‌اند میان شاعری از قرن هشتم هجری قمری با مردم امروز؛ همان‌ها که ابیات دیوان لسان‌الغیب را در تکه‌کاغذهای ازان‌به عابران خسته عرضه می‌کنند؛ تصویری که شاید در نگاه نخست، تکراری و بخشی از سیمای روزمره خیابان به نظر برسد اما حقیقتی عریان و تکان‌دهنده از پیوند ناگسستنی این شاعرانست با ناخودآگاه جمعی ما.

بسیستم مهرماه که در تقویم رسمی مایه‌به نام حافظ ثبت شده، بیش از آنکه مجالی برای بزرگداشت‌های آیینی باشد، فرصتی است برای بازنگری در چرایی این حضور تداوم‌یافته و پریشش از اینکه آیا سهم ما از، تنها به همین فروش خیابانی و نقال‌های گذرامحدود می‌شود؟! حقیقت این است که ضرورت حافظ‌پژوهی اصیل، دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از گذار دشوار و ناگزیر از حافظ نامدین و خیابانی به حافظ معرفت‌شناس، ما نیازمند خوانشی هستیم که او را از حصار تفسیرهای ذوقی، انتزاعی و تقلیل‌گرایانه خارج کرده و در یک نظام معرفتی دقیق، بازخوانی کند. اگر بخواهیم

هندسه حیرت

نگاهی به کتاب **گمشده لب دریا** نوشته تقی پورنامداریان

بسیاری از ما، حافظ را چونان مُسکن و مأوایی کهن می‌شناسیم که در آن بالیده‌ایم؛ با سقف بلند غزل‌هایش مانوسیم و بر فرش نقش‌دار ایهام‌هایش، بی‌تکه بداییم، دمی را آسوده‌ایم اما حقیقت تلخ و در عین حال شکوهمند آن است که ما در حافظ، تنها ساکن و ساثر بوده‌ایم و نه عارف و مشاهده‌گر. ما با کلمات او زندگی کرده‌ایم، بی‌آنکه معماری حیرت‌انگیز این بنای کهن را بشناسیم. کتاب «گمشده لب دریا» اثر دکتر تقی پورنامداریان، دریچه‌ای است برای خروج از این تازناپنداری رخوت‌انگیز. پورنامداریان ما را از ساحل امن قرائت‌های سطحی و کلیشه‌ای بیرون می‌کشد و به قلب طوفانی جهانی می‌برد که حافظ در آن، میان ملکوت و خاک، در برزخی ابدی ایستاده است. مطالعه این کتاب یک ضرورت وجودی است برای آن‌که دریابیم چرا حافظ، با وجود قرن‌ها تکرار، همچنان دریایی مانده و ما را تشنه‌لب در حیرت خویش رها کرده است. کتاب «گمشده لب دریا» با عنوان فرعی «تأملاتی در معنی و صورت شعر حافظ»، به قلم دکتر تقی پورنامداریان، یکی از سترگ‌ترین، بنیادین‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین پژوهش‌های ادبی معاصر در حوزه حافظ پژوهی است.

این اثر در شرایطی وارد فضای آکادمیک و نقد ادبی ایران شد که سنت بررسی شعر حافظ میان دو جریان غالب و فرساینده دست و پا می‌زد؛ از یک‌سو شارحان سنتی قرار داشتند که با رویکردی جزه‌نگر، تقلیل‌گرایانه و واژه‌نامه‌ای، غزل را به کالبدی غثله‌شده از ابیات پراکنده تبدیل می‌کردند و با تمرکز صرف بر معنی لغات، شواهد نحوی، صنایع بدیعی و ضبط نسخ، پیگره اندام‌وار شعر را نادیده می‌انگاشتند. از سوی دیگر، خوانش‌های تک‌ساحتی و ایدئولوژیک حاکم بود؛ جریان‌هایی که حافظ را یا عارفی منزوی و شاعر مکتب این عربی می‌دیدند که در تمام ابیاتش در پی تبیین وحدت وجود است یا شاعری کاملاً دنیاگرا، لایقد، خیام‌وار و صرفاً معترض به اوضاع سیاسی عصر آل مظفر. پورنامداریان با درکی عمیق از نارسایی‌های این دو قطب سنتی، پروژهای جامع، منسجم و مبتنی بر ابزارهای نقد ادبی مدرن به‌ویژه ساختارگرایی، فرمالیسم و هرمنوتیک

حافظ را تنها به‌عنوان یک نوستالژی زبانی در حافظه عمومی حفظ کنیم، در واقع به او خیانت کرده‌ایم؛ چراکه فهم کنش‌های خلاق او، درک چرایی گسیختگی‌های ساختاری ظاهری‌اش در غزل و رسیدن به آن پیوند اندام‌وار پنهان در میان ابیات، یک ضرورت تمدنی است تا بتوانیم میراث فکری‌مان را از آسیب‌های خوانش‌های سطحی و عوام‌زدگی فرهنگی مصون نگه داریم. بزرگداشت حافظ، فراتر از همه مناسک تقویمی، تلاشی است برای بازگرداندن تفکر انتقادی و منطق زبانی به بطن جامعه‌ای که وارث بزرگ‌ترین معمار کلام در تاریخ خود است؛ تلاشی برای آن‌که از پس قرن‌ها، دیگر نه‌تنها کلام او را در پیاده‌روها بفروشیم، بلکه او را در ذهن و زبان‌مان به‌گونه‌ای دوباره کشف کنیم.

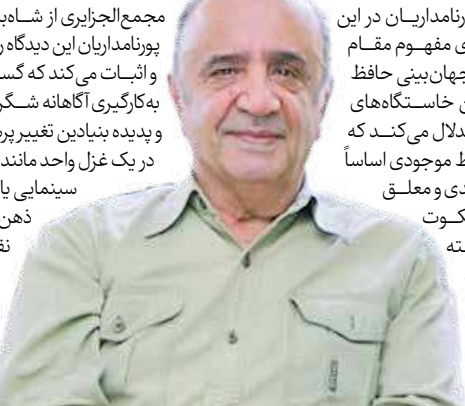
گسست از دوگانه تقدس‌زدگی و مادی‌گرایی

در تاریخ پرفراز و فرود و چندصد ساله حافظ‌پژوهی که همواره در تاقی دو قطب افراطی و تقلیل‌گرایانه در نوسان بوده است، کتاب «ذهن و زبان حافظ» اثر بهاء‌الدین خرمشاهی نقطه عزمیت بنیادینی در گسست از این دوگانه‌ها به شمار می‌آید؛ از یک سو، تذکره‌نویسان کهن و مفسران صوفی‌مشرب، حافظ را قدیسی فرامتنی، فرازمینی و بریده از اقتصادات زیست‌جهان تاریخی‌اش پنداشته‌اند که کلامش یکسره در عوالم تجرید و لاهوت ریشه دارد و هر واژه‌اش تنها در بستر عرفان نظری و نمادهای ماورایی قابل تأویل است؛ از سوی دیگر، گروهی از مادی‌انگاران و منتقدان مدرن، با تقلیل دادن غزل او به موضوع سیاسی صریح، عصبان‌های زودگذر اجتماعی یا صرفاً اشعاری در ستایش

ادبی را سامان داد تا نشان دهد که غزل حافظ، یک ساختار پیچیده زبانی و فکری با سازوکارهای درونی منحصربه‌فرد است.

تمثیل تشنگی بی‌پایان

عنوان کتاب به‌تنهایی نمودی از رویکرد پورنامداریان به شعر حافظ است. این نام‌گذاری که ریشه در بینی از خود حافظ و در سنت تمثیل عرفانی تشنه‌کامی در کنار سرچشمه دارد، موقعیت متناقض نما و سرشار از حیرت مواجعه با متن حافظ را باز می‌تاباند. خواننده و شارح در برابر اقیانوس کلام حافظ همواره در همان ساحل نخستین احساس گمشستگی و محرومیت می‌کند؛ زلالی و جذابیت ظاهری زبان، مخاطب را به خود می‌خواند اما لایه‌های تو در تو، ایهام‌های منشوری و گریزمتن از تک‌معنایی، او را چون گمشده‌ای تشنه‌لب در کنار دریا رها می‌سازد؛ از همین رو، پورنامداریان اثر خود را در پنج فصل نظام‌مند طراحی کرده تا این گمشستگی را به سفری اکتشافی و روش‌مند در کالبدشناسی غزل بدل سازد؛ از بررسی زمینه‌های معنایی و طرافت‌های هنری، تا کشف ساختار و پیوند معنایی ابیات، تشریح نظریه گفت‌وگو و تأویل متن و سرانجام اجرای عملیاتی این مبانی نظری بر غزل مطلع دیوان. هسته سخت اندیشه و نیاواری تئوریک پورنامداریان در این کتاب، صورت‌بندی مفهوم مقام برزخی انسان در جهان بینی حافظ است. او در تبیین خاستگاه‌های فکری شاعر استدلال می‌کند که انسان در نگاه حافظ موجودی اساساً دوزیست، چندبعدی و معلق میان دو قطب ملکوت و خاک است. فرشته و مظهر عقل مجرد و طاعت محض است که از نعمت اختیار و التهاپ عشق محروم



هم زیسته، ترجمه کرده و پژوهیده است؛ حافظ نیز که تخلص جاویدان خود را وامدار در سینه داشتن قرآن در چهارده روایت است، ساختار و اسلوب غزل را از ساختار پالای و نداعی‌گرای سوره‌های قرآن وام گرفته است.

در سوره‌های قرآنی، به‌ویژه در بخش‌های گسترده‌ای از آیات مکی و مدنی، مفاهیم متنوعی از قبیل انذار و تبشیر، تشریح احکام، تمثیل‌های تاریخی، اوصاف قیامت و حکمت‌های اخلاقی با پرش‌های معنایی

و در اوج نتابن مضمونی در کنار یکدیگر می‌نشینند اما در لایه‌ای عمیق‌تر، با حال و هوایی واحد و روحی نامرئی به هم متصل می‌شوند؛ خرمشاهی با ظرفیتی تحلیلی نشان می‌دهد حافظ چگونه همین پیوستگی در عین ناپیوستگی ظاهری را در غزل به اوج کمال رسانده و ساختاری خلق کرده است که در آن، زیبایی‌های متکثر حیات، اصالت، کنش‌های روحی، تاقی عاطفه پرشور و اندیشه فلسفی در قالب قطعاتی الماس‌گون و چندصدایی متبلور می‌شوند.

جریان‌سازی ادبی اثر

کتاب «ذهن و زبان حافظ»، تاریخ پیوسته و زنده تصور حافظ‌پژوهی مدرن ایران به شمار می‌رود که همگام با بلوغ اندیشه مؤلف و جریان‌های ادبی زمانه، گسترش یافته است. سنگ بنای این حرکت سترگ در سال ۱۳۵۶ نهاده شد؛ زمانی که خرمشاهی جوان و دانشور در شماره‌های نشریه معتبر «الغیا» با نگارش نقدی دقیق، استوار و به دور از جنجال‌های ژورنالیستی، به عیارسنجی و نقد روایت احمد شاملو از دیوان حافظ پرداخت و با تسلطی خیره‌کننده نشان داد ذوق آزاد و سلیقه مدرن شاعرانه هرگز نمی‌تواند جایگزین متن‌پژوهی تاریخی، نسخه‌شناسی انتقادی، دستورمندی کهن و بافت فرهنگی عصر حافظ شود. این شجاعت نقادانه در سال ۱۳۶۱ در قالب کتابی با ۵ فصل و ۲ پیوست از سوی نشر نو منتشر شد و در محافل ادبی طوفانی از گفت‌وگو برانگیخت اما مؤلف به این بسنده نکرد و در هر ویراست و بازچاپ، با نگارش جستارها، پاسخ‌ها و تأملات تازه، آقق کتاب را وسعت بخشید تا جایی که در ویراست سوم (چاپ هشتم به بعد) این اثر به گنجینه‌ای شامل ۵۱ مقاله و گزارش رُف ارتقا یافت و از سوی منتقدان و دانش‌گهان، به شایستگی عنوان «دانشنامه حافظ» را دریافت کرد؛ اثری که در این کتاب دو جلدی و کرانسنگ دیگر خرمشاهی یعنی «حافظ‌نامه»، ارکان اصلی حافظ‌پژوهی معاصر را شکل داده است. آنچه ارزش علمی و منحصربه‌فرد این اثر از دو چندان می‌کند، وسعت دامنه موضوعی و شجاعت مؤلف در ورود به نقد آرای بزرگان و دیالوگ با تمامی نخله‌های فکری است. خرمشاهی در «ذهن و زبان حافظ» از یک سو به کالبدشکافی زبان‌شناختی، ایهام‌های شگفت‌انگیز، صنعت کربتایی، دگرخوانی‌ها و ایجازهای اعجازگون شعر حافظ دست می‌زند و از سوی دیگر، طنز حافظ را نه یک شوخ‌طبعی تقهنی، بلکه یک شوگرد زندانه، ساختارشکن و سلاحی اخلاقی علیه ریا، نفاق و زهدفروشی زمانه معرفی می‌کند.

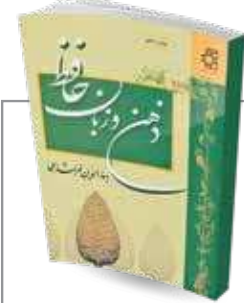
مؤسرب ملامتی حافظ را با موشکافی شرح می‌دهد و اثبات می‌کند تظاهر به باده‌دوشی و عصبان، در حقیقت راهبردی اخلاقی برای مصون ماندن از



به محاکمه می‌کشد. پورنامداریان نشان می‌دهد اگر بدهد این تغییر ضمایر و خطاب‌ها کنار برود، پیوند اندام‌وار و رشته ناندینی معنا که تمام ابیات را حول یک تجربه دراماتیک واحد گرد آورده، خود را آشکار می‌سازد.

در ساحت صورت و طرافت‌های هنری، نویسنده با نگاهی کالبدشکافانه به سازوکار تولید معنا می‌پردازد. او از بررسی واژگان فراتر رفته و به سطح ریزساختارهای صوتی نفوذ می‌کند؛ جایی که نشان می‌دهد چگونه تناسبات آوایی، تقارن صامت‌ها، مصوت‌ها و موسیقی درونی کلمات، نوعی اتمسفر معنایی ناخودآگاه خلق می‌کنند و ایهام‌های چندلایه را به ابزاری برای پیوند سطوح بیرونی و درونی شعر بدل می‌سازند. پورنامداریان غزل حافظ را امتنی گسترش‌ده و آماده برای دیالوگ هرمنوتیکی می‌داند؛ متنی که در آن مؤلف معنا را به شکل بسته‌بندی‌شده به خواننده تحویل نمی‌دهد، بلکه خواننده را در مقام شریک فعال در خلق واقعه شعری و کشف معانی نو قرار می‌دهد. نقطه عطف این مباحث، فصل پایانی کتاب است که در آن، تمامی این نظریات سنگین تئوریک بر کالبد غزل منتقدان به‌درستی اشاره کرده‌اند که متن کتاب دچار اطباب مفرط، جمله‌بندی‌های طولانی، ساختارهای نحوی پیچیده و تکرار خسته‌کننده برخی مفاهیم است؛ ویژگی‌هایی که روانی متن را کاهش داده و ارتباط با ایده‌های درخشان کتاب را برای پژوهشگران دشوار می‌سازد.

با این همه، رفا و اهمیت یک اثر پژوهشی کلاسیک تنها در دستاوردهای اثباتی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه در دامنه مناقشات، نقدهای علمی و گفت‌وگوهایی است که در جامعه ادبی برمی‌انگیزد. کتاب «گمشده لب دریا» نیز در کنار تحسین‌های گسترده، هدف نقدهای بنیادین از سوی محققان قرار گرفته است. نخستین لایه نقد به فرم زبانی و نثر خود اثر بازمی‌گردد؛ منتقدان به‌درستی اشاره کرده‌اند که متن کتاب دچار اطباب مفرط، جمله‌بندی‌های طولانی، ساختارهای نحوی پیچیده و تکرار خسته‌کننده برخی مفاهیم است؛ ویژگی‌هایی که روانی متن را کاهش داده و ارتباط با ایده‌های درخشان کتاب را برای پژوهشگران دشوار می‌سازد. در بعد نظری و محتوایی نیز مناقشات جدی‌تری مطرح شده است. برخی منتقدان باور دارند که پورنامداریان با تکیه بیش از حد بر میراث عرفان نظری و متون تصوف اسلامی، شعر حافظ را تا حدی در حصار قالب‌های



ذهن و زبان حافظ
 ● نویسنده: **بهاء‌الدین خرمشاهی**
 ● انتشارات: **ناهید**
 ● تعداد صفحات: **۷۰۷ صفحه**
 ● قیمت: **۹۵۰۰۰۰ تومان**

ورطه خویشتن‌پرستی زاهدانه بوده است؛ هم‌زمان به واکاوی نسبت حافظ با مقوله گناه و توبه، امید به رحمت لایزال، اندیشه مدارا و تساهل، پیوندهای وثیق و باطنی او با تشیع و عرفان زنده و نیز شرح عالمانه ابیات دشوار و گرهِ خورده دیوان می‌پردازد.

اوج درخشش «ذهن و زبان حافظ» در نقدهای تطبیقی و عیارسنجی کارنامه چهره‌های نامدار حافظ‌شناسی معاصر تجلی یافته است؛ جایی که خرمشاهی در ترازوی بی‌طرفانه علم و ادب، آثار بزرگانی چون هوشنگ ابتهاج (سایه)، دکتر سلیم نیساری، شاهرخ مسکوب و در «روی دوست»، داریوش آشوری در پژوهش‌های اسطوره‌شناختی اش، دکتر مصطفی رحیمی و خوانش‌های اگزیستانسیالیستی‌اش و آثار محمد استعلامی و احمد سهیلی خوانساری را با احترامی عمیق اما نقدی بی‌تعارف به داوری می‌نشیند تا یادآور شود حافظ‌شناسی میدانی پویا و متکثر است.

پشتوانه نظری اثر

پایه‌های استوار این احاطه همه‌جانبه، ریشه در زیست علمی و سوابق کم‌نظیر بهاء‌الدین خرمشاهی دارد. او سال ۱۳۴۳ در سال سوم تحصیل، با درکی عمیق از رسالت روحی خویش، پزشکی را رها کرد و همراه دوست و همراه همیشگی‌اش کامران فانی، پای در بوستان ادبیات فارسی گذاشت و سپس با تحصیل در مقطع فوق لیسانس کتابداری دانشگاه تهران (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲) و فعالیت در مرکز خدمات کتابداری، به روش‌های مدرن طبقه‌بندی دانش و ماخذشناسی مسلط شد. خرمشاهی توفیق آن را داشت که در محضر بزرگ‌ترین استادان ادب و معرفت اسلامی سده اخیر زانو بزند؛ استادانی نامدار چون ذبیح‌الله صفا، پرویز ناتل خانلری، سید جعفر شهیدی، مهدی محقق، سید صادق گوهرین، عبدالحمید بدیع‌الزمانی کردستانی و فقیه و حکیم یگانه‌آل‌الله ابوالحسن شعرانی. افزون بر این، او پیوند عمیق و روش‌شناختی خود در حوزه پژوهش‌های قرآنی را وامدار استاد سید علی کمالی دزفولی و کتاب بنیادین «قانون تفسیر» می‌داند. ترکیب این پشتوانه‌ها از خرمشاهی چهره‌ای جامع‌الاطراف ساخت؛ غصو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مترجم قرآن و آثار فلسفی، فرهنگ‌نویس، دانشنامه‌نگار، شاعر و طنزپرداز صاحب‌سبک. در تحلیل نهایی، کتاب «ذهن و زبان حافظ» و به همت نشر ناهید در اختیار پژوهشگران و ادب‌دوستان قرار گرفته، فراتر از یک درس‌نامه یا کتاب مرجع دانشگاهی، منظومه‌ای روش‌شناختی برای فهم یک نایفه زبانی است. این اثر اثبات می‌کند برای کشف راز ماندگاری حافظ، ما نیاز به توالی از قایق متن‌پژوهی، تاریخ، دستورزبان و نسخه‌شناسی چشم‌پوشی کرد و نه می‌توان بدون درک جهان‌بینی و حیانی، روحیه ملامتی و شور و رندی او به خلوت کلامش راه یافت. خرمشاهی در این شاهکار ماندگار، با زبانی شیوا، نثری روان و استدلالی استوار، چراغی برافروخته که راهنمای هر رهرویی است که سودای عبور از پوسته سطحی و عامه‌پسند اشعار خواجه و راه یافتن به اعماق ذهن پیچیده و زبان سحرانگیز لسان‌الغیب شیراز را در سر دارد.

از پیش تعیین‌شده محبوس کرده و وجه اومانستی، عصیانگر، زمینی و شادی‌جوینه او را کم‌رنگ ساخته است. بر اساس این دیدگاه‌های انتقادی، جهان فکری حافظ را نمی‌توان فقط در وضعیت ثابتی به نام مقام برزخی خلاصه کرد، بلکه سیر فکری او حرکتی پیوا و پرفراز و نشیب بوده که از جریمت و بنداری تقلیدی در جوانی آغاز شده، به بیابان دهشتناک شک، اضطراب و حیرت عمیق فلسفی رسیده و گاه در قالب احوالی درخشان و گذرا، طعم تجارب ناب و اشراقی یقین را چشیده و ستایشگر زندگی زمینی شده است. همچنین، نقدهایی بر کم‌توجهی اثر به تبارشناسی اسطوره‌ای ایران باستان و مفاهیمی چون پیرامن، جام جم و خسروانبات مطرح است که نشان می‌دهد حافظ چگونه این نمادهای کهن را در برابر زهد ربایی عصر خود بازآفرینی کرده است.

با همه این ابعاد، «گمشده لب دریا» را باید بی تردید یکی از درخشان‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای نقد ادبی معاصر ایران دانست. دکتر پورنامداریان با این اثر، استاندارد جدیدی در حافظ‌پژوهی پی ریخت و نشان داد که عبور از پوسته ظاهری شعر بیرون مجهر بودن به دانش نظری و تحلیل ساختاری ناممکن است. این کتاب اثبات کرد که غظمت حافظ در معماری چندوجهی زبانی و اندیشگی اوست؛ بنایی سترگ که فهم آن نیازمند فرارفتن از ساحل امن و شجاعت غواصی در اعماق سهمگین این دریای بی پایان است.



گمشده لب دریا
 تأملی در معنی و صورت شعر حافظ
 ● نویسنده: **تقی پورنامداریان**
 ● انتشارات: **سخن**
 ● تعداد صفحات: **۵۱۴ صفحه**
 ● قیمت: **۲۵۰۰۰۰۰ تومان**

چگونه

حافظ بخوانیم؟



اسماعیل مینوی

دیوان حافظ در همه خانه‌ها هست، در همه مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها هست. ایرانیان هر جای دنیا که باشند وقتی دور هم جمع شوند شعری از حافظ می‌خوانند و درباره آن حرف می‌زنند و من می‌خواهم در این نوشته تجربه‌های خودم را از خواندن دیوان حافظ بیان کنم، برای کسانی که دوست دارند با شعر حافظ آشنا شوند.

گام اول این است که چاپ و تصحیح معتبری از دیوان حافظ داشته باشیم. با کمی جست‌وجو می‌توانیم نسخه‌ای معتبر و مناسب بیابیم. اگر می‌خواهیم شعر حافظ را درست و دقیق بخوانیم، می‌توانیم از نسخه‌های صوتی که با صدای استادان حافظ شناس تهیه شده استفاده کنیم؛ البته تعدادی از گویندگان و چهره‌های رسانه‌ای نیز شعرهای حافظ را خوانده و منتشر کرده‌اند که غالباً بی‌دقت است.

معمولاً هنگام خواندن شعر، نگرانیم که خطا کنیم و دیگران به ما بخندند. برای رهایی از این نگرانی می‌توانیم چند شعر را با صدای خودمان ضبط کنیم و طرز خواندن‌مان را با شنیده شعرخوانی استادان مقایسه کنیم و به‌تدریج خطاهای شعرخوانی‌مان را تصحیح کنیم. یک نگرانی دیگر این است که چون بسیار شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که شعر حافظ سرشار از معانی عمیق است و پراز رمز و رازهای سخجوری، بنابراین ما که به آن همه زیبایی و حکمت و عرفان دسترسی نداریم، نمی‌توانیم از شعر حافظ لذت ببریم.

از آنجا که درباره حافظ بسیار مقاله‌ها و کتاب‌ها خوانده و شعرهای گوناگون شعر حافظ را با اشتیاق مطالعه کرده‌ام می‌توانم این را بگویم که شعر، بیش از هر چیز برای خواندن است، نه برای معنی کردن. مانند قدم زن در دشت پراز گل‌های رنگارنگ است.



در لحظه لذت بردن از تماشای گل، لازم نیست که دانش گیاه‌شناسی را به یاد بیاوریم و حتی لازم نیست نام گل‌ها را بدانیم. ما شعر می‌خوانیم و خود را به موسیقی کلمات می‌سپاریم. آیا می‌خواهم بگویم که آن همه معانی، اشاره‌ها، کنایه‌ها، ایهام‌ها، دوگانه‌خوانی‌ها و رندی‌های شعر حافظ، چندان مهم نیست؟ روشن است که همه این چیزهایی که نوشته‌بخشی از آن زیبایی یک شعر را می‌سازند، پس هر یک را که بیاموزیم دامنه بهره‌مندی‌مان از شعر گسترده‌تر می‌شود. اما بیش از همه آنها، شعر می‌خوانیم تا در زیبایی سخن زبان و جهانی دیگر را تجربه کنیم و از آنچه عادی و تکراری است، فاصله بگیریم.

در این میان عجیب این است که برخی از شرح‌ها و تفسیرهای شعر حافظ اتفاقاً برای آن است که آن زبان و جهان گریزان از تکرار و عادت را طوری بازخوانی کنند که با یکی از ساختارهای شناخته‌شده و عادت‌شده، منطبق شود. راستش را بخواهید شعر حافظ مانند همه شعرهای خوب و خلاقانه، به شدت عادت‌گریز است و از زبان معمولی و دست‌فروسد رهمیز دارد، از این رو بهتر است وقتی شعر می‌خوانیم، خودمان را برای دیدن و شنیدن و حس کردن چیزهایی آماده کنیم که غریب و ناشناخته و حتی ناسازگار به نظر می‌رسند و هر جا دیدیم و شنیدیم و خواندیم که برای آموختن اشعار حافظ آنها را به موضوعات دلخواه خود یا پسند روزگار تطبیق می‌دهند، بی‌اعتنایی کنیم و بگذریم.

● خبر خودرو

گواهی اسقاط موتورسیکلت فرسوده به ۷۲ میلیون تومان رسید



رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده گفت: «با اصلاح آیین‌نامه ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو، برای هر موتورسیکلت فرسوده دو گواهی اسقاط به ارزش مجموع ۷۲ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.»

حسن کریمیان با اشاره به افزایش ارزش گواهی اسقاط موتورسیکلت‌های فرسوده افزود: «در آیین‌نامه قبلی، مبلغ اختصاص یافته به موتورسیکلت‌های فرسوده ناچیز بود، اما با اصلاح آیین‌نامه، برای هر موتورسیکلت فرسوده دو گواهی اسقاط در نظر گرفته شده که ارزش هر گواهی ۳۶ میلیون تومان است.» او گفت: «صاحبان موتورسیکلت‌های فرسوده با ثبت‌نام در سامانه ستاد نوسازی ناوگان حمل‌ونقل و اسقاط خودروهای فرسوده می‌توانند در طرح نقدی یا طرح جایگزینی موتورسیکلت فرسوده با موتورسیکلت نو شرکت کنند.» رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده کشور افزود: «در طرح نقدی، پس از طی مراحل اداری و احراز هویت توسط پلیس راهور فراجا، دو گواهی اسقاط به ارزش ۷۲ میلیون تومان به مالک موتورسیکلت فرسوده پرداخت می‌شود.»

کریمیان ادامه داد: «در طرح جایگزینی، اگر مالک موتورسیکلت فرسوده، موتورسیکلت بینزینی را انتخاب کند، دو گواهی اسقاط معادل ۷۲ میلیون تومان برای او محاسبه می‌شود و در صورت انتخاب موتورسیکلت برقی، چهار گواهی اسقاط به ارزش ۱۴۴ میلیون تومان در نظر گرفته خواهد شد. در این طرح، متقاضی می‌تواند با استفاده از تسهیلات کم‌بهره، موتورسیکلت جدید دریافت کند.»

به گزارش صدا و سیما، او اصلاح آیین‌نامه ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو را یکی از اقدامات مؤثر در تسریع روند اسقاط دانست و گفت: «یکی از ایرادات آیین‌نامه قبلی، مغایرت آن با قانون بود؛ به‌گونه‌ای که قانون، اسقاط یک خودروی فرسوده به ازای شماره‌گذاری چهار خودروی نو را پیش‌بینی کرده بود، اما در عمل به ازای شماره‌گذاری ۱۲ خودروی نو، یک خودروی فرسوده از رده خارج می‌شد.»

کریمیان افزود: «این موضوع روند اسقاط خودروهای فرسوده را کند کرده بود، اما با اصلاح آیین‌نامه، شماره‌گذاری خودروهای جدید و اسقاط خودروهای فرسوده بر اساس قانون انجام می‌شود.» رئیس انجمن مراکز اسقاط خودروهای فرسوده با اشاره به افزایش ظرفیت اسقاط گفت: «پس از اصلاح آیین‌نامه، میزان اسقاط روزانه در مراکز از حدود ۶۰۰ دستگاه به ۲ هزار خودروی فرسوده رسیده است.»

● ماشین وارداتی

بازگشت نیسان تیانا به موتور ۲۴۳ اسب بخاری



نیسان تیانا برای بازار ایران نام ناآشنایی نیست. نسل دوم این سدان ژاپنی در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۹۰ وارد کشور شد و حتی مدتی روی خط مونتاژ پارس خودرو قرار گرفت. هرچند حضور تیانا در بازار ایران چندان دوام نداشت، اما سواری نرم، کابین جادار و جایگاه برند نیسان باعث شد این خودرو در خاطره بسیاری از خریداران باقی بماند. حالا تیتا مدل ۲۰۲۶ با تغییراتی در بخش فنی، طراحی داخلی و تجهیزات ایمنی بازگشته؛ سدانی که در کنار حفظ ماهیت خانوادگی خود، به فناوری‌های جدید نیز مجهز شده است. نیسان تیانا ۲۰۲۶ در نسخه مورد نظر گرانو اسپیکو با یک موتور چهار سیلندر ۲ لیتری VC-Turbo استفاده می‌کند که توان تولید ۲۴۳ اسب بخار قدرت و ۳۷۱ نیوتن‌متر گشتاور را دارد. در نسخه مورد نظر گرانو اسپیکو با یک موتور ۵۴۰۰ دور در دقیقه و بیشترین گشتاور در دور ۴۴۰۰ در دقیقه در دسترس قرار می‌گیرد. نیروی موتور از طریق گیربکس CVT با قابلیت شبیه‌سازی هشت دنده به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود. حداکثر سرعت این سدان ۲۲۵ کیلومتر بر ساعت و مصرف سوخت ترکیبی اعلام‌شده آن ۷.۱۲ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است.

در فضای داخلی، نمایشگر مرکزی ۱۵.۶ اینچی و صفحه نمایش دیجیتالی ۱۰.۲۵ اینچی مقابل راننده، مهم‌ترین تغییرات قابل توجه تیانا نسبت به نسل‌های قدیمی‌تر هستند. این ترکیب، کابین خودرو را با الگوی رایج در محصولات جدید هماهنگ کرده و دسترسی به اطلاعات و امکانات دیجیتال را در اولویت قرار داده است.

بخش ایمنی نیز با مجموعه‌ای از تجهیزات فعال و سامانه‌های کمک‌راننده تقویت شده است. دوربین عقب، سیستم دید ۳۶۰ درجه با شش دوربین، هشت حسگر اولتراسونیک و حسگرهای پارک جلو و عقب، به راننده در کنترل محیط اطراف کمک می‌کنند. تشخیص نقاط کور، هشدار خروج از خط، هشدار خستگی راننده، کروز کنترل تطبیقی، هشدار برخورد از جلو و تشخیص علائم جاده‌ای نیز در فهرست امکانات این خودرو قرار دارند. سامانه‌های حفظ خودرو بین خطوط و مرکز‌نگه داشتن آن در مسیر، در کنار تجهیزات کنترلی شامل ABS، EBD، کمک ترمز، کنترل کشش و کنترل پایداری، مجموعه ایمنی تیانا را تکمیل می‌کنند. با این مشخصات، تیانا ۲۰۲۶ در کنار فضای مناسب یک سدان خانوادگی، از توان فنی قابل توجه و امکاناتی برخوردار است که می‌تواند آن را به یکی از گزینه‌های مطرح در میان سدان‌های وارداتی این رده تبدیل کند؛ هرچند جایگاه نهایی آن در بازار ایران به قیمت عرضه و شرایط خدمات پس از فروش نیز بستگی خواهد داشت.

بررسی کارنامه خودروسازان در نیمه اول ۱۴۰۵

تولید در مسیر اصلاح، واردات در مسیر توسعه، مونتاژی‌ها به سمت تولید داخلی بیشتر



نمی‌تواند درباره روند ماه‌های آینده حکم قطعی صادر کند.

● گزارش

گروه خودرو

شش ماه اول سال ۱۴۰۵ برای صنعت خودرو با تغییراتی همراه بود که تصویر این صنعت را با سال‌های گذشته متفاوت کرد. تولید خودرو در این دوره نسبت به نیمه اول سال گذشته کاهش یافت، در مقابل مسیر واردات خودرو فعال‌تر شد و خودروسازان نیز در تلاش بودند با مدیریت شرایط تولید، بخشی از ظرفیت خود را حفظ کنند. در چنین شرایطی، بررسی عملکرد صنعت خودرو تنها با نگاه به میزان تولید کامل نمی‌شود؛ چرا که هم‌زمان ترکیب عرضه، سهم خودروسازان، وضعیت شرکت‌های خصوصی و روند واردات نیز در حال تغییر بوده است. تولید خودروهای سواری ایران در نیمه اول سال ۱۴۰۵ با افت همراه شده است. براساس آمار وزارت صمت، در شش‌ماهه اول امسال ۲۹۶ هزار و ۴۰۹ دستگاه خودروی سواری در کشور تولید شده است. صنعت خودرو تنها به خطوط مونتاژ محدود نمی‌شود و تولید نهایی نتیجه عملکرد زنجیره‌ای از تأمین مواد اولیه، قطعات، منابع مالی، برنامه تولید و دسترسی به نهادهای مورد نیاز است. بنابراین تغییر تیراژ در یک دوره شش‌ماهه لزوماً به معنای تغییر دائمی ظرفیت تولید نیست. با این حال، نکته مهم در بررسی عملکرد امسال، تغییر شرایط در شش ماه است. تولید شرکت‌ها در همه ماه‌ها یکسان نبوده و در برخی مقاطع، افزایش تیراژ ماهانه مشاهده شده است. برای نمونه، گزارش عملکرد شه‌ریور ایران خودرو از افزایش تولید نسبت به ماه قبل حکایت دارد. این اتفاق می‌تواند نشانه‌ای از تلاش شرکت برای تقویت جریان تولید در نیمه دوم سال باشد.

از این منظر، آمار شش‌ش‌ماهه را باید یک تصویر مقطعی دانست؛ تصویری که عملکرد شش ماه گذشته را نشان می‌دهد، اما به‌تنهایی

واردات: مکمل تولید داخلی

در سسوی دیگر صنعت خودرو، واردات در نیمه اول امسال روند متفاوتی را تجربه کرد. آمار گمرکی پنج ماه اول سال نشان می‌دهد حدود ۲۵ هزار دستگاه خودرو وارد کشور شده که ارزش آنها نزدیک یک میلیارد دلار بوده است. تعداد خودروهای واردشده در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته افزایش داشته و

ارزش دلاری واردات نیز رشد بیشتری را ثبت کرده است. افزایش واردات را می‌توان یکی از مهم‌ترین تغییرات سمت عرضه در سال جاری دانست. پس از چند سال که بازار خودرو عمدتاً بر تولید داخلی و مونتاژ متکی بود، اکنون خودروهای وارداتی سهم فعال‌تری در برنامه عرضه پیدا کرده‌اند. البته میان «واردات» و «عرضه در بازار» تفاوت وجود دارد. خودرو پس از ورود به کشور باید مراحل ترخیص، شماره‌گذاری و عرضه را پشت سر بگذارد و در برخی موارد نیز فراهم‌کردن شبکه خدمات پس از فروش اهمیت‌پیدای می‌کند. بنابراین اثر واقعی افزایش واردات زمانی مشخص خواهد شد که خودروهای بیشتری به مرحله عرضه نهایی برسند. نکته دیگر، تغییر ترکیب خودروهای وارداتی است. افزایش ارزش واردات با سرعتی بیشتر از رشد تعداد خودروها نشان می‌دهد متوسط ارزش خودروهای واردشده نیز نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است. این موضوع می‌تواند به معنای تغییر در ترکیب محصولات و افزایش سهم خودروهای با ارزش بالاتر در سید واردات باشد.



صنعت خودرو در نیمه نخست ۱۴۰۵ در واقع وارد مرحله‌ای شده که در آن سه مسیر تولید داخلی، مونتاژ و واردات بیش از گذشته در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند

در کنار خودروهای نو، واردات خودروهای کارکرده نیز در سال جاری وارد مرحله جدی‌تری شده است. ثبت سفارشات تعدادی از این خودروها و قرار گرفتن بخشی از آنها در مسیر ورود به کشور نشان می‌دهد این طرح از مرحله سیاست‌گذاری فاصله گرفته و به سمت اجرا حرکت کرده است. اهمیت خودروهای کارکرده در این است که می‌توانند بخشی متفاوتی از تقاضای بازار را پوشش دهند. خودروهای صفروارداتی معمولاً به دلیل هزینه‌های واردات و قیمت تمام‌شده در محدوده بالاتری قرار می‌گیرند، در حالی که خودروهای کارکرده می‌توانند دامنه انتخاب را برای گروه دیگری از متقاضیان افزایش دهند. البته موقعیت این مسیر به چند عامل وابسته است؛ از جمله سرعت ثبت سفارش و ترخیص، قیمت تمام‌شده، شرایط خدمات پس از فروش و میزان استقبال واردکنندگان. بنابراین نیمه دوم سال می‌تواند تصویر روشن‌تری از جایگاه خودروهای کارکرده در بازار ارائه کند.

قطعه‌سازی: حلقه تعیین‌کننده

در بررسی تولید خودرو، یکی از بخش‌هایی که کمتر در آمار نهایی دیده می‌شود اما نقش مهمی دارد، زنجیره قطعه‌سازی است. یک خودرو حاصل فعالیت مجموعه بزرگی از قطعه‌سازان است و هرگونه تغییر در تأمین مواد اولیه، قطعات وارداتی، منابع مالی یا حمل‌ونقل می‌تواند بر برنامه تولید خودروساز اثر بگذارد. در سال جاری، مدیریت زنجیره تأمین اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

خودروسازان برای افزایش تولید در نیمه دوم سال نیازمند ثبات بیشتر در تأمین قطعات هستند و قطعه‌سازان نیز برای افزایش ظرفیت خود به جریان نقدینگی و امکان برنامه‌ریزی نیاز دارند. از این رو، یکی از پیش‌شرط‌های افزایش تولید در ماه‌های آینده، هماهنگی بیشتر میان خودروساز و قطعه‌ساز است. هر اندازه این زنجیره منسجم‌تر عمل کند، امکان استفاده از ظرفیت‌های موجود تولید نیز افزایش خواهد یافت.

بازار در انتظار عرضه بیشتر

تغییرات تولید و واردات در نهایت خود را در بازار خودرو نشان می‌دهد. کاهش تولید داخلی از یک‌سو و افزایش واردات از سوی دیگر، باعث شده ترکیب عرضه در بازار نسبت به گذشته تغییر کند. برای مصرف‌کننده، آنچه اهمیت دارد تعداد خودروهایی است که در نهایت به بازار می‌رسد، نه صرفاً تعداد خودروهای تولیدشده یا واردشده. به همین دلیل، نیمه دوم سال از این نظر اهمیت زیادی دارد که مشخص می‌کند چه میزان از ظرفیت تولید داخلی بآزایی می‌شود و چه تعداد خودروی وارداتی به مرحله عرضه نهایی خواهد رسید. افزایش عرضه، در صورت تحقق، می‌تواند به متعادل‌تر شدن فضای بازار کمک کند. در مقابل، هرگونه تأخیر در تولید یا عرضه می‌تواند اثرگذاری سیاست‌های افزایش عرضه را به تعویق بیندازد.

نیمه دوم: زمان سنجش برنامه‌ها

کارنامه صنعت خودرو در شش ماه اول سال ۱۴۰۵ را نمی‌توان صرفاً با یک واژه مانند «کاهش» یا «رشد» توصیف کرد. واقعیت این است که تولید داخلی نسبت به سال گذشته کاهش داشته، اما هم‌زمان مسیر واردات فعال‌تر شده و ساختار عرضه در حال تغییر است. بخش خصوصی نیز اگرچه افت تولید را تجربه کرده، اما در میان شرکت‌ها تفاوت عملکرد قابل‌توجهی دیده می‌شود. اکنون مهم‌ترین موضوع برای نیمه دوم سال، بازگشت تدریجی تولید به ظرفیت‌های بالاتر و استمرار جریان واردات است. در کنار این، دو تقویت زنجیره تأمین و تسهیل فعالیت قطعه‌سازان نیز نقش مهمی در تحقق برنامه‌های تولید خواهد داشت. صنعت خودرو در نیمه اول ۱۴۰۵ در واقع وارد مرحله‌ای شده که در آن سه مسیر تولید داخلی، مونتاژ و واردات بیش از گذشته در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اگر این سه مسیر در نیمه دوم سال با برنامه‌ریزی منسجم‌تری ادامه پیدا کنند، بازار می‌تواند از عرضه متنوع‌تری برخوردار شود و فضای رقابتی نیز تقویت شود.

به این ترتیب، شاید مهم‌ترین ویژگی نیمه اول امسال نه صرفاً کاهش تیراژ، بلکه تغییر آرایش صنعت خودرو باشد؛ تغییری که نتیجه نهایی آن را باید در عملکرد شش ماه دوم و میزان عرضه واقعی خودرو به بازار سنجید.

● تاریخچه شرکت‌ها

بن‌تلی؛ پیوند قدرت و اشرافیت

از پیست لمان تا جاده‌های لوکس جهان



بن‌تلی یکی از نام‌های شناخته‌شده صنعت خودروی بریتانیاست؛ برندی که از ابتدا تلاش کرد میان قدرت فنی، کیفیت ساخت و تجمل تعادل برقرار کند. داستان این خودروساز به سال ۱۹۱۹ بازمی‌گردد؛ زمانی که والتر اوون بن‌تلی، مهندس انگلیسی علاقه‌مند به موتور و مسابقات، شرکت بن‌تلی موتورز را در لندن بنیان گذاشت. هدف او ساخت خودرویی بود که هم سریع و قابل اعتماد باشد و هم از نظر مهندسی، جایگاهی بالاتر از رقبای خود داشته باشد. تجربه بن‌تلی در طراحی موتورهای هواپیما طی جنگ جهانی اول، نقش مهمی در شکل‌گیری نگاه مهندسی او داشت. اولین نمونه‌های آزمایشی شرکت در همان سال معرفی شدند و مدل سه‌لیتری بن‌تلی در سال ۱۹۲۱ به مرحله تولید رسید. این خودرو با موتور چهارسیلندر و ساختاری پیشرفته برای زمان خود، پایه شهرت برند را بنا کرد.

گروه خودرو

مسابقه: بخشی از هویت بن‌تلی

بن‌تلی از همان سال‌های اول، مسابقات اتومبیلرانی را فرصتی برای اثبات توانایی‌های فنی خود می‌دانست. حضور در رقابت‌های استقامتی و ویژه مسابقه ۲۴ ساعته لمان، این شرکت را به نامی معتبر در میان علاقه‌مندان خودرو تبدیل کرد. اولین پیروزی بن‌تلی در سال ۱۹۲۴ رقم خورد و موفقیت‌های بعدی، جایگاه آن را تثبیت کرد. در دهه ۱۹۲۰، گروهی از رانندگان و علاقه‌مندان ثروتمند خودرو که بعدها به «پسران بن‌تلی» معروف شدند، با خودروهای این برند در مسابقات شرکت می‌کردند. بن‌تلی در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۰ پنج بار قهرمان لمان شد. مدل اسپید سیکس، بویژه با پیروزی‌های سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰، به یکی از نمادهای تاریخ این شرکت تبدیل شد. با وجود این موفقیت‌ها، توسعه محصولات و هزینه‌های بالای تولید فشار زیادی بر منابع مالی شرکت وارد کرد. بحران اقتصادی اوایل دهه ۱۹۳۰ نیز شرایط را دشوارتر ساخت و بن‌تلی در سال ۱۹۳۱ با بحران مالی روبه‌رو شد.

از رولزرویس تا فولکس واگن

در سال ۱۹۳۱، رولزرویس، بن‌تلی را خریداری کرد. پس از این اتفاق، تولید خودروها به کارخانه‌ای در داربی منتقل شد و هویت بن‌تلی در سال‌های بعد بیش از گذشته با خودروهای لوکس و تشریفاتی گره خورد. هرچند با ورود این شرکت به بخش زیرساخت‌ها به یکدیگر نزدیک بودند، بن‌تلی همچنان بر ترکیب توان حرکتی بالا و تجمل تأکید داشت. جنگ جهانی دوم تولید خودروهای سواری را متوقف کرد و کارخانه کرو، که ابتدا برای ساخت موتور هواپیما ایجاد شده بود، بعدها به مرکز اصلی تولید بن‌تلی تبدیل شد. تولید خودرو در این مجموعه از سال ۱۹۴۶ آغاز شد. مدل مارک شش اولین محصول بن‌تلی در این کارخانه بود و به گسترش بازار شرکت کمک کرد. رولزرویس و بن‌تلی در دهه‌های بعد مدل‌هایی با طراحی کلاسیک و تجهیزات پیشرفته عرضه کردند. با این حال، تغییر مالکیت در سال ۱۹۹۸ فصل تازه‌ای در تاریخ این برند گشود. گروه فولکس‌واگن، بن‌تلی را خریداری کرد و سرمایه‌گذاری در کارخانه، فناوری و توسعه محصولات و بازاریابی این تحول به شرکت امکان داد جایگاه خود را در بازار جهانی خودروهای لوکس تقویت کند.

بن‌تلی در عصر جدید

از مهم‌ترین محصولات بن‌تلی در دوران معاصر می‌توان به کان‌تینتال جی‌تی، فلائینگ اسپور، مولسان و بنتایگا اشاره کرد. کان‌تینتال جی‌تی با ترکیب طراحی کوبه، توان حرکتی بالا و کابینی دست‌ساز، نقش مهمی در گسترش مشتریان برند داشت. بنتایگا نیز که در سال ۲۰۱۵ معرفی شد، ورود بن‌تلی به بازار شاسی‌بلندهای لوکس را رقم زد؛ بازاری که بعدها به یکی از بخش‌های مهم صنعت خودرو تبدیل شد. بن‌تلی در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تغییر مسیر صنعت خودرو به سمت کاهش آلایندگی، توسعه سامانه‌های هیبریدی و برقی را دنبال کرده است. نسل چهارم کان‌تینتال جی‌تی که در سال ۲۰۲۴ معرفی شد، از قوای محرکه هیبریدی بهره می‌برد و نشان می‌دهد این شرکت قصد دارد عملکرد بالا را با فناوری‌های جدید ترکیب کند.

حضور بن‌تلی در ایران

بن‌تلی در ایران برخلاف برخی برندهای شناخته‌شده اروپایی، شبکه رسمی و گسترده فروش و خدمات پس از فروش ندارد. با این حال، خودروهای این شرکت از مسیر واردات محدود و عمدتاً توسط بخش خصوصی وارد کشور شده‌اند. نمونه‌هایی از کان‌تینتال، فلائینگ اسپور و بنتایگا در بازار ایران، بیشتر در محدوده مشتریان خاص و خودروهای بسیار گران‌قیمت قابل مشاهده است. محدودیت‌های واردات، تحریم‌ها، دشواری تأمین قطعات و نبود شبکه رسمی خدمات، نگهداری این خودروها را با چالش روبه‌رو می‌کند. بنابراین، حضور بن‌تلی در ایران بیشتر نمادی از بازار محدود خودروهای فوق‌لوکس است تا فعالیت تجاری سازمان‌یافته. با گذشت بیش از یک قرن از تأسیس شرکت، بن‌تلی همچنان بر همان ترکیب اولیه تکیه دارد؛ قدرت، کیفیت و میراث برند.

منبع اصلی: وب‌سایت رسمی بن‌تلی موتورز
بخش تاریخچه و میراث برند

محصولات مک‌لارن بود و توانست جایگاه این

برند را در بخش سوپراسپرت‌ها بیش از گذشته تثبیت کند. در ادامه، همین ساختار فنی زمینه برای تولید مدل‌های مختلف فراهم کرد. یکی از شناخته‌شده‌ترین آنها 765LT بود؛ خودرویی که با تمرکز بیشتر بر استفاده در پیست، نسخه‌ای افراطی‌تر از این خانواده محسوب می‌شد. مک‌لارن بعدها مدل‌های دیگری را نیز بر پایه همین مسیر توسعه داد و اخیراً 788RS را معرفی کرده است. به همین دلیل 750S را باید بخشی از یک زنجیره مهم در تاریخ معاصر مک‌لارن دانست؛ زنجیره‌ای که از 720S آغاز شد و حالا به نزدیک شدن به پایان تولید 750S، وارد مرحله تازه‌ای می‌شود.

آخرین فرصت برای خرید750S

با وجود نزدیک شدن به پایان تولید، پرورنده مک‌لارن 750S هنوز بسته نشده است. سفارش‌های نهایی این خودرو هم‌اکنون پذیرفته می‌شوند و مشتریانی که به دنبال آخرین نمونه‌های صفروکم‌ترین سوپراسپرت هستند، هنوز فرصت محدودی دارند. قرار است تولید 750S در سال ۲۰۲۷ متوقف شود. پس از آن، یکی از مهم‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر مک‌لارن به پایان خواهد رسید؛ فصلی که با 720S آغاز شد، مدل‌هایی مانند 765LT را به خود دید و در نهایت با 750S به نقطه پایان رسید.

750S شاید آخرین عضو این خانواده نباشد که یکی خیابان‌ها دیده می‌شود. اما با پایان تولید آن، یکی از شاخص‌ترین سوپراسپرت‌های هشت سیلندر مک‌لارن به تاریخ خواهد پیوست؛ خودرویی که ترکیب وزن پایین، قدرت بالا و تمرکز بر تجربه رانندگی را به یکی از آخرین نمونه‌های جذاب این نسل تبدیل کرده است.

پایان یک خودرو، آغاز یک مسیر تازه

هنریک ویلهلمزمایر، مدیر ارشد تجاری مک‌لارن، دربارۀ 750S تأکید کرده است که این خودرو مجموعه‌ای از ویژگی‌های اصلی یک سوپراسپرت مک‌لارن را در خود جمع کرده است؛ عملکرد بالا، هیجان رانندگی، فناوری‌های فنی، طراحی متفاوت و امکان شخصی‌سازی گسترده.

به گفته او، 750S پس از پایان تولید نیز میراث قابل‌توجهی برای مک‌لارن به‌جا خواهد گذاشت. این خداحافظی در حالی اتفاق می‌افتد که مک‌لارن در حال تغییر مسیر خود برای آینده است. این شرکت اخیراً نشان تجاری جدیدی معرفی کرده و برنامه‌هایی برای گسترش خانواده محصولات خود دارد. یکی از مهم‌ترین پروژه‌های آینده مک‌لارن، توسعه یک شاسی بلند بسیار قدرتمند است؛ محصولی که طبق گزارش‌های منتشرشده، می‌تواند رقیبی برای خودروهایی مانند فراری Purosangue باشد.

خودرویی پسرانزد که در کنار حفظ ویژگی‌های

اصلی 720S، عملکرد بالاتر و ارتباط مستقیم‌تری با راننده داشته باشد. در قلب 750S، همان فرمول آشنای مک‌لارن قرار دارد؛ یک موتور ۴ لیتری هشت سیلندر مجهز به دو توربوشارژر که توانایی تولید ۷۴۰ اسب بخار قدرت را دارد. در طرف دیگر، وزن خشک خودرو تنها حدود ۱۳۷۷ کیلوگرم اعلام شده است. ترکیب چنین قدرتی با وزن پایین، یکی از مهم‌ترین دلایلی است که 750S را در میان سوپراسپرت‌های شاخص این سال هافار می‌دهد.

وقتی هر کیلوگرم اهمیت دارد

مک‌لارن برای افزایش چابکی 750S تنها به افزایش قدرت موتور اکتفا نکرد. سیستم تعلیق خودرو مورد بازنگری قرار گرفت و تنظیمات جدیدی برای آن در نظر گرفته شد. بخش آپرودینامیک نیز تغییر کرد تا خودرو در سرعت‌های بالا پایداری بیشتری داشته باشد.

تنظیمات جعبه‌دنده نیز نسبت به 720S تغییر کرده و واکنش آن با هدف ارائه تجربه‌ای سریع‌تر و جذاب‌تر انجام شد. فضای کابین نیز با تمرکز بیشتر روی راننده طراحی شد تا هنگام رانندگی، ارتباط میان خودرو و راننده پررنگ‌تر باشد. در واقع فلسفه 750S ساده بود: مک‌لارن می‌خواست محصولی بسازد که بیشتر از آنکه صرفاً یک خودروی سریع باشد، راننده را در مرکز تجربه قرار دهد. همین موضوع باعث شد 750S برای علاقه‌مندان رانندگی جایگاه ویژه‌ای پیدا کند.

میراثی که با720Sآغاز شد

ریشه این خانواده به سال ۲۰۱۷ و معرفی 720S بازمی‌گردد. 720S در آن زمان یکی از مهم‌ترین



یادداشت

کوروش باقری

سرمری پیشین تیم ملی وزنه‌برداری

آینده روشن با جوانان

سرمایه‌گذاری فدراسیون وزنه‌برداری روی جوانان و عملکردی که آنها در بازی‌های آسیایی ناگویا از خود نشان دادند، مشخص می‌کند که موتور وزنه‌برداری تازه روشن شده است و شک نداشته باشید که آینده بسیار خوبی در انتظار این رشته خواهد بود.

وزنه‌برداری، چه در بخش آقایان و چه در بخش بانوان، در ناگویا عملکرد خوبی داشت. حتی فراتر از پیش‌بینی‌ها نتیجه گرفتیم و فدراسیون وزنه‌برداری در این مسابقات کارنامه مثبت و موفقی از خود به جا گذاشت. ان‌شاءالله این روند ادامه پیدا کند و شاهد پیشرفت بیشتر این رشته باشیم.

برای اولین بار، دختران وزنه‌بردار توانستند مدال بگیرند؛ آن هم نه یک مدال، بلکه دو مدال برنز. حدود ۱۰ سال از عمر وزنه‌برداری بانوان می‌گذرد و به‌خصوص در چهار سال اخیر، اقدامات بسیار خوبی در این بخش صورت گرفته است. ریحانه کریمی از اولین نفرانی بود که در این رشته به اردو دعوت شد و در دوره قبلی بازی‌ها نیز حضور داشت. بنابراین، تجربه قبلی به کمکش آمد و او آغازگر مدال‌آوری بانوان وزنه‌بردار در این رویداد بزرگ شد. مهسا بهشتی هم از وزنه‌برداران خوب و آینده‌دار است.

کادر فنی بانوان نیز عملکرد خوبی داشت و در مجموع، مجموعه وزنه‌برداری بانوان نشان داد که توانایی انجام کارهای بزرگ را دارد. اگر حمایت و توجه بیشتری به این بخش شود، می‌توان در آینده انتظار نتایج ارزشمندتری داشت. حتی می‌توان به کسب سهمیه المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس نیز امیدوار بود.

پس‌ران هم دو مدال طلا گرفتند و در مقایسه با دوره قبل که حامل کارشان یک مدال نقره بود، رشد بیشتری از خود نشان دادند. البته می‌شد یک مدال دیگر هم کسب کرد، اما به هر حال، به دست آوردن دو مدال طلا اتفاق کمی نیست و روی هم رفته، تیم ملی عملکرد خوبی داشت.

البته روی کاغذ، نحوه انتخاب وزنه از سوی کادر فنی برای علیرضا نصیری ایراد داشت و می‌شد استراتژی بهتری به کار گرفت؛ برای مثال، ابتدا مدال برنز را قطعی و بعد برای کسب مدال نقره اقدام می‌کردند. علیرضا نصیری وزنه‌بردار خوبی است. او فوق‌العاده آماده بود و باید آن وزنه را می‌زد؛ چراکه وزنه‌ای نبود که از دسترسش خارج باشد. ممکن است علیرضا نصیری استرس نداشته باشد. اما لازم است مسائل و چالش‌های احتمالی او از نظر روانی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و برطرف شود. به نظر می‌رسد مسأله او بیش از آن‌که به شرایط بدنی مربوط باشد، جنبه روانی داشت.

یادداشت

محسن بیرانوند

کارشناس وزنه‌برداری

وزنه‌برداری ایران در اوج

مدال‌آوری بانوان برای اولین بار و کسب دو مدال طلا از سوی چهار وزنه‌بردار مرد در بازی‌های آسیایی ناگویا، اتفاق بزرگی بود که ملی‌پوشان کشورمان رقم زدند. البته در این میان باید از برنامه‌ریزی‌های دوران مدیریت علی مرادی، رئیس پیشین فدراسیون وزنه‌برداری نیز یاد کرد. مدور مجوز فعالیت بانوان و پیگیری‌های داخلی و بین‌المللی در این زمینه، از جمله اقداماتی بود که در آن دوره انجام شد. مرادی اعتقاد داشت بانوان در آینده به یکی از نقاط قابل اتکای وزنه‌برداری ایران در مدال‌آوری تبدیل خواهند شد و این پیش‌بینی به مرور زمان به واقعیت پیوست. هرچند باید پذیرفت که موفقیت‌ها همیشه حاصل عملکرد یک سیستم نیست و عوامل مختلفی در رقم خوردن آنها نقش دارند.

در مجموع، مدال‌آوری بانوان در بازی‌های آسیایی فوق‌العاده بود و همه جامعه ورزش از این موفقیت لذت بردند؛ بویژه آنکه کشورهای قدرتمند زیادی در وزنه‌برداری آسیا حضور دارند و کسب مدال در چنین رقابت‌هایی کار آسانی نیست.

در بخش مردان نیز کسب دو مدال طلا از سوی تیم چهار نفره ایران، نتیجه‌ای فوق‌العاده محسوب می‌شود. البته می‌توانستیم یک مدال دیگر هم به دست آوریم؛ مدالی که علیرضا نصیری، جوان نابغه وزنه‌برداری ایران، شانس کسب آن را داشت. او در دهه‌های سنی مختلف، بارها در رقابت با غول‌های وزنه‌برداری جهان مدال گرفته و برای ایران افتخارآفرینی کرده است. ولی باید در نظر داشت که سرمری تیم ملی تنها در عرض ۲۰ ثانیه فرصت دارد تصمیم بگیرد و وزنه انتخاب کند؛ طبیعی است که در چنین شرایطی احتمال اشتباه نیز وجود داشته باشد.

از سوی دیگر، استراتژی فدراسیون جهانی در خصوص تغییر اوزان و کاهش تعداد شرکت‌کنندگان در هر وزن، دست سرمری را برای بازی با نقرات و انتخاب‌های تاکتیکی محدود کرده است. با وجود این، کادر فنی توانست در مقایسه با چهار سال قبل و بازی‌های آسیایی هانگزو، عملکرد بسیار قابل‌توجهی داشته باشد. در آن دوره، تیم وزنه‌برداری ایران با ۱۰ ورزشکار شرکت کرد، اما تنها یک مدال نقره به دست آورد.

همچنین باید به مدال طلای دراماتیک علی داوودی اشاره کرد. او وزنه ۲۶۰ کیلوگرمی را بالای سر برد؛ وزنه‌ای که در چنین سن و سالی مهار کردن آن بسیار دشوار است. داوودی نشان داد زحمات زیادی کشیده و با ثبت رکوردی جدید، بویژه در حرکت دوضرب، قدر فرصتی را که خداوند در اختیارش قرار داده بود، دانست. ویدیوچک به‌موقعی هم که بهداد سلیمی، سرمری تیم ملی درخواست کرد، بهترین استراتژی او بود. داوران اعتقاد داشتند آرنج داوودی لرنزیده است، اما در چلنج مشخص شد لرزش مربوط به کتف او بوده و همین موضوع وزنه‌بردار عراقی را ناکام گذاشت. باید به داوودی تبریک گفت که با وجود تمام آسیب‌دیدگی‌هایی که داشت، بار دیگر توانست روی سکو برود و افتخارآفرینی کند.

«ایران» عملکرد تیم ملی وزنه‌برداری در بازی‌های آسیایی ناگویا را بررسی می‌کند

آزمون آهنین آینده‌سازان

سینا حسینی/ بازی‌های آسیایی ناگویا فرصتی مهم برای ارزیابی وضعیت وزنه‌برداری ایران و ترسیم چشم‌انداز آینده این رشته بود؛ رشته‌ای که سال‌ها یکی از امیدهای اصلی کاروان ایران برای کسب مدال در المپیک به شمار می‌رود. کسب دو مدال طلا توسط مردان و دو مدال برنز توسط مهسا بهشتی و ریحانه کریمی در بخش زنان، نشان داد وزنه‌برداری ایران همچنان از ظرفیت رقابت در سطح بالای آسیا برخوردار است. اما همچنان پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان این دستاوردها را به موفقیت‌های پایدار در رقابت‌های جهانی المپیک تبدیل کرد؟ کسب دو مدال طلا در بخش مردان، نشانه‌ای از تداوم توان رقابتی ایران در این رشته است؛ ولی حفظ این جایگاه به ارتقای رکوردها، استمرار عملکرد و پرورش نسل‌های جدید قهرمانان نیاز دارد. در کنار این موفقیت، مدال‌های برنز

مهسا بهشتی و ریحانه کریمی نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. این دستاوردها را نباید تنها به نتایج یک مسابقه محدود کرد؛ بلکه باید آنها را نشانه‌ای از ظرفیت وزنه‌برداری زنان دانست که با حمایت مناسب می‌تواند به موفقیت‌های بیشتری در عرصه بین‌المللی منجر شود. توسعه همزمان بخش مردان و زنان، دامنه استعدادهای قابل شناسایی را گسترش می‌دهد و فرصت‌های ایران برای افزایش شمار مدال‌ها را بیشتر می‌کند. البته موفقیت در بازی‌های آسیایی به تنهایی تضمین‌کننده مدال‌آوری در بازی‌های المپیک نیست. سطح رقابت، ترکیب مدعیان، فشار روانی و ضرورت آمادگی در بالاترین سطح، شرایط متفاوتی ایجاد می‌کنند. بنابراین، مهم‌ترین مسأله، تبدیل موفقیت‌های مقطعی به یک نظام پایدار قهرمان‌پروری است؛ نظامی که بتواند ورزشکاران مستعد را شناسایی کند، پرورش

دهد و تا سطح رقابت‌های جهانی و المپیک همراهی کند. نخستین گام در این مسیر، استعدادیابی اصولی در سنین پایه و ایجاد ارتباط مؤثر میان باشگاه‌ها، هیأت‌های استانی و فدراسیون است. انتخاب ورزشکاران نباید تنها بر نتایج مسابقات متکی باشد؛ ویژگی‌های جسمانی، توانایی یادگیری تکنیک، انگیزه و قابلیت پیشرفت بلندمدت نیز اهمیت دارند. پس از شناسایی استعدادها، دسترسی به مربیان توانمند، تجهیزات مناسب، برنامه‌های علمی تمرین و خدمات پزشکی، تغذیه و حمایت روانی ضروری است. این امکانات، هم برای حفظ جایگاه مردان و هم برای توسعه وزنه‌برداری زنان اهمیت دارند.

نکته مهم دیگر، تدوین برنامه‌ای بلندمدت برای المپیک لس‌آنجلس ۲۰۲۸ و رویدادهای پس از آن است. باید برای هر ورزشکار، مسیر مشخصی

دختران علاقه‌مند به وزنه‌برداری فراهم کند. مهم آن است که این نتایج به برنامه‌ای مستمر برای رشد ورزشکاران منجر شوند. در مجموع، نتایج ناگویا شامل دو مدال طلا در بخش مردان و دو مدال برنز در بخش زنان، نشانه‌هایی امیدوارکننده از ظرفیت وزنه‌برداری ایران هستند؛ اما آینده این رشته به نحوه بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها بستگی دارد. اگر فدراسیون با برنامه‌ریزی علمی، استعدادیابی هدفمند و حمایت مستمر از ورزشکاران و مربیان، موفقیت‌های امروز را به نظامی پایدار برای قهرمان‌پروری تبدیل کند، دستیابی به نتایج قابل توجه در رقابت‌های جهانی و المپیک می‌تواند هدفی دست‌یافتنی باشد. مسیر، دشوار است و رقبا نیز متوقف نمی‌شوند، از این رو امید به آینده باید با اقدام عملی و برنامه‌ریزی بلندمدت همراه شود.

سه‌میه المپیک نیز باید تا روزهای پایانی تلاش کرد.

او درباره مدال برنز تاریخی ریحانه کریمی می‌گوید: «خدارا شکر می‌کنم که ریحانه موفق شد مدال برنز بگیرد. او از سال گذشته تلاش زیادی کرده و وارد رده سنی بزرگسالان شده است. با وجود سن کم، توانست احساساتش را به‌خوبی کنترل کند. اگر در اجرای حرکت سوم کمی دقت بیشتری داشت، مطمئناً می‌توانست مدال نقره را هم به دست آورد.» حسینی درباره عملکرد مهسا بهشتی نیز توضیح می‌دهد: «مهسا در گروهی سخت با وزنه‌بردارانی از چین، بحرین و ترکمنستان رقابت کرد و با وجود فشار بالای مسابقات، تا پایان جنگید. او یکی از جوان‌ترین شرکت‌کنندگان بود و چند هفته پیش از ناگویا نیز در مسابقات تاشکند حضور داشت؛ به همین دلیل، فرصت کافی برای ریکاوری کامل نداشت. با این حال، مقابل ورزشکارانی ایستاد که ۱۰ تا ۲۰ سال از او بزرگ‌تر بودند. رکوردش تنها سه کیلوگرم با رکورد قهرمان جهان فاصله داشت. او واقعاً برای رسیدن به مدال جنگید.» الهام حسینی مدال‌های ناگویا را به مردم ایران تقدیم می‌کند و می‌گوید: «از مردم ایران که در این شرایط سخت از ورزشکاران حمایت می‌کنند و همواره پشتیبان ما بوده‌اند، تشکر می‌کنم. بدون تردید، حمایت مجموعه ورزش کشور از دختران به حضور روی سکو و تاریخ‌سازی آنها منجر می‌شود. این مدال‌ها گواهی وجود مردم عزیز ایران.»



مستولان باید بدانند که این رشته در مدت‌زمانی نه‌چندان طولانی به به شرایط ریحانه کریمی و مهسا بهشتی و نزدیک‌بودن رکوردهایشان به سطح سکو، تصمیم گرفتیم این دو ورزشکار را برای رقابت با برترین‌های وزنه‌برداری جهان به ناگویا اعزام کنیم. آنها به‌تازگی در تاشکند نیز عملکرد فوق‌العاده‌ای داشتند. سایر ملی‌پوشان به دلیل سن پایین و نداشتن تجربه حضور در رویدادی با این سطح، شانس کمتری برای کسب مدال داشتند. از آنجا که تأکید کمیته ملی المپیک نیز بر مدال‌آوری بود، تصمیم گرفتیم با رویکرد کیفی‌سازی، این دو نفر را اعزام کنیم.»

سرمری تیم ملی، تغییرات اوزان و کاهش سهمیه‌ها از سوی فدراسیون جهانی را از عوامل دشوارتر شدن رقابت‌ها می‌داند و می‌گوید: «ادغام دسته‌های وزنی باعث شده بهترین وزنه‌برداران هر وزن در یک دسته باهم رقابت کنند و همین مسأله، کسب مدال را دشوارتر کرده است. حتی برای به‌دست‌آوردن

در دسته ۹۵ کیلوگرم با مهار وزنه ۲۱۸ کیلوگرمی در حرکت دوضرب و ثبت مجموع ۳۹۸ کیلوگرم به قهرمانی رسید. علی داودی نیز در دسته فوق‌سنگین مدال طلا را به دست آورد؛ رقابتی که با اتفاقی بحث‌برانگیز همراه شد. علی آسیا بازگشته است. هرچند فاصله با عملکرد چهارمدالی جاکارتا همچنان باقی است. دو طلای مردان و ثبت اولین مدال بانوان، تصویری متفاوت از نتایج ایران در این دوره ارائه می‌دهد. تداوم این مسیر به برنامه‌ریزی بلندمدت، پختوانه‌سازی در دهه‌های پایه و افزایش ثبات عملکرد ملی‌پوشان در اوزان مختلف وابسته است.

ریحانه کریمی، ملی‌پوش وزنه‌برداری در گفت‌وگو با «ایران»:

هیچ کاری برای دختران ورزشکار، نشد ندارد

کردم. چراغ‌های سفید که روشن شد، همه رنج‌هایم فریادی شد که در سالن پیچید.» تغییر دسته وزنی در روز مسابقه نیز ماجرای دیگری بود. کریمی که در دسته ۶۹ کیلوگرم وزنه می‌زد، صبح وزن‌کشی ۶۹ کیلو و ۵۰۰ گرم وزن داشت؛ درحالی‌که به سقف پذیرش این دسته ۶۹ کیلو و ۲۰۰ گرم بود. اما، تصمیم کادرفنی برای حضور او در دسته ۷۷ کیلوگرم، فرصتی شد تا برابر قهرمانان قدرتمند آسیا توانایی‌هایش را به نمایش بگذارد. او در پایان با تأکید بر توانایی دختران ایرانی می‌گوید: «واپیل شاید می‌گفتند وزنه‌برداری ورزش خانم‌ها نیست، اما وقتی روی سکو می‌روی، دنیا احترام می‌گذارد. هیچ کاری برای دختران ما، نشد ندارد.» کریمی خود می‌گوید: «کریمی دختران جهانی چنین را مقصد بعدی خود می‌داند و می‌گوید تا رسیدن به سکوی المپیک تلاش خواهد کرد. او مدال ارزشمندش را به ایران رضا(ع) و همه مردم شریف ایران تقدیم می‌کند.



کم و هالترهای فرسوده تمرین می‌کردم، از نظر روانی فولادین شوم و از روبرو شدن با حریفان قدر نترسم.» او از لحظات پراسرترس مسابقه نیز خاطراتی دارد: از زمانی که هنوز بدنش گرم نشده بود و تنها ۲۰ ثانیه برای آماده شدن فرصت داشت تا ناکمی در حرکت اول و تصمیمش برای جبران در دوضرب، کریمی می‌گوید: «وقتی هالتر ۱۳۶ کیلوگرمی را بالا بردم، در کسری چهار سال شش‌هفت قیلی و آرزوهای دختران ایران از پیش چشمم گذشت. با همه وجود پرتابش

گروه ورزشی/ ریحانه کریمی با کسب مدال برنز بازی‌های آسیایی ناگویا، تنها نام خود را در تاریخ ورزش ایران ثبت کرد، بلکه نشان داد اراده و جسارت می‌تواند فاصله میان امکانات محدود و قهرمانی را از میان بردارد.

ریحانه کریمی در دسته ۷۷ کیلوگرم و با مجموع ۲۴۳ کیلوگرم، بر سکوی سوم آسیا ایستاد تا اولین بانوی مدال‌آور تاریخ وزنه‌برداری ایران و بازی‌های آسیایی لقب بگیرد. او در گفت‌وگو با «ایران» از روزهای به‌یادماندنی ناگویا می‌گوید: «مدال برای المپیک بچن‌گیم و هدف‌هایمان کوچک نباشد. خوشحالم که سرمری تیم به من اعتماد کرد و برای حضور در ناگویا انتخابم کرد. من و ریحانه هم توانستیم پاسخ این اعتماد را بدهیم.» مهسا بهشتی موفقیت ورزشی را در کنار پذیرفت تحصیلی دنبال می‌کند و درباره آرزوهایش می‌گوید: «دو هدف دارم: اول اینکه در مسابقات جهانی و حتی المپیک مدال بگیرم و در کنار آن، تحصیلم را ادامه بدهم. پزشک شدن، آرزوی تحصیلی من است.»

مهسا داشتیم، با زمانی که خودم مدال گرفتیم، قابل مقایسه نیست. به آنها افتخار می‌کنم و خوشحالم که باعث شدند نگاه‌ها بیش از گذشته به این رشته جلب شود.»

او با اشاره به محدودیت امکانات در شهرستان‌ها تأکید می‌کند: «ما از نظر

المپیک بگیرند و در لس‌آنجلس نیز مدال کسب کنند.»

این مربی که خود تجربه مدال‌آوری در وزنه‌برداری زنان را دارد، درباره احساسش پس از موفقیت شاگردانش توضیح می‌دهد:

«حس‌وحالی که هنگام کسب مدال وجود می‌کند؛

فرازونشیب وزنه‌برداری ایران در بازی‌های آسیایی

نگاهی به آمار این سه دوره نشان می‌دهد که ایران در جاکارتا از مجموع ۴۵ مدال سکو در ۱۵ وزن، چهار مدال به دست آورد. در هانگزو، با برگزاری رقابت‌ها در ۱۴ وزن و توزیع ۴۲ مدال سکو، سهم ایران تنها یک مدال نقره بود. در ناگویا نیز با برگزاری مسابقات در ۱۶ وزن و توزیع ۴۸ مدال سکو، نمایندگان ایران سه مدال کسب کردند. به این ترتیب، تعداد مدال‌های ایران در مقایسه با هانگزو سه برابر شد، اما هنوز به رکورد جاکارتا نرسیده است.

یکی از نکات مهم عملکرد ایران در ناگویا، کسب دو مدال طلا از سوی چهار وزنه‌بردار مرد اعزامی بود. علی‌علی‌پور

مهسا بهشتی، عضو تیم ملی وزنه‌برداری زنان در گفت‌وگو با «ایران»:

برای المپیک می‌جنگم؛ اهدافم نباید کوچک باشند

داشتم ثبت‌کنم، کمی ناراحت بودم؛ چون روی اعداد بهتری کار کرده بودم. با این حال، می‌دانم از اینجا به بعد کار سخت‌تری پیش‌رو دارم و باید برای کسب سهمیه المپیک جنگم.»

او در ادامه از نقش الهام حسینی، سرمری تیم ملی و از مدال‌آوران این رشته، در مسیر پیشرفت خود می‌گوید: «خام حسینی در اردوها و تمرین‌ها همیشه به ما یادآوری می‌کند که باید توانایی‌هایمان را نشان بدهیم. وزنه‌زدن، مسابقه و تهرین ندارد و باید در هر شرایطی بهترین رکورد را ثبت کنیم.» او می‌گوید باید برای المپیک بچن‌گیم و هدف‌هایمان کوچک نباشد. خوشحالم که سرمری تیم به من اعتماد کرد و برای حضور در ناگویا انتخابم کرد. من و ریحانه هم توانستیم پاسخ این اعتماد را سربلند کنیم.» مهسا بهشتی درباره اشک‌هایش پس از پایان مسابقه در ناگویا نیز توضیح می‌دهد: «این اشک‌ها از خوشحالی بود؛ هم به‌خاطر اینکه توانستیم اولین مدال‌م را در بازی‌های آسیایی کسب کنیم و هم به این دلیل که به هدفم رسیدیم. البته از اینکه نتوانستیم رکوردهایی را که مدنظر



و یکی از آنها به‌تازگی مدال طلای جوانان را کسب کرده بود. از طرفی، چون به‌تازگی از مسابقات جهانی من هشت روزگشته بودم، بدتم کمی خسته بود. رقابت با این بزرگان هم تا حدودی به من استرس وارد کرد، اما به خودم می‌بالم که توانستم جامعه وزنه‌برداری را سربلند کنم.» مهسا بهشتی درباره اشک‌هایش پس از پایان مسابقه در ناگویا نیز توضیح می‌دهد: «این اشک‌ها از خوشحالی بود؛ هم به‌خاطر اینکه توانستیم اولین مدال‌م را در بازی‌های آسیایی کسب کنیم و هم به این دلیل که به هدفم رسیدیم. البته از اینکه نتوانستیم رکوردهایی را که مدنظر